

تبرستان
www.tabarestan.info

کارگردان اوقاف در عصر پهلوی دوم با تکیه بر اسناد

حمیده سطلانی مقدم
سعیده سطلانی مقدم

تبرستان
www.tabarestan.info

بسم الله الرحمن الرحيم

تبرستان
www.tabarestan.info

کارکرد اوقاف

در عصر پهلوی دوم با تکیه بر اسناد

www.tabarestan.info

حمیده سلطانی مقدم

سعید سلطانی مقدم

سرشناسه: سلطانی مقدم، حمیده

عنوان: کارکرد اوقاف در عصر پهلوی دوم با تکیه بر اسناد

تکرار نام پدیدآور: نویسندگان حمیده سلطانی مقدم، سعیده سلطانی مقدم

مشخصات نشر: قم؛ علویون، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ص؛ مصور؛ نمونه؛ جدول

ISBN:978-600-6204-35-2

بهاء: ۱۴۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص ۲۱۱-۲۱۳؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: اوقاف - تاریخ - پهلوی - ۱۳۲۰-۱۳۵۷

موضوع: اوقاف - تاریخ - پهلوی - ۱۳۲۰-۱۳۵۷ - اسناد و مدارک

موضوع: وقف - تاریخ - پهلوی - ۱۳۲۰-۱۳۵۷ - اسناد و مدارک

موضوع: ایران - تاریخ - پهلوی - ۱۳۲۰-۱۳۵۷

شناسه افزوده: سلطانی مقدم، سعیده

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵، ۲ ک ۸ س/۱۴۸۶ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۴

شماره مدرک: ۴۱۲۵۱۶

کارکرد اوقاف در عصر پهلوی دوم با تکیه بر اسناد

حمیده سلطانی مقدم - سعید سلطانی مقدم

احمد زین العابدین

علویون

اول ۱۳۹۵

نسخه ۱۰۰۰

۹۷۸-۶۰۰-۶۲۰۴-۳۵-۲

ملاگلی

ریال ۱۴۰۰۰۰

نویسندگان

طراحی و صفحه آرایی

انتشارات

نوبت چاپ

تیراژ

شابک

چاپ و صحافی

قیمت

کلیه حق و حقوق محفوظ می باشد.

فهرست مطالب

۸	• مقدمه
۹	• سوالات:
۹	• فرضیه ها:
۱۰	• علت انتخاب موضوع و اهمیت آن
۱۰	• روش تحقیق:
۱۱	• پیشینه تحقیق:
۱۱	• بررسی منابع:
۱۲	• مقدمه
۱۲	• تشکیلات اوقاف در دوره قاجار
۱۲	الف- دستگاه قضا و اداره اوقاف
۱۳	ب- وزارت اوقاف
۱۴	ج- مجلس و اوقاف
۱۵	• اداره موقوفات و نقش روحانیون در عصر قاجار
۱۶	• اوقاف در عصر پهلوی اول
۲۲	• اوقاف در عصر پهلوی دوم قبل از سال ۴۳
۲۳	• نتیجه

فصل اول

اداره مستقل اوقاف از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷

۲۶	• تفکیک وزارت فرهنگ
۲۷	• ریاست محترم مجلس شورای ملی:
۳۰	• آیین نامه شورای عالی اوقاف:
۳۱	• وظایف شورای عالی اوقاف
۳۲	• قوانین سازمان اوقاف
۳۳	• آیین نامه اوقاف
۳۴	• مخارج موقوفات
۳۵	• وظایف اداره تحقیق اوقاف:
۳۵	• شعبه های اداره تحقیق:
۳۶	• طرح ها و اهداف سازمان اوقاف
۳۶	۱- شناسایی متولیان معتمد:
۳۸	۲- افزایش درآمد موقوفات
۳۹	۳- ترویج دین و شعائر اسلامی در سازمان اوقاف

- ۴- نشریات سازمان اوقاف ۴۱
- ۵- مدارس علوم دینی ۴۲
- ۶- نظارت اوقاف بر اماکن مقدسه و مساجد و تکایا ۴۴
- ۷- سپاهیان دین ۴۶
- ۸- حقوق خادمین و هزینه تعمیرات در اماکن مقدسه ۴۷

فصل دوم تشکیلات اوقاف

- اولین گامها در تشکیلات اوقاف ۵۰
- شرح وظایف ۵۱
- ۱- شناسایی زمینهای موقوفه ۵۱
- ۲- تنظیم بودجه: ۵۴
- ۳- ثبت رقبات شناخته شده ۵۴
- ۴- درآمد و هزینه ها: ۵۵
- ۵- تعمیر موقوفات ۵۷
- ۶- پرداخت مستمری ۵۸
- ۷- هزینه های مربوط به سپاه دانش و پیکار با بی سوادی ۵۸
- ۸- تصمیمات اوقاف در اجرای خواست واقف ۵۹
- مشکلات پیش روی اوقاف ۶۰
- ۱- تصرف زمینها توسط مردم ۶۰
- ۲- متولیان ذی نفوذ ۶۱
- ۳- تخلفات و خیانتهای افراد متنفذ ۶۳
- نقش روحانیون در امور مذهبی ۶۴
- روسای مختلف از سال ۵۷ تا ۴۳ ۶۶
- نصیر عصار ۶۶
- منوچهر آزمون ۶۸

فصل سوم زمین های موقوفه

- زمین مهمترین موقوفه ۷۲
- املاک پهلوی، تغییرات و تقسیم زمین ها ۷۳
- زمینهای مسترد شده به مردم ۷۷
- موسسات و مراکز خیریه و قفی ۷۸

۴۱	۴- نشریات سازمان اوقاف
۴۲	۵- مدارس علوم دینی
۴۴	۶- نظارت اوقاف بر اماکن مقدسه و مساجد و تکایا
۴۶	۷- سپاهیان دین
۴۷	۸- حقوق خادمین و هزینه تعمیرات در اماکن مقدسه

فصل دوم تشکیلات اوقاف

۵۰	• اولین گامها در تشکیلات اوقاف
۵۱	• شرح وظایف
۵۱	۱- شناسایی زمینهای موقوفه
۵۴	۲- تنظیم بودجه:
۵۴	۳- ثبت رقبای شناخته شده
۵۵	۴- درآمد و هزینه ها:
۵۷	۵- تعمیر موقوفات
۵۸	۶- پرداخت مستمری
۵۸	۷- هزینه های مربوط به سپاه دانش و پیکار با بی سوادی
۵۹	۸- تصمیمات اوقاف در اجرای خواست واقف
۶۰	• مشکلات پیش روی اوقاف
۶۰	۱- تصرف زمینها توسط مردم
۶۱	۲- متولیان ذی نفوذ
۶۳	۳- تخلفات و خیانتهای افراد متنفذ
۶۴	• نقش روحانیون در امور مذهبی
۶۶	• روسای مختلف از سال ۵۷ تا ۴۳
۶۶	• نصیر عصار
۶۸	• منوچهر آزمون

فصل سوم زمین های موقوفه

۷۲	• زمین مهمترین موقوفه
۷۳	• املاک پهلوی، تغییرات و تقسیم زمین ها
۷۷	• زمینهای مسترد شده به مردم
۷۸	• موسسات و مراکز خیریه و قفی

- بنیاد پهلوی ۷۹
- کانون متولیان ۸۰
- اوقاف و سازمانهای دیگر ۸۰
- هزینه بیش از درآمد ۸۳

فصل چهارم حج گزاری و سازمان اوقاف

- حج در دوره پهلوی دوم ۸۶
- امور حج در وزارت کشور ۸۶
- مشکلات و موانع در حج ۸۷
- حج در دست حمله داران ۸۹
- حج در سالهای دهه ۴۰ ۹۲
- کمیسیون حج و تصمیم بر پایان دادن به مشکلات ۹۲
- حمله داران دیروز، راهنمایان امروز ۹۳
- مراحل نام نویسی متقاضیان حج ۹۵
- نظارت ضعیف دولت و ادامه شکایات مردم ۹۶
- واگذاری امور حج به سازمان اوقاف (۱۳۵۷ تا ۵۷) ۱۰۱
- شورای عالی حج ۱۰۲
- اهداف و برنامه های شورای عالی حج ۱۰۴
- الف- تسریع مراحل ثبت نام متقاضیان ۱۰۵
- ب- ویزا، گذرنامه، هواپیما، بیمه ۱۰۶
- خوراک و مسکن لباس و بار و وضع ظاهر ۱۰۷
- انتخاب راهنمایان حج از طریق آزمون ۱۰۸
- عوارض برای انجمن شهر و جمعیت شیر و خورشید ۱۰۹
- توانایی جسمی و معاینات پزشکی ۱۱۰
- مشکلات و نارضایتی ها در سالهای بعد از سال ۵۳ ۱۱۱
- تبعیض و شکایت مردم در نام نویسی سفر مکه ۱۱۲
- تعیین مدیران گروه و آسیب های آن ۱۱۳
- رشوه گیری در انتخاب مدیران حج ۱۱۵
- موفقیت و عدم موفقیت سازمان اوقاف در امر حج ۱۱۶
- اسناد کتابخانه و سازمان اسناد ملی: ۱۱۸
- منابع و مآخذ ۳۱۰

• مقدمه

جایگاه وقف در همه ادیان جایگاهی قابل تحسین و دارای اهمیت است. حفظ و نشر دین و کمک به افراد کم درآمد هدف مشترک وقف در ادیان مختلف است. در دین اسلام و در میان مسلمانان ایران وقف همواره پیشینه ای پررنگ داشته است و مردم به دور از تفکرات سیاسی و حکومتی در این امر کوشا بوده اند و رقبات بسیاری توسط مردم برای اهداف مختلف وقف میشده است. تشکیلاتی کردن و در اختیار گرفتن نهاد اوقاف توسط حکومت به نسبت خود عمل وقف بسیار دیر انجام گرفته است. در ایران بعد از تصمیم پادشاه قاجار برای منظم ساختن امور مملکت به این امر اندک توجهی شد. اما در دوره های حکومتی بعدی با ورود مجلس شورا نهاد اوقاف هم به عنوان زیر مجموعه ای از یک وزارتخانه قرار گرفت و نمایندگان دولت و مجلس برای جلوگیری از حیف و میل بی حد و حساب اوقاف در تلاش و تکاپو بودند. باید گفت سازمان مستقل اوقاف و اندیشه سازمان جداگانه برای این امر مردم نهاد در دوره پهلوی دوم بصورت جدی دنبال شد سازمان مستقل اوقاف و به دنبال آن تشکیل شورای عالی اوقاف متشکل از حقوقدانان و مجتهدین اولین قدم جدی برای یافتن مجرای قانونی و به حق در این زمان صورت گرفت.

• سوالات:

در دوره پهلوی اول و دوم، وقف به عنوان نهادی که گستره وسیعی را شامل میشود شناخته شد و هدف اولیه نیز شناسایی موقوفات عام و خاص یا متصرفی و غیرمتصرفی بود که دولت تمام تلاشش را در این راه انجام داد برای دستیابی به چگونگی عملکرد دولت در امر اوقاف درصدد پاسخگویی به این سوالات هستیم:

۱- دلیل اهمیت اوقاف در دوره پهلوی و چگونگی سر و سامان دادن و اداره کردن این نهاد؟

۲- چگونگی اداره و تشکیلات سازمان مستقل اوقاف؟
در زمینه حج که از سال ۵۱ به سازمان اوقاف واگذار شد نیز چند سوال مطرح است: سوال اصلی:

- ۱- علت تصمیم دولت برای در اختیار گرفتن امر حج گزاری چیست؟
- ۲- حج قبل از اوقاف تحت نظارت کدام نهاد دولتی بود و چگونه اداره میشد؟
- ۳- دولت برای خاتمه به وضع آشفته حج چه کرد؟

• فرضیه ها:

۱- تعدد کارها در وزارت فرهنگ از کارایی این وزارتخانه بسیار کاسته بود این وزارتخانه در امر موقوفات تقریباً هیچ کار مثمر ثمری انجام نداده و موقوفات در دست کسانی که اصطلاحاً موقوفه خوار بودند مورد سواستفاده قرار گرفته و بسیار به آن آسیب وارد شده بود.

۲- اوقاف سعی کرد با تحت اختیار درآوردن موقوفات در سازمان جداگانه که تحت نظر مستقیم نخست وزیری بود به اوضاع آشفته پایان دهد. تاسیس حوزه های اوقافی در استانهای کشور و شناسایی موقوفات و تحت نظارت درآوردن رقبات و تحت کنترل درآوردن متولیان از برنامه های اوقاف بود.

در امر حج نیز بر حسب سوالهای مطرح شده فرضیه هایی مطرح است:

۱- اولین عامل شدت فسادهای انجام شده توسط حمله داران بود. دولت برای جلوگیری از اتفاقات زننده و جلوگیری از صحنه هایی که حیثیت ملی را زیر سوال میبرد اقدام به تحت نظارت درآوردن این امر کرد.

۲- امور ثبت نام و یا تعداد زائران اموری بود که به وزارت کشور مربوط بود اما هیچ نظارت و حتی هیچ مسئولیتی برعهده این وزارتخانه نبود. دستگاه عظیم حج در دست افرادی به نام حمله دار قرار داشت.

۳- دولت برای سرو سامان دادن به امر حج سازمان را مستقیماً موظف و از آن مهمتر پاسخگو و مسئول برگزاری سفر حج کرد.

www.tabarestan.info
نشرستان

• علت انتخاب موضوع و اهمیت آن

کارکرد اوقاف در دوره پهلوی با توجه به اهمیت دولت به مدرنیزه کردن اداره کشور از مسائلی بود که میتوانست رویکرد و موفقیت و یا عدم موفقیت دولت در این امر را نشان دهد. وقف با آن گستره وسیع که از یک سو مستقیماً به مردم وابسته بود و از طرف دیگر احتیاج به نظارت قدرتمند و دقیق دولت داشت تعامل مردم با حکومت را نیز بهتر مینمایاند. پرداخته نشدن به این موضوع با تکیه بر اسناد نیز یک عامل مهم در انتخاب آن بود.

• روش تحقیق:

روش تحقیق با تکیه بر اسناد دولتی موجود در سازمان اوقاف و کتابخانه مجلس بود. بررسی نکات موجود در این اسناد در نامه نگاریهای دولتی و نامه های ارسالی مردم با ادارات و نهادهای مختلف در روشن شدن مطالب راه گشا بود. استفاده از منابع مکتوب مثل قوانین مصوب، گزارشهای ساواک، مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس شورای ملی و از آن مهمتر خاطرات شخصیت‌های مسئول در آن زمان کمک شایانی به امر تحقیق کرد.

• پیشینه تحقیق:

موضوع وقف زمان و مکانهای وقفی و رقبات موقوفه از مسائلی است که پژوهشگران بسیاری به آن پرداخته اند. نوع وقف و مکان های شهری و روستایی و تراکم آن هر کدام موضوع یک پژوهش بوده است. اما ارتباط آن با حکومتهای وقت و جای قرار گرفتن حکومت در نظارت و رسیدگی به اوقاف به طور جدی بررسی نشده است. البته تفاوت این تحقیق استفاده از اسناد میباشد بررسی اسناد و درآوردن موضوعات از لایه لای صفحات متعدد اسناد دولتی سرلوحه این پژوهش بود.

• بررسی منابع:

منابع مورد استفاده همانطور که گفته شد بیش از هشتاد درصد بازخوانی اسناد موجود سازمان ملی و کتابخانه مجلس شورای اسلامی بود. این اسناد به دلیل اینکه هیچ تحریف و دستکاری در آن نشده و فقط نامه های اداری موجود در دستگاههای مختلف بدون تغییر بود توانست بسیاری از نکات را روشن کند. مشروح مذاکرات مجلس نیز مقدمات و مراحل اولیه و مراحل بعدی تصویب طرح ها در ابتدای تصمیم گیری در مورد طرح تفکیک و نیز اجرایی شدن و تصویب جزییات طرح ها توانست نکات مهم و ضروری را به دست دهد. منبع بعدی روزنامه های آن سال ها است که اتفاقات بدون تغییر و تحریف را در اختیار می گذاشت و به جز این اهداف طرح ها و برنامه ها در آن به خوبی روشن میشد. مجموعه قوانین دوره پهلوی دوم و گزارشات ساواک نیز در مورد شخصیت ها و اقداماتشان مورد استفاده واقع شد و منبع بعدی خاطرات و مکتوباتی است که از شخصیت ها و مسئولان اوقاف به جا مانده است.

• مقدمه

• تشکیلات اوقاف در دوره قاجار

طبق تصویب قانون اوقاف و معارف کشور تلاشهایی در راستای قانونمند کردن نظام وقف صورت گرفت. این دوره مقارن است با دور دوم مجلس شورای ملی. پس از تاسیس وزارت اوقاف و معارف در سال ۱۳۲۸ نمایندگان مجلس اقداماتی در جهت تشکیلاتی شدن و سروسامان یافتن این نهاد در کشور انجام دادند. بهترین منبع در این مورد قوانین و مشروح مذاکرات دوره های اول مجلس میباشد. حاکمان قاجار برای دست و پا کردن مقبولیت و مشروعیت دینی در برپایی مراسم و مناسک مذهبی و نیز اقداماتی برای وقف زمینها و املاک انجام دادند.

الف - دستگاه قضا و اداره اوقاف

بررسی امورات اوقاف واقفان و همه مسائلی که در مورد موقوفات مردم و حاکمان با آن سروکار داشتند در محاکم قضایی صورت میگرفت. بنابراین وضعیت نظام دادرسی و قضایی کشور تأثیری مستقیم بر وضعیت اوقاف کشور داشته است. اولین قانون مدنی راجع به دستگاه قضاوت در کشور در سال ۱۳۲۸ ق به تصویب رسید. روحانیون مجری احکام و قوانین شرع بودند.^۱

این وضعیت تا قبل از سال ۱۳۲۸ بسیار آشفته و زمینه سواستفاده عمال و افراد ذی نفوذ در آن فراهم بوده است تعداد شاکیان و دادخواهان مراجعه کننده ای که مالشان غصب شده و یا مورد تعدی قرار گرفته اند نشان بی سروسامانی این اوضاع است. چراکه با فقدان قوانین مدون صدور حکم و طرز اجرای آن تابع حب و بغض و سلیقه مقامات دولتی بوده است گرچه آشفتگی مملکت آنچنان بود که اجرای این قوانین هم کمکی به حفظ حقوق موقوفات نکرد.

۱. آدمیت، فریدون؛ افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، چاپ اول، تهران، آگاه.

ب- وزارت اوقاف

قبل از نهضت مشروطه حکومت، مداخله اندکی در اداره اوقاف داشت همانطور که گفته شد روحانیون این امور را اداره میکردند اما بعد از سال ۱۲۷۴ ق ناصرالدینشاه امور مملکتی را بین شش وزارتخانه تقسیم کرد که یکی از آنها وزیر وظایف و اوقاف بود. این روند تسلط روحانیون بر اوقاف را تحت تاثیر قرار میداد، نظارت بر مستمری ها و درآمد و عایدات اوقاف از وظایف وزارتخانه بود. میرزااحسین خان عضدالملک در سال ۱۲۷۱ ق وزیر وظایف و اوقاف، مقرر کرد که متصدیان امور اوقاف نباید هیچ اقدامی بدون اطلاع او یا مباشر وی به عمل آورند و موظفند سالانه گزارشی از عایدات و هزینه هاشان را به او اطلاع دهند.

یکی از وزیران وزارت وظایف و اوقاف که در آن زمان به وزارت فواید عامه تغییر نام داده بود "میرزااحسین خان سپهسالار" که همزمان با منصب صدارت، تصدی وزارت عدلیه و اوقاف را برعهده داشت، در سال ۱۲۸۸، فرمانی در جهت اصلاح و بهبود اوقاف صادر کرد. وی طی گزارشی ضمن شرح حیف و میل موقوفات و عواید آن توسط موقوفه خواران و متولیان عملکرد آنها را زیر سوال برد: «باید معلوم گردد آیا متولی املاک موقوفه عایدات آنها را صرف خرج مقرر میکند یا صرف معاش خود مینماید» او درصدد بود که از متولیان که طبق عادت عایدات موقوفات را حیف و میل میکنند مالیاتی طبق مالیات زمینهای اربابی وضع کند تا بلکه مقداری از این درآمدها اینگونه به حساب دولت ریخته شود.^۱

وزارت فواید عامه در سال ۱۲۹۹ توسط ناصرالدینشاه با عنوان وزارت خانه معارف و اوقاف و پست به کار خود ادامه داد همه این تغییرات نتیجه ای جز برجاماندن آشفتگی دوره های قبلی نداشت و وضعیت موقوفات کشور تا دوره مظفرالدینشاه و انقلاب مشروطه کم و بیش مثل گذشته ادامه داشت.^۲ (در خاطرات پیرنیا که متولی آستان قدس در زمان محمدرضا شاه بود آمده است «...که اوضاع موقوفات آستانه مقدسه متأثر از بی انضباطی در همه ارکان کشور گاهی بسیار رقت انگیز

۱. آدمیت، فریدون؛ اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۱، ص ۱۸۸

۲. شمیم، علی اصغر؛ ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، افکار، ۱۳۷۴، ص ۳۴۳

میشد طوری که بعضی وقتها نیاز به گرفتن وام میشدند و اگر رونقی بود به واسطه تلاش نایب التولیه ای بود که درمصدر کارها قرار داشت^۱ اوضاع آشفته موقوفات آستانه امام رضا ع با آنهمه عواید و موقوفات نشان از این داشت که رقبات دیگر وقفی که به نسبت سهم کمتری هم به نسبت وسعت و هم درآمد داشت به احتمال بسیار در وضعی بدتر از این قرار داشته است. این اوضاع موجب توجه سیدضیا طباطبایی در دوره ریاست وزرای اش شد وی طی نامه ای از "کلنل محمدتقی خان" خواست تا برای رسیدگی فوری به وضع آستانه مقدسه فکری کند. این اوضاع در روزنامه های آن دوره نیز منعکس شده بود.^۲ در دوره دولت موقت درواقع دولت با سپردن اوقاف به دست وزارتخانه و یا تشکیل اداره اوقاف در وزارت معارف در پی آن بود تا اداره اوقاف را از دست روحانیون خارج کند و از قدرت سیاسی مادی روحانیون بکاهد. و اداره امور اوقاف را قبضه کند.^۳

ج- مجلس و اوقاف

اداره امورموقوفات بدلیل تقسیم نشدن کارها در وزارت خانه و تجمع وظایف در یک وزارتخانه، نبودن برنامه مدون و قوانین مقرر و نداشتن شعبات اوقاف در شهرهای دیگر باعث بروز مشکلات عدیده ای شده بود. با تشکیل مجلس و نهادهای که برای اداره کشور تفکر و تصمیم گیری میکرد زمینه ای بوجود آمد تا این نواقص کم کم برطرف شود. در دوره های اول مجلس تصمیم بر این شد که ادارات اوقاف در مرکز و شهرستانها از بخش معارف جدا و برای هر بخش مسئولان جداگانه ای تعیین شود. بعد از آن اداره اوقاف در برخی از نقاط کشور تاسیس شد. در دوره اول، اداره اوقاف جزئی از وزارت علوم و معارف به شمار می آمد و اداره مدارس اوقاف مطبوعات، حفريات، موزه و ابنیه عتیقه از وظایف آن بود.^۴ در دوره دوم مجلس بود

۱. پیرنیا، باقر؛ گذر عمر (خاطرات پیرنیا)، تهران، کویر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۰.

۲. همان، ص ۲۱۰.

۳. مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵، ص ۴۱۳.

۴. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول جلسه اول.

که سنگ بنای مقررات وقف و نظام جدید قضایی گذاشته شد. در ماده ششم قانون وظایف اداره اوقاف و تحقیق وظایف این اداره اینگونه آمده است:

۱- تهیه صورت صحیح از وقفنامه ها موقوفات مرکزی ایالتی و ولایتی و بلوکات سراسر کشور

۲- نظارت کلی بر عملکرد متولیات ناظران و تفتیش در وصول عایدات اوقاف و ممانعت از حیف و میل اولیا و مباشرات وقف نسبت به منافع موقوفات و تدارک آبادی و عمران آنها

۳- اداره کردن موقوفاتی که تولیت آنها مستقیماً زیر نظر شخص سلطان عصر یا دولت است.

۴- مراقبت در صرف عایدات اوقاف به مصارف مورد نظر واقف

۵- اهتمام در صرف منابع موقوفاتی که مصرف معین ندارد و باید در جهت تعلیمات و امور عام المنفعه مصرف شود

۶- اداره کردن موقوفاتی که متولی مشخص ندارد به اجازه یکی از حکام شرع

• اداره موقوفات و نقش روحانیون در عصر قاجار

تشکیل اداره اوقاف در دوره قاجار بد سال ۱۳۲۸ق برمیگردد. تا قبل از این دوران اداره امور اوقاف به طور سنتی در دست روحانیون بوده است. روحانیون در دوره قاجار در نقش عالمان و مجریان امور شرعی در کشور عمل میکردند آنها برای حفظ نفوذ و قدرت خود در اداره مملکت تشکیلات قضایی و اجرای مناسک و آداب مذهب تشیع را به دست گرفته بودند اداره موقوفه ها مستقیماً تحت نظر سلطان عصر و مقام متولی باشی بود که از میان روحانی های درجه اول ایران انتخاب میشدند. در واقع شاه قاجار روحانیون را به مناصب دولتی میگماشت تا خود به نیابت از آنها حکمرانی کند وی مبلغی از این عایدات را به برخی از علمای پایتخت میداد و شاه ایران هر ساله به عنوان تبرک و حق التولیه هزار تومان عایدات حرم امام رضا را به جیب میزد، به همین دلیل بود که والی این ایالت از نظر اهمیت رتبه دومین شخص مملکت محسوب میشد چرا که درآمد موقوفات این شهر بسیار

زیاد بود.^۱ اداره امور اوقاف که در سطح گسترده ای هم در میان مردم و هم اهالی حکومت رسوخ کرده بوده میتواندست حربه ای در دست روحانیون باشد تا قدرت و نفوذ خود را مستحکمتر کنند گرچه این به این معنا نیست که اوقاف و مسئله وقف تماماً در اختیار روحانیون بوده و تجاوز و تعدی عمال حکومتی در آن راهی نداشته، وقف اموال از طرف مردم نیز به همین منظور یعنی جلوگیری از دست اندازی حکومت بوده است. مردم ایران که پیوسته از ظلم عمال دولتی در زحمت بودند و مورد تهدید، ضبط، غصب و مصادره میباشند برای فرار از این بدبختی ها اموال خود را وقف میکنند که تا زنده اند خودشان از آن استفاده کرده و پس از مرگشان متعلق به یکی از اماکن مذهبی گردد و از همین یک موضوع میتوان تامین مالی و حفظ حقوق مردم ایران را درک کرد که تاچه اندازه دستخوش تعدی دولت میباشند.^۲ نقش روحانیون در به دست گرفتن امور اوقاف نیز در همین نکته روشن میشود چرا که آنها برای حمایت از واقف و مال وقف شده قوانینی را وضع و از آن مراقبت کردند یعنی اصولی بنیادین و مستقل که طمع ورزی حکام را خنثی کند یکی از این اصول احترام به خواست واقف بود فقها با حرمت قائل شدن به شروط وقف حمایتی قوی از اوقاف و نهادهای آن به عمل آورده اند بنابراین هر رقبه باید عیناً به همان مصرفی برسد که واقف علاقمند است نام او در آن خصوص پاینده بماند مگر این که چنان مصرفی خلاف شرع و یا اسباب زحمت و رنج باشند.

• اوقاف در عصر پهلوی اول

اوقاف در دوره اول حکومت پهلوی هنوز هم در دست روحانیون و دستگاه روحانیت بود. عایدات وقف عام در جهت نگهداری اماکن مقدسه و حوزه های علمیه و کمک به معیشت طلاب و اقامه مجالس روضه خوانی مصرف میشد. این درآمدها به استقلال مالی روحانیون کمک میکرد و در نتیجه قدرت و نفوذشان را می افزود. به همین دلیل حکومتها اغلب در صدد بودند اداره امور اوقاف را در اختیار

۱. کرزن، جورج، ایران و مسئله ایران، ترجمه علی جواهرکلام، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۷، صص ۳۷ و ۳۸.

۲. همان، صص ۲۶۳ و ۲۶۴.

بگیرند. عدم نظم و ترتیب موقوفات و سواستفاده های گاه و بیگاه متولیان نیز راه را برای بهانه جویی حاکمان فراهم می آورد.^۱ رضاخان نیز از همان اول در فکر در اختیار گرفتن موقوفات که بیشتر هم شامل زمین میشد بود. وی با بردن چندین لایحه به مجلس قصد داشت اداره اوقاف را در دولت تاسیس کند. پیش از این در دوره مشروطه و بعد از آن برای بدست گرفتن امور اوقاف، اداره اوقاف در وزارت معارف تاسیس و عهده دار اداره املاک موقوفه و رسیدگی در عایدات و مخارج آن شد.^۲ همان طور که گفتیم در ۲۸ شعبان ۱۳۲۸ ق قانون اداری وزارت معارف مواردی نیز درباره وظایف اداری و جمع آوری و نظارت در موقوفات در مجلس به تصویب رسید و اداره اوقاف در برخی شهرها تشکیل شد. با این حال در این دوره دخالت چندانی از طرف دولت در امور وقف ممکن نشد.^۳

در دوره رضاشاه برای متمرکز ساختن نهادهای اجتماعی و همچنین کنترل و محدود کردن روحانیون و تامین بودجه برای ساختن مدارس جدید در امور اوقاف مداخله شد. وی در سفر سال ۱۳۰۵ به مشهد دستور داد آیین نامه ای برای اداره موقوفات آستان قدس تنظیم شود که پس از دادن اختیاراتی به نائب التولیه که از طرف سلطان عصر منصوب میشد امور آستان قدس بصورت اداری درآمد.^۴ تولیت آستان قدس به یکی از نزدیکان تیمورتاش مشاور و محرم رضاشاه یعنی اسدی واگذار شد. تیمورتاش چون خراسانی بود و تلاش داشت که خراسان کاملاً تحت نفوذش باشد اسدی را که مطمئن بود مطیع و معتمد اش است به تولیت آستان قدس رضوی فرستاد اسدی به امور آستانه سروسامان داد و بر درآمد املاک و مستغلات افزود و از حیف و میل اموال توسط افراد و متنفذین محلی که اجاره دار املاک رضوی بودند جلوگیری کرد. اسدی بعد از این خدمات مورد اعتماد و توجه

۱. بصیرت منش، حمید؛ علما و رژیم رضاشاه، تهران، عروج، ۱۳۸۵، ص ۸۶.

۲. مالک و زارع در ایران، پشین، ص ۴۱۳.

۳. نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی سیاسی معاصر ایران، تهران، بنیاد، ۱۳۷۲، ص ۸۵.

۴. پهلوان، کیوان، رضا شاه در آینه خاطرات، تهران، پیکان، ۱۳۷۷، ص ۲۸۶.

رضاشاه قرار گرفت آنچنان که حتی رضاشاه میخواست یکی از دختران شاه عروس اسدی باشد.^۱

عایدات این موقوفات در سال ۱۳۰۶، حدوداً ۱۵۴۱۵۴۰ ریال بوده است که این رقم در سال ۱۳۱۲ به بیش از دو برابر یعنی ۵۱۲۳۱۶۰ ریال میرسد. بعد از این قانون اصلاحات و تعمیر بسیاری از رقبات موقوفات نیز به حداکثر رسید تعمیر قناتها و بهره برداری از منابع آب، بنای یکصد و سیزده باب مغازه و ایجاد دکاکین و مستغلات در جاهای مختلف و ... رضاشاه در برگرداندن موقوفات غصب شده مثل موقوفه امین السلطان، موقوفات مدرسه جعفری، دو دانگ شریک آباد بم کرمان، اراضی باغ مستوفی و احمدآباد و بسیاری از موقوفات دیگر که در ثبت ملکیت دیگران واقع شده بود، و یا مورد خیانت متولیان قرار گرفته و آنها عواید آن را به مصرف موقوفه نمیرساندند سعی بسیار کرد.^۲ رضاخان در این امر بسیاری از موقوفات آستان قدس را که به وضع اسف بار و بلااستفاده مانده بود را نیز احیا و بازسازی کرد. مثلاً انتقال یک بیمارستان که از موقوفات آستان بود به نقطه بهتری از شهر و یا و جذامخانه ای که وضعیت تاسف بار آن با اقدامات وی قابل بهره برداری بیشتر شد و برای استفاده از پنج برابر ظرفیت قبل از بازسازی آماده و اطبایی آمریکایی در آن مشغول طبابت بیماران شدند. مورد دیگر کتابخانه آستان قدس که قبل از تشکیلاتی و اداری شدن آن تنها دارای سه هزار جلد کتاب بوده و در سال ۱۳۱۳ به بیش از دوازده هزار کتاب رسیده است. و بازسازی مدرسه علوم دینی "فاضلیه" در مشهد که بعد از مرمت ساختمان این مدرسه که در شرف خرابی بوده است توسط رضاخان کلاسهای علوم دینی مطابق با برنامه وزارت معارف در آن تشکیل و برگزار میشده است.^۳

رضاشاه قصد داشت عایدات اوقاف را برای ساختن مدارس جدید مصرف کند اما برای اینکار به اجازه روحانیون و مجتهدین نیاز داشت از این رو "مهدی فرخ" را در سال ۱۳۰۹ به قم فرستاد تا این اجازه را دریافت کند. "آیت الله حائری" ظاهراً

۱. مکی، حسین: تاریخ بیست ساله ایران، تهران، علمی، ۱۳۷۴، جلد ششم، ص ۳۰۸.

۲. نجفی، محمدباقر؛ شاهنشاه و دینداری، تهران، چاپخانه رخ، ۲۵۳۵، ص ۷۳-۷۴.

۳. همان، ص ۷۷.

استفاده از وجوه مجهول المصرف را بلاشکال دانسته اما درباره آن مقدار که واقف صریحا وصیت کرده باشد (وقف خاص) موافقت نکردند و آن را خلاف شرع دانستند. رضاشاه نیز از طرح موضوع به طور موقت صرفنظر کرد. در سال ۱۳۱۲ به پیشنهاد تیمور تاش طرح تهیه شد، که مداخله قطعی دولت را در موقوفات مجهول التولیه و مجهول المصرف و موقوفات بریه مطلق را پیش بینی مینمود. اما رضاشاه بازهم ترجیح داد این طرح مسکوت بماند. این کار با اقدام علی اصغر حکمت کفیل وزارت معارف سرانجام به تصویب رسید حکمت میگوید: «وقتی در شهریور همان سال (۱۳۱۲) بنده به سمت کفیل وزارت معارف برگزیده شدم به من گفتند: لایحه ای به منظور تصرف اوقاف بوسیله دولت به مجلس پیشنهاد شده که مصلحت وقت نیست شما با مشورت نمایندگان لایحه را استرداد کنید و با کمال آزادی هر چه مصلحت مملکت است انجام دهید. این جانب هم امر ایشان را انجام دادم و لایحه را مسترد داشته و لایحه جدیدی که به اعتدال مقرون و با موازین شرع تطبیق مینمود با شور کمیسیون معارف مجلس تهیه و در مجلس در اوایل سال ۱۳۱۳ تصویب شد که هنوز هم بعضی از مواد آن به قوت خود باقی است»^۱ به گفته حکمت رضایت روحانیون نیز در این قانون بدست آمده بود.^۲

آیین نامه اجرایی این قانون در اردیبهشت ۱۳۱۴ از تصویب دولت گذشت و از آن تاریخ اداره کل اوقاف در وزارت فرهنگ دایر و در شهرستانها در ادارات فرهنگ و یا مستقیما دایره ای به نام اوقاف شروع به کار نمود.^۳ هنگامی که آمار و ارقام زمینهای و املاک موقوفه را از نظر بگذرانیم به علت تلاشهای بی وقفه رضاخان در بدست گرفتن این موقوفات پی میبریم. خصوصا رقباتی که مخصوص آستانه مقدسه بوده است در سراسر کشور گسترده بوده که شرکتی به نام شرکت "فلاحتی" این املاک را اجاره و اداره میکرد. گرچه بدلیل کافی نبودن عواید، این شرکت منحل و به افراد مختلف اجاره داده شد سپس شرکتی کوچکی

۱. حکمت، علی اصغر؛ سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی، تهران، وحید، ۱۳۵۵، ص ۲۰۰

۲. حلاج، حسن؛ تاریخ تحولات سیاسی ایران در قرون معاصر، تهران، جعفری، ۱۳۳۵، ص ۱۴۴

به نام "شرکت کشاورزی رضا" از بقایای شرکت سابق تشکیل شد و این شرکت نزدیک به بیست ملک از املاک آستانه را در حوالی مشهد اجاره کرده بود. این قانون که شامل ده ماده بود به دولت اجازه داده بود موقوفات بدون متولی را ادر اختیار بگیرد و متولیان موقوفات دیگر هم با تایید وزارت معارف و اوقاف ابقا شوند و با موقوفات عام که متولی مخصوص داشت طبق قانون شعبان ۱۳۲۸ رفتار میشد یعنی کاملاً تحت نظارت دولت قرار میگرفت. بر اساس تبصره های یان ماده عمران و آبادی رقبات موقوفات بر هر مصرفی مقدم بود و ثانیاً موقوفاتی که تولیت آن با سلطان عصر بود مشمول این قانون نمیشد و نیز بر اساس یکی از تبصره های ماده نهم این قانون وزارت معارف عواید حاصله از حق النظاره را به مصرف ساختمان و تعمیرات ابنیه تاریخی و مرمت مدارس قدیم و اماکن و آثار مقدسه ملی میرسند.^۱ ماده سوم این قانون نظارت بر تمام موسسات خیریه را نیز قانوناً تحت اختیار وزارت اوقاف گذاشت. ماده دوازدهم اختیارات وزارت اوقاف را در سه بند تشریح میکند: ۱- نظارت در عایدات، ۲- نظارت در مخارج و عمران رقبات موقوفه و مصرف آن ۳- نظارت در ثبت و اعتراض و محاکمات و نظارت در فروش و تبدیل رقبات یا اجاره ممتد لدی الاقتضاء و به طور کلی نظارت در تمام امور ی که مربوط به مصالح موقوفه شود.

البته رضاشاه با تبلیغ شعار اسلامی و ترویج و تعلیم دین مخالف بود چراکه برخی اوقاف عامه که وقف روضه خوانی شده بود متعذراً مصرف شد.^۲ زیرا روضه خوانی ممنوع بود. در فصل دوم این آیین نامه داشتن دفتر عایدی و خرج و دخل جز وظایف اداره اوقاف و متولیان ذکر شده است. آنها باید برای تمام هزینه ها و درآمدها شان سند ارائه میدادند. متولیان و متصدیان موظف بودند بودجه موقوفه را با رعایت بندهای وقفنامه و مقررات در سه نسخه تنظیم و به اداره اوقاف تسلیم کنند و برای ذخیره احتیاطی نیز پنج درصد از مجموعه عایدات موقوفه را نگه داشته و برای مخارج غیرمرتقبه مصرف کنند. در امور ثبتی و بیع وقف و امور

۱. مجله تعلیم و تربیت سال چهارم ش ۱۱ بهمن ۱۳۱۳.

۲. مجموع قوانین سال ۱۳۱۴، ص ۱۶۸.

محاکماتی نیز اوقاف حق نظارت و اعتراض در رای صادر شده را دارد.^۱ برای رسیدگی به تخلف متولیان و تحقیق و تشخیص در مورد املاک موقوفه و املاک شخصی و تشخیص اوقاف بلامتولی و مجهول التولیه به عهده تشکیلاتی به نام "اداره تحقیق" گذاشته شده بود. عایدی حق النظاره در سال ۱۳۱۴ بالغ بر ۲۵۹۰۰۰۰ گردید که برای تامین هزینه های مدارس ملی، شیروخورشید، تهیه لوازم ورزشی، ساختن دبیرستانها، تعمیرات ابنیه تاریخی و غیره رسید^۲ (مدارسی که تعمیر شد مدرسی غیر از مدارس دینی بود حتی رضاشاه مدارس دینی را تخریب و یا محل تجمع افرادی بجز طلاب قرار داد. در سال ۱۳۱۵ بندهایی به منظور تکمیل و اصلاح قانون مصوب سال قبل افزوده شد که یکی از آنها تبدیل مدارس قدیمه به دانشکده معقول و منقول در صورت فراهم نبودن وسایل صرف عواید طبق وقفنامه و یا تبدیل آنها به مدارس و دبیرستانهای جدید بود^۳ در سال ۱۳۲۰ یکی از نمایندگان به رضاشاه پیشنهاد داده بود که املاک موقوفه را بفروشند و از حاصل فروش آن سهام شرکتهای پرفایده را خریداری و به این ترتیب به اصطلاح خودش تبدیل به احسن بشود. متین دفتری میگوید: «من چون این عمل را خلاف شرع میدانستم به انواع تدابیر مدتها مقاومت کردم البته مقاومت منفی میکردم تا اینکه نخست وزیر شد و لایحه را مسکوت گذاشتم. بعد از سقوط من، دوباره لایحه را به جریان انداختند و آن را قلب کردند و به مجلس دادند و منهی شده به قانون فروش املاک زراعی و قنات موقوفه مصوب چهاردهم اردیبهشت ۱۳۲۰ که وزارت دارایی موقوفات را مانند خالصجات به فروش برساند و حاصل فروش صرف امور خیریه بشود و وقفیت به کلی منتفی شد این قانون پس از استعفای رضاشاه در اثر مخالفت عمومی با آن نسخ و ملغی شد.^۴

۱. همان، ص ۱۶۹.

۲. عبدالله رازی، تاریخ ایران از ازمینه باستان تا سال ۱۳۱۶ ش تهران کتابفروشی و چاپخانه اقبال، ۱۳۱۷، ص ۸۹۲.

۳. فرخ، تاریخ سیاسی فرخ، تهران، جاویدان، بی تا، و مجموعه قوانین سال ۱۳۱۵، ص ۸۰.

۴. عاقلی، باقر؛ خاطرات یک نخست وزیر متین دفتری، تهران، علمی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۴.

• اوقاف در عصر پهلوی دوم قبل از سال ۴۳

قبل از سال ۴۳ رقبات موقوفات بیشتر زمینهای زراعی بوده است چرا که در این زمان بیشتر کشور کشاورزی و روستایی بوده است در این زمان بیشتر وظایف اوقاف حول اجاره دادن این زمینها بوده است زیرا عواید موقوفات نیز از این طریق بوده است و زارعین مستاجر در زمینها با متولی موقوفه طرف بوده و مال الاجاره ای که توسط اوقاف تعیین میشده به متولی پرداخت میشده است. معمولا خود متولی این زمینها را اجاره میکرد و در آن کشت و زرع میکرد و یا این زمینها بطور عمده به یک نفر اجاره داده میشده و مالک عمده نیز برای مدت کوتاه این زمینها را به زارعین اجاره میداده است این روش اشکال بزرگی در پی داشت در واقع در این مدت کوتاه زارع به ملک خود تعلق خاطر پیدا نکرده و در آبادی آن نمی کوشیده است چرا که بعد از مدت کوتاهی این زمین از او گرفته میشده. به این ترتیب زمینها معمولا رو به خرابی میرفته است. لمپون در مالک و زارع میگوید: «در سال ۱۹۴۵-۱۳۲۳ دهی دیدم که در مجاورت شاه عبدالعظیم قرار دارد و باغ این ده را با اینکه سابقا ثمر میداده دچار وضعی آشفته و درهم و برهم کرده بودند دلیلی که برای من می آوردند آن بود که موعد اجاره سر آمده و اداره کل اوقاف میخواهد به میزان مال الاجاره بیفزاید اما مستاجر راضی به پرداخت مال الاجاره جدید نیست و چون اطمینان ندارد که ملک در اجاره او باقی خواهد ماند از این رو باغ رو به خرابی افکنده است.^۱

در این سالها یعنی بعد از استعفای رضاشاه بعضی از موقوفات غصب شد. مثلاً عده بسیاری از این گونه املاک را کسانی به نام خود ثبت کرده اند و بهانه آنان این بود که اگر دولت بر موقوفه نظارت کند عواید آن به مصارفی که مقصود واقف بوده است نخواهد رسید و بعضی نیز تحت نظر وزارت فرهنگ واقع شد. عبدالعلی باقی که کارمند دایره تحقیق اداره اوقاف است و هر چند وقت یک بار به یکی از شهرها برای ماموریت فرستاده میشده در گزارش خود از نوع اداره و وضعیت آن شرح میدهد و اشاره میکند که موقوفات در شهرها به دست مردم و روحانیون آنجا سرو

۱. مالک و زارع، پیشین، ص ۴۱۳

سامان می‌گرفته، وی موقوفات دایر در اکثر شهرها را بسیار وسیع و به همان اندازه بی سامان و تاراج رفته یافته بود. وی از خرابی کار که بسیار تاسف آور بوده است می‌گوید. او در اولین ماموریت خود به آمل در شرح این اوضاع اسف بار می‌گوید:

داشت اوقاف وسیعی لیک بی‌نظم و حساب
برده بودند آنچه داشت در را با جدار^۱

• نتیجه

به طور کلی میتوان گفت همه قوانین و مقررات و ماده واحدها و تبصره ها نتوانست در تشکیلاتی کردن و سروسامان دادن به امور اوقاف، چندان تاثیری بگذارد میل رضاخان در بدست گرفتن اوقاف گسترده‌گی آن و عواید سرشار آن بود همان طور که قوانین پیداست دولت تمام وقت خود را روی موقوفات عام گزارده بود به موقوفات خاص توجهی بیشتر از املاک غیر وقفی نداشت. موقوفات که بیشتر بصورت زمین و ملک وقف شده بود آنقدر زیاد بود که چشمپوشی از آنها دشوار سازد رقبات در کردستان اصفهان آذربایجان اراک و بخصوص در مشهد که آستانه مقدسه در همه شهرها موقوفاتی داشت و میشود گفت همه ایران خود نشان گسترده‌گی و وسعت آن است. طبق گفته پیرنیا استاندار خراسان آستانه مقدسه عایدی حدود شش تا ده میلیون تومان داشت و برای خوشایند شاه این رقم را برای بالابردن حق التولیه که با سلطان عصر بود بیشتر نیز ثبت میکردند. طبق برآوردهای آماری وزارت کشاورزی در سالهای ۲۵۱۶ و ۲۵۱۸ شاهنشاهی کلیه روستاها و اراضی وقفی کشور معادل ده درصد کل روستاها و اراضی زراعی مملکت را در بر میگرفت.^۲ خواست دیگر رضاخان در آوردن منابع مالی روحانیون از چنگ شان و نیز جلوگیری از استقلال مالی شان بوده است. اداره امور اوقاف مثل سابق آشفته و پریشان ادامه داشت و قوانین تنها در نظامنامه آن به شکلی سروسامان

۱. باقی، عبدالعلی، کارنامه اوقاف، تهران، بی نا، ۱۳۵۲، ص ۳۰.

۲. میرحیدر، حسین؛ از نیول تا انقلاب ارضی، تهران، امیرکبیر، ۲۵۳۵، ص ۱۸.

یافته جلوه میکرد اما در عمل هیچ کاری صورت نگرفت به نظر میرسد تنها حساب و کتاب دخل و خرج و ریختن آن به حساب دولت مهم بود نه خواست واقف و یا تامین مصارف عام المنفعه.

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل اول
اداره مستقل اوقاف
از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷

• تفکیک وزارت فرهنگ

در دوره نخست وزیری حسنعلی منصور در سال ۴۱ و ۴۲ وی طرحی را به مجلس برد که طرح دوفوریتی تفکیک وزارت فرهنگ را خواستار شده بود این طرح پیشنهاد داده بود که برای تقسیم وظایف در وزارت فرهنگ باید این وزارتخانه که در واقع وزارت آموزش و تعلیم و تعلم بود از سایر سازمانهای ادغام شده تفکیک شود و سازمانهایی که ارتباطی با وزارت فرهنگ ندارند نیز بصورت سازمانهایی مستقل به کار خود ادامه دهند. مثل سازمان اوقاف که باید تحت نظر نخست وزیر باشند. دغدغه نخست وزیر در این دوره تخصصی تر کردن و غنی تر کردن وزارت فرهنگ یا همان تعلیم و تعلم بود. در واقع طرح وی طرح تفکیک وزارت فرهنگ بود. وی طرحی را برای سازمان اوقاف نداشت تنها هدفش بازکردن بار سنگین سازمانهای غیر مربوط از گرده فرهنگ و آموزش کشور بود. نظر وی این بود که در وزارت خانه عریض و طویلی که کارهای متعدد گوناگون مربوط و غیر مربوط انجام میشود هیچ کاری برای غنا و افزایش دانش و علم فرزندان مملکت صورت نخواهد گرفت. طبق خواسته او وزارت فرهنگ به دو وزارتخانه مستقل تبدیل شدند وزارت فرهنگ به وزارت آموزش و پرورش و موارد مربوط به حفظ آثار باستانی و کارهای هنری در زیر مجموعه ای مستقل با عنوان وزارت فرهنگ و هنر به کار خود ادامه دادند. حسنعلی منصور در جلسه ۱۲۵ در دوره ۲۱ مجلس زمانیکه این طرح را تقدیم مجلس میکرد وزیران مربوط به فرهنگ و آموزش پرورش را نیز معرفی کرد وی در این جلسه گفت:

• ریاست محترم مجلس شورای ملی:

به طوریکه نمایندگان محترم استحضار دارند. وظایف وزارت فرهنگ در زمینه امور مربوط به آموزش و پرورش و بسط و اشاعه فرهنگ و هنر و حفظ آثار گرانبهای تمدن باستانی کشور و نظارت بر موقوفات باندازه ای متنوع و متعدد است که انجام تمام آن امور بوسیله یک دستگاه واحد رسیدگی دقیق و سریع آنرا متعذر و مشکل میسازد. بمنظور تهیه موجبات حسن اداره امور مزبور، در نتیجه بررسیهایی که بعمل آمده تفکیک و وظایف وزارت فرهنگ و ایجاد دستگاههای جداگانه برای انجام قسمتی از آن وظایف بسیار ضروری تشخیص گردیده است و باین منظور لایحه ای مبنی بر تفکیک وظایف وزارت فرهنگ تنظیم و تقدیم قوه مقننه میگردد. بهترین وظیفه وزارت فرهنگ موضوع آموزش و پرورش است که با توجه به بسط و اشاعه دانش در شهرها و روستاها و تشکیل سپاه دانش و در نظر گرفتن تعداد دانش آموزان و کادر آموزش اهمیت آن در کشور روزافزون میگردد و از این نظر در لایحه تنظیمی تشکیل وزارت آموزش و پرورش برای انجام این وظیفه خطیر پیش بینی شده است... و اجازه میخواهم جناب آقای پهلبد را بعنوان وزیر فرهنگ و هنر که شخصیت مثبت و شریفی هستند و جناب آقای دکتر هادی هدایتی را بعنوان وزیر آموزش و پرورش خدمت همکاران عزیز و نمایندگان محترم معرفی بکنم البته عجله در این مورد و قبل از اینکه این طرح به تصویب و تایید نمایندگان برسد مورد اعتراض برخی از آنان قرار گرفت.^۱

بعد از تصویب طرح جزییات و مواد قانونی، این طرح در مجلس شورای ملی بررسی و در ۸ ماده تصویب و تدوین شده و برای هر سازمانی که زیرمجموعه وزارت فرهنگ بود تصمیم گیری شد.

ماده ۱: از تاریخ تصویب این قانون کلیه وظایفی که بعهدہ وزارت فرهنگ محول بوده است به:

وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و هنر و سازمان اوقاف که بموجب این قانون تشکیل میشود محول خواهد شد.

ماده ۲: وزارت آموزش و پرورش عهده دار انجام کلیه وظایفی است که طبق قانون تا تاریخ تصویب این قانون بعهده وزارت فرهنگ محول بوده به استثنای اموری که بموجب این قانون به وزارت فرهنگ و هنر و سازمان اوقاف محول میگردد.

ماده ۳: وزارت فرهنگ و هنر عهده دار پیشرفت فرهنگ و هنر و حفظ و توسعه و شناساندن میراث کهن و تمدن باستانی کشور میباشد.

تبصره اداره کل باستان شناسی و کتابخانه ملی و سایر سازمانهای تابع وزارت فرهنگ که وظایف آنها با وظایف وزارت فرهنگ و هنر ارتباط دارد و همچنین هنرهای زیبای کشور طبق تصویبنامه هیئت وزیران با بودجه مصوب و کارمندان آن به وزارت فرهنگ و هنر منتقل میگردد که طبق قوانین و مقررات مربوطه وظایف محوله را انجام خواهند داد.

ماده ۴: سازمان اوقاف وابسته به نخست وزیری بوده و عهده دار امور مربوط به موقوفات بر طبق قوانین موضوعه میباشد و کلیه اختیارات وزارت فرهنگ در امور مربوط به اوقاف به سازمان اوقاف محول میگردد.

تبصره اداره کل اوقاف با بودجه مصوب و کارمندان آن با سازمان اوقاف منتقل میگردد که طبق قوانین و مقررات مربوطه وظایف محوله را انجام خواهند داد.

ماده ۵: بمنظور تشریک مساعی در پیشرفت امور محوله شورای عالی آموزش و پرورش در وزارت آموزش و پرورش و شورای عالی فرهنگ و هنر در وزارت فرهنگ و هنر و شورای عالی اوقاف در سازمان اوقاف تشکیل خواهد شد و وظایف و سازمان هر یک از این شوراها به پیشنهاد وزارتخانه ها و سازمان مربوط و تصویب هیئت وزیران تعیین خواهد گردید.

از تاریخ تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش شورای عالی فرهنگ منحل خواهد شد.

ماده ۶: وزارت فرهنگ و هنر و سازمان اوقاف در نقاطی که دارای سازمان جداگانه نمیباشند میتوانند وظایف مربوطه را به سایر ادارات و یا مأموران دولتی محول نمایند.

ماده ۷: سازمان و شرح وظایف وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و هنر و سازمان اوقاف و سایر آئین نامه های اجرائی این قانون با تأیید شورای عالی اداری و تصویب هیئت وزیران قابل اجراء خواهد بود.

ماده ۸: دولت مأمور اجراء این قانون است.^۱

وزارت فرهنگ و هنر و آموزش و پرورش به صورت دو سازمان مستقل شروع به کار کردند و اما تفکیک سازمان اوقاف در سال ۴۳ عملی شد. در این سال تصمیم بر این شد سازمان اوقاف از وزارت فرهنگ جدا شده و مستقلاً به کار خود ادامه داد. منصور نتیجه و بازخورد لایحه پیشنهادی خود را در سازمان اوقاف به صورت مصوبه تشکیل مستقل سازمان اوقاف در آذر ۴۳ را دید اما اتفاقات بعدی در این سازمان بعد از وی رخ داد؛ حسنعلی منصور در بهمن سال ۱۳۴۳ کشته شد و شاه بدون درنگ عباس هویدا را به جای وی به نخست وزیری رساند. سازمان اوقاف از آذر سال ۴۳ مستقیماً تحت نظارت و سرپرستی نخست وزیری قرار گرفت و معاون نخست وزیر ریاست این سازمان را برعهده داشت. عباس هویدا نصیر عصار را به ریاست اوقاف برگماشت وی تا سال ۵۰ که جای خود را به منوچهر آزمون داد معتمد و معاون هویدا در اوقاف بود.

در جلسات بعدی مجلس که وزیر مشاور در مورد سازمان اوقاف طرحی را پیشنهاد دادند. دکتر یگانه در مجلس تصمیم دولت را اینگونه مطرح کرد: «بطوری که نمایندگان محترم استحضار دارند طبق قانون تفکیک وزارت فرهنگ مقرر شده سازمان اوقاف وابسته به نخست وزیر تشکیل بشود و برای بهبود امر اوقاف یک شورائی از شخصیتهای بصیر مملکتی تشکیل بشود و آئین نامه آن پس از تصویب کمیسیون های مشترک بموقع اجرا گذاشته شود بنده با اجازه مقام ریاست این لایحه را تقدیم مجلس محترم شورای ملی می کنم»^۲ همان طور که گذشت در آذر سال ۱۳۴۳ قانون تفکیک وزارت فرهنگ به تصویب رسید و آیین نامه اوقاف در سالهای بعد یعنی اسفند ۴۴ و اردیبهشت ۴۵ تدوین شد.

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۱ ج ۱۲۴ ص ۱۲۵

۲. مشروح مذاکرات، همان، دوره ۲۱ جلسه ۱۸۹ ص ۱۹۰

• آیین نامه شورای عالی اوقاف:

ماده ۱

اعضای شورای عالی اوقاف

۱- رئیس سازمان اوقاف ۲- معاون وزارت کشاورزی، ۳- معاون وزارت آموزش و پرورش، ۴- مدیر کل ثبت اسناد و املاک، ۵- یکی از قضات عالی مقام دادگستری به انتخاب وزارت دادگستری، ۶- دوفنر از استادان حقوق اسلامی دانشگاه تهران به انتخاب شورای دانشگاه، ۷- چهار نفر از بین شخصیت‌های اجتماعی و مجتهدین جامع الشرایط به پیشنهاد سازمان اوقاف.

تبصره ۱: معاونان مذکور از طرف وزرا مربوط معرفی میشوند و احکام کلیه اعضای شورای عالی اوقاف به امضا نخست وزیر صادر خواهد شد.

تبصره ۲: مدت عضویت ۷ نفر موضوع بند ۵ و ۶ و ۷ دو سال خواهد بود و انتخاب مجدد آن بلامانع است.

تبصره ۳: عضویت در شورای عالی اوقاف برای کسانی که شغل موظف دولتی دارند افتخاری است.

ماده ۲

ریاست شورا با رئیس سازمان اوقاف خواهد بود و یک نفر از اعضا به اکثریت آرا بعنوان نایب رییس شورا انتخاب میشود.

ماده ۳

در این آیین نامه طبق ماده ۳ وظایف این شورا نیز مشخص شد:

الف: تصویب مقررات داخلی شورای عالی اوقاف

ب: بررسی لوایح قانونی مربوط به اوقاف

پ: اظهار نظر درباره آیین نامه هایی که طبق ماده دهم قانونی اوقاف مصوب دیماه ۱۳۱۳ بایده تصویب هیئت وزیران برسد.
ت: اعلام نظر مشورتی در هر مورد که از طرف سازمان اوقاف به شورا ارجاع میشود

ماده ۴

جایگاه این شورا در تصمیم گیری های سازمان اوقاف مطرح شد؛ در موارد ذیل جلب موافقت شورای عالی اوقاف بر اساس پیشنهاد رییس سازمان اوقاف ضرورت بود:

- ۱- تبدیل به احسن رقبات موقوفه و نحوه تبدیل
- ۲- اجازه بیش از ده سال موقوفات، در مورد املاک موردی مشمول قوانین راجع به اصلاحات ارضی طبق مقررات مربوط عمل خواهد شد.
- ۳- استرداد دعاوی مطروحه در مراجع قضایی. ۴.حاله پرونده های تحقیقی از یک حوزه تحقیق اوقاف به حوزه دیگر. ۵.ارجاع به داوری و انتخاب داور. ۶.مقررات مربوط به اعضا یا الغا تصدی موقوفات و شرایط و اوصاف متصدیان انتصابی. ۷.اعطا و لغو تصدی

ماده ۵

تصمیمات شورای عالی اوقاف با اکثریت رای معتبر است. آیین نامه فوق مشتمل بر ۵ ماده و ۳ تبصره که به استناد ماده پنج قانون تفکیک وزارت فرهنگ، در تاریخ ۲۸/۱/۴۴ و ۲۷/۲/۴۵ به تصویب کمیسیونهای شماره ۳ و ۷ مجلس سنا و در جلسات ۱۹/۱۲/۴۵ و ۱۹ تیر ۴۵ به تصویب کمیسیونهای امور استخدام و دادگستری مجلس شورای ملی رسیده است صحیح و قابل اجرا میباشد.

• وظایف شورای عالی اوقاف

وظایف شورای عالی اوقاف:

- ۱- تصویب مقررات داخلی شورای عالی اوقاف
- ۲- بررسی لوایح قانونی مربوط به اوقاف

۳- اظهار نظر درباره آیین نامه هایی که طبق ماده دهم قانون مصوب ۱۳۱۳ باید به تصویب هیئت وزیران برسد

۴- **استرداد** دعاوی مطروحه در مراجع قضایی

۵- احاله پرونده های تحقیقی از یک حوزه تحقیق اوقاف به حوزه دیگر

۶- ارجاع به داوری و انتخاب داور

۷- کلیه امور مربوطه به اعضا یا لغو تصدی موقوفات باید توجه داشت وظیفه شورای عالی اوقاف بیشتر این است که در جریانهایی که قضیه خیانت و تجاوز کسی به موقوفه مطرح باشد مثلاً برود به اسم خودش تقاضای ثبت دهد و اینگونه موارد و بعد از کار خود پشیمان و املاک را پس دهد و از کار خود خودداری کند شورای عالی اوقاف باید وارد مسئله شود و قضیه را فیصله دهد و یا درموردی که احتیاج به داور باشد و یا صرف درآمد یک موقوفه در محلی در محل دیگر با اجاره شورای عالی اوقاف باید باشد و محل رسیدگی به آن موقوفه را شورا باید تشخیص ده و وظیفه دیگر شورا تایید متصدی یا همان مباشر اوقاف است.^۱

• قوانین سازمان اوقاف

بعد از جداشدن سازمان اوقاف از وزارت فرهنگ قوانین و مقرراتی که از سال ۱۳۱۳ به تصویب رسیده بود هنوز هم اعتبار داشت اما طرح ها و اهداف گوناگونی در این تصمیم گنجانده شده بود. اولین و مهمترین طرح شناسایی و ثبت رقبات موقوفات بود.

قوانین و مقررات سال ۱۳۱۳ در مورد نظارت اوقاف و حمایت و نگهداری اداره اوقاف به این شرح است:

الف- تهیه صورت صحیح از رقبات در همه بخشها و دهات

۱. مصطفی رجالی، مینو، وقف در ایران، بی جا، بی تا، ص ۱۱۵

ب- نظارت بر کلیه اعمال متولیات و نظار موقوفات و طرز وصول و ایصال عواید و جلوگیری از حیف و میل آنها

ج- کوشش در آبادی موقوفه و صرف عواید در راه خواست واقف

د- صرف عواید موقوفاتی که مصرف معینی ندارد برای بریات، تعلیمات و فواید عمومی کند

ه- تسویه اختلاف بین متولی و ناظران و خدمه و حتی موظفین موقوفات

و- جمع و خرج عایدی و تمیز املاک موقوفه از شخصی

وظیفه اوقاف در قبال اوقاف خاص در ماده ۷ آمده که به دو مورد منحصر میشود: فروش موقوفه یا اجاره آنها برای بیش از ده سال؛ چون ممکن است موقوف علیهم صرفه و صلاح موقوفه را در نظر نگیرد در اینجا سازمان اوقاف بعنوان ناظر بی طرف و منصف باید وارد کار شود.

رعایت سه بندی که فروش موقوفه را جایز دانسته عبارت است از:

۱- تمام مال وقف خراب شود یا ترس از خرابی آن باشد.

۲- قسمتی از موقوفه خراب شود یا مشرف به خرابی شود طوریکه بهره برداری

از آن میسر نشود همان قسمت فروخته مابقی حفظ شود

۳- بخشی از موقوفه طوری خراب شود که باعث سلب انتفاع از تمام موقوفه

بشود که در اینصورت مثل بند اول باید تمام آن فروخته شود.

• آیین نامه اوقاف

اولین آیین نامه های اوقاف مصوب سال ۲۴ و اولین نظامنامه طرز تحقیق سال ۱۳۲۱ در ۳۳ ماده و آیین نامه بعدی در سال ۱۳۴۷ و آیین نامه داره تحقیق و اوقاف در ۳۶ ماده و ۲ تبصره در تاریخ ۴۷/۷/۷ به تصویب رسید:^۱

بطور کلی فصول آیین نامه اوقاف بدین ترتیب است:

۱- کلیات

۲- وظایف اوقاف و متولیان

- ۳- موقوفات مجهول التولیه و متولیان
- ۴- حق التولیه و حق النظاره اداره اوقاف
- ۵- موارد ممنوعیت مداخله متولیان و نظار
- ۶- وظایف تحقیق اوقاف
- ۷- مواد متفرقه (مثلا اعمال تولیتی و وظایف آنها، اعمال نظارتی و وظایف مخصوص آنها، اعمال تحقیقی و وظایف آنها)

• مخارج موقوفات

این آیین نامه درمورد مخارج هزینه ها و درآمد و همچنین تحقیقات در زمینه موقوفات اینگونه پیش بینی کرده است:

۱- ذخیره احتیاطی برای سرمایه گذاری بار بنا و بقا و ازدیاد درآمد که ۱۵ درصد از مجموع عواید «سازمان اوقاف موظف است در بودجه های موقوفات خود همیشه مبلغی بعنوان آبادی و تعمیرات اساسی موقوفه پیش بینی مینماید تا در صورت لزوم از آن استفاده شود بهمین منظور صندوقی بنام "صندوق عمران موقوفات" با چهل میلیون ریال سرمایه که از بابت ذخیره احتیاطی موقوفات جمع آوری شده در سازمان اوقاف بصورت شرکت تشکیل شده که برای عمران و آبادی موقوفات وام میدهد و سود دریافتی آن بسیار ناچیز و به قدر تکافوی مخارج صندوق است. این صندوق با سهام یک هزار ریال که بین صاحبان سهام (موقوفاتی که ذخیره احتیاطی پرداخته اند) تقسیم خواهد شد».

۲- تعمیرات جاری ده درصد

۳- مالیات و عوارض و حق النظاره و ...

۴- حق التولیه ده درصد به حساب خزانه داری کل، در مورد موقوفات متصرفی اوقاف حق النظاره دریافت نمیکند ولی برای هزینه اداری ۵ درصد و باقی ماند صرف خواست وقفنامه

برای فروش ملک موقوفه که خراب یا مشرف به خرابی است باید نظر شورای عالی اوقاف تامین و از حاصل آن محل دیگر خریداری و وقف شود با نظر شورای عالی اوقاف^۱

• وظایف اداره تحقیق اوقاف:

ادارات تحقیق تا سال ۴۷ یا ۴۸ در شهرهای تهران، تبریز، کرمانشاه، مازندران، فارس، اصفهان، کرمان و خراسان دایر بوده است که وظایف آنها:

الف- رفع اختلافات بین متولیان و امنا

ب- تشخیص موقوفاتی که متولی ندارند

ج- تشخیص اوقاف مجهول التولیه از معلوم التولیه

د- تعیین ناظر موقت در مواقعی که خیانت متولی محرز شود (در اینصورت موقوفه را اوقاف متصرف می‌شود)

ه- تحقیق در اسناد موقوفات و تشخیص متولی و ناظر و موقوف علیهم بموجب وقفنامه

و- تشخیص استنکاف متولیان و نظار موقوفات از اجرای مفاد آییننامه اوقاف صدور قرار منع مداخله آنها در امور موقوفات و لغو این قرار

ی- سازمان اوقاف برای اداره اوقاف متصرفی، مباشر تعیین میکند که به او متصدی می‌گویند

ن- نظارت اوقاف بر اماکن مقدسه و خیریه توسط هیئت امنا

• شعبه های اداره تحقیق:

- شعبه اول: یک دادگاه اختصاصی است با وظایفی مثل تحقیق و تمیز املاک موقوفه از شخصی، تسویه اختلاف بین متولی و ناظر و خدمه و تحقیق در نوشتجات و اسناد راجع به وقف تعیین متولی و ناظر، تعیین ناظر پس از اعلام و

۱. وقف در ایران، همان، ص ۱۰۶

ثبوت خیانت متولی، ممنوع کردن متولی از دخالت در امور موقوفات در صورت سرپیچی از مقررات لغو قرارهای ممنوعیت و ...

- شعبه دوم رسیدگی به مخارجی که هر سال متصدیان و متولیان انجام داده و باید برای رسیدگی و تطبیق با مقاد وقفنامه به اداره اوقاف بدهد. در صورتیکه یک حوزه اوقافی در شهری اداره تحقیق نداشته باشد دونفر کارمند مجرب و یک نفر از اعضا اداره تحقیق بعنوان رییس به منطقه فرستاده شود و به حساب موقوفات منطقه رسیدگی کنند. عایدی تا پنجاه هزار ریال در اداره تحقیق محل موقوفه رسیدگی میشود و اضافه بر آن در اداره کل تحقیق اوقاف که در مرکز است رسیدگی میشود.^۱

• طرح ها و اهداف سازمان اوقاف

در بدو امر در سازمان اوقاف کارها به ترتیب اولویت ترتیب یافته و زمینه اجرای آن بررسی شد. طرح های سازمان اوقاف ابتدا یافتن نمایندگان مورد اعتماد سازمان برای اداره رقبات موقوفه بود این کار با همکاری فرمانداری و شهربانی صورت میگرفت. بعد از آن نظارت دقیق بر روی مسائل مربوط به حوزه های مذهبی و اماکن مقدسه و چگونگی ارتباط اوقاف با این موضوعات از اهداف و طرحهای اوقاف بود که در مورد آن در اولین گامها اقدام کرد.

۱- شناسایی متولیان معتمد:

طبق ماده قانون مصوب سال ۱۳۱۳ که گفتیم در بسیاری موارد قابل اجرا و اعتبار است کسی که اداره امور موقوفه ای را قانونا بر عهده دارد متولی نامیده میشود و این شخص قاعدتا کسی است که از طرف واقف با ذکر نام یا صفت خاصی تعیین شده باشد ثانیاً اشخاصی بوده اند که بدون آنکه اسم آنان در وقفنامه آمده باشد با آنکه منطبق با صفات مذکور در وقفنامه باشد اداره امور موقوفه ای را در دست

گرفته اند و قانونگذار اینگونه افراد را به نام متصدی شناخته است و به دولت اجازه داده است که اگر مصلحت بداند و زمان و مکان اقتضا کند موقوفه را در دست آنان ابقا نماید.^۱ و البته چنانچه صلاح ندانست آنان را معزول خواهد کرد. و چون متولی طبق قانون قابل عزل نیست (حتی اگر مرتکب خیانتی به موقوفه شده باشد) و از طرفی متصدی را میتوان معزول ساخت بنابراین میشود گفت که متصدیان موقوفات در واقع نمایندگان سازمان اوقاف در اداره امور موقوفات هستند.^۲

در سالهای اول دهه ۴۰ که اوقاف در پی جلوگیری از حیف و میل موقوفات بود بررسی مورد اعتماد بودن متولیان یکی از کارهایی بود که به آن اهتمام داشت قرار ممنوعیت برای بسیاری از متولیانی که تخلف و گاه خیانت شان محرز شده بود یکی از کارهایی بود که اوقاف به آن اهتمام داشت این خیانتها معمولا از شکایت مستاجران و افرادی که درآمد موقوفه به مصرف آنها میرسید مشخص میشد.

در این سالها خلا قانونی و نبود تشکیلات منسجم و کارا فرصتی برای متولیان سودجو به وجود آورده بود که به انحاء مختلف از موقوفات سوءاستفاده کرده و آن را حیف و میل نمایند در سالهای دهه پنجاه اگر چه به مرور از این خیانتها کمتر نشانی هست اما وسعت و شدت این تخلفات بیشتر شده است نمونه هایی که زمینهایی وسیع و گرانبها توسط متولیان به نام فرزندان ایشان ثبت شده است رسیدن این موارد برای رسیدگی به مراجع بزرگتر مثل نخست وزیری و دربار دلیل نفوذ متولی ای بوده است که مراجع زیر دست در مقابل او توان مقابله نداشته اند و یا تخلف آنقدر وسیع بوده است که در مراجع بالاتر باید برای آن تصمیم گیری میشده است.^۳

مواردی که طبق قانون ماده ۴۴ و ۴۵ متولی ممنوع المداخله میشد از این قرار بود:

عدم مواظبت در حفظ و بقای اعیان موقوفه

مسامحه در دفاع از حقوق موقوفه در مراجع قانونی و مسامحه در انجام امور ثبتی

امتناع از قبول همکاری ناظر موقت یا امین منضم

۱. از تیول تا انقلاب ارضی، پیشین، ص ۱۸

۲. وقف در ایران، پیشین، ص ۹۱

۳. سند ۱۲۸۴۹-۲۹۳، صص ۲۸۹ تا ۲۹۳

عدم تسلیم صورتحساب تا ۳ ماه از سال بعد و همچنین عدم اقدام به رفع نقایص صورتحساب ظرف مدتی که تحقیق اوقاف با رعایت اوضاع و احوال معین میکند خودداری بدون عذر موجه از تسلیم اسناد مربوط به وقف به ادارات اوقاف ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ ادارات مزبور.

خودداری بدون عذر موجه متولیان از اجرای دستورهای که ادارت اوقاف در جهت رعایت نظر واقف و حفظ مصالح موقوفه میدهند.

عدم تنظیم بودجه سالیانه موقوفات در سه ماه اول سال و عدم اجرای آن عدم رعایت وظایفی که به موجب این آیین نامه معهد متولیان است ماده ۴۵؛ ممنوعیت متولی و ناظر موقوفه تا زمانی باقی است که موجبات رفع ممنوعیت را عملاً برطرف نکرده باشد.

طبق احکام دینی عزل و خلع ید دائم از متولی امکان پذیر نیست اداره تحقیق اوقاف ناچار بوده است بعد از اخطار به متولی و عزل موقت او ناظری بر کارهای او بگمارد^۱ و یا با گرفتن تعهد و اطمینان از صحت کار در ادامه، در سمت خود ابقا کند.

۲- افزایش درآمد موقوفات

برای شناسایی و اداره موقوفات وظیفه کلی سازمان اوقاف در این سالها بود همزمان باید مراقب بودند که حق النظاره و حق التولیه به طور منظم از متولیان گرفته شود عواید و درآمد موقوفات به نسبت سالهای قبل بیشتر شده بود و یا انتظار میرفت با اقدامات انجام شده این درآمدها تکافوی بخشی از هزینه ها را بکند بنابراین بودجه مصوب سال ۴۴ برای موقوفات از طرف دولت کمتر شده بود. این امر از گزارش اقدامات سال ۴۴ اوقاف خوی هم به خوبی مشخص است که نشان میدهد این عواید در سال ۴۴ بین ۲۰ تا ۴۰ درصد افزایش داشته است^۲

۱. قوانین ۴۷ تا ۴۵، روزنامه جمهوری اسلامی، تدوینگر قوه قضائیه، ۱۳۸۹، ص ۲/۴۰۷۷

۲. سند ۲۵۰-۸۳۳

با بررسی میزان درآمد موقوفات آستان قدس نیز درمیابیم که درآمد این رقبات که در همه جای ایران گسترده شده بود به میزان چشمگیری افزایش پیدا کرده بود این عواید که در پایان سال ۱۳۳۴ به ۱۰۵۱۴۳۲۱۲ ریال میرسید در سال ۵۷ به رقم ۸۱۳۶۴۷۵۰۰۰ ریال رسید.^۱

۳- ترویج دین و شعائر اسلامی در سازمان اوقاف

یکی از مصارف درآمد موقوفات از قدیم الایام تامین هزینه های طلاب علوم دینی و مدارس علمیه به منظور ترویج

معارف اسلامی بوده است. در دوره پهلوی نیز این بند در همه قوانین مصوب این سالها آمده است. در دوره رضاخان دیدیم که طبق قانون ۱۳۱۴ وظیفه قانون در امر اوقاف تنها بر سه مورد خلاصه میشد که بیشتر نظارت بر چگونگی درآمد و صرف آنها توجه میکرد امور دینی هم که موردی بود که توجه چندانی به آن مبذول نمیشد وقتی بیشتر وقفها برای انجام مراسم روضه خوانی و برپایی مناسک مذهبی بود و اتفاقاً رضاخان این نوع وقفها را متعذرالمصرف نمود پس نباید توقع داشت که مصارف وقف در این مورد جریان بیابد. در دوره محمدرضا شاه وی برای جلوگیری از برانگیختگی احساسات مذهبی خود را علاقمند و یا شخصی که به این مورد متوجه و حتی معتقد است نشان داد.

بعد از شهریور ۲۰ تا سال ۱۳۳۰ وزارت فرهنگ به امر محمدرضا پهلوی بنای امامزاده ها را بر اساس نقشه اصلی تجدید و مسجد مفصل و سایر اماکن مورد نیاز در این اراضی را بنا کرد یا مسجد و مدرسه علمیه چال حصار واقع در خانگاه چون به مرور مان مخروبه شده بود اردبیلی ها آن را تعمیر کردند و اکنون تنها مسجد باقی است که دو در دارد^۲ مرمت ها و بازسازی بقعه های موقوفه درسالهای بعد هم ادامه یافت و اوقاف بر مرمت و نوسازی آنها مراقب بود^۳ و یا حداقل از برخورد صریح

۱. شاهنشاهی و دینداری، پیشین، ص ۸۲-۸۵

۲. حسین بلاغی، عبدالحجت، گزیده تاریخ تهران، تهران، مازیار، ۱۳۸۶، ص ۲۷

۳. سند ۲۵۰-۴۷ ص ۱۲۲

و قاطع در امور مذهبی خودداری کرد. در این راستا در قوانین سال ۴۵ تا ۴۷ هم در ماده ۱۵ میگوید: وجوه حاصله از ضبط سپرده های موقوفات به مصرف ساختمان آموزشگاه حرفه ای و دبستان و نشر معارف اسلامی خواهد رسید.^۱ یکی از کارهای بسیار خوب سازمان در این سالها انتشار نشریه بسیار غنی و عالمانه معارف اسلامی است. این نشریه از سال ۴۵ تا سال ۵۷ منتشر شده و مباحث دینی، فلسفی و مباحث بسیار جامعی در آن مطرح میشد در معرفی این نشریه همین بس که بسیاری از دانشمندان و بزرگان در آن مقالات خود را عرضه میداشتند. بزرگانی همچون عبدالحسین زرین کوب، پرفسور سیدحسین نصر، مهدی محقق، دکتر شفیع کدکنی و سیدجعفر شهیدی مقالات خود را در هر شماره در مورد وحدت وجود، اهمیت تحقیق و فلسفه در ایران و اسلام و مباحث ادبی بسیار گرانمایه می نگاشتند.^۲ این مجله به دو زبان عربی و فارسی به طبع میرسید. و اخبار سازمان اوقاف و گزارش فعالیتهای این سازمان در آن منتشر میشد.

مراسم مذهبی در اعیاد و سوگواری ها به طور اختصاصی به هیئت امانا مساجد تکایا و اماکن متبرکه واگذار شده بود این هیئتها همانطور که گفته شد با نظارت و تایید فرمانداری شهربانی و با معرفی سازمان اوقاف انتخاب میشدند و نظارت نسبتا دقیقی نیز بر آنها نقش داشت. مثلا سوگواری ها دقیقا رصد میشد و عاظم آن توسط فرمانداری معرفی و توسط شهربانی تایید و دوباره به سازمان اوقاف معرفی میشد حتی موضوع سخنرانی و محدوده آن نیز باید بررسی و هماهنگ بود و عاظم باید تلویحا تعریف و تمجید اقدامات شاهانه بازنمیدانند و غیر از آن بصورت آشکارا دعاگو هم بودند.^۳ آن بخش از مراسم عزاداری و تعزیه خوانی که به مردم مربوط میشد هرگز تعطیل نشده بود هزینه این مراسم به عهده سازمان اوقاف است اما حواله این هزینه گاهی به تعویق می افتاد و نامه نگاری ها و درخواست های کتبی مردم را برای پرداخت این هزینه را در پی داشت^۴ حتی اداره اوقاف به مردم یاد

۱. مجموعه قوانین سال ۴۵ تا ۴۷، پیشین، ص ۴۰۷۶/۲

۲. مجله معارف اسلامی شماره ۱۴.

۳. سند ۳۸۷۲۲-۲۹۳ صص ۵۱۹۶ تا ۵۱۹۲

۴. سند ۳۳۷۵۵-۲۹۳ صص ۱۶۳ و ۱۶۴

آوری میکند که این موقوفه در تصرف آن اداره است به هر حال سازمان اوقاف تصرف و نظارت را با قبول بعضی هزینه ها بدست می آورده است^۱ برای مرمت و تعمیر مساجد و تکایو بقعه امامزادهها به جز منظور کردن کمکهای مردمی و نذورات اوقاف خود فعالیت میکرد و اگر درآمدی برای این منظور در دست نداشت به نهادهای دیگری مثل نهادهای خیریه و حتی نخست وزیری و در جند مورد به دفتر فرح پهلوی نیز رجوع میشد.^۲ گاه مستقیماً این کمک پرداخت نمیشد و اجازه فروش موقوفات بمنظور تعمیرات یکی از پیشنهاداتی بود که از طرف مقامات بالاتر مثل دفتر فرح مطرح میشد.^۳

مراسم سوگواری در ایام محرم در ادارت اوقاف بعضاً برگزار و اطلاعیه آن نیز بر دیوار نصب میشد در واقع این مراسم توسط دولت هم دایر بود و کارمندان به این مراسم دعوت میشدند.^۴

۴- نشریات سازمان اوقاف

سازمان اوقاف در همان سالها به طبع و نشر کتب و نشریات مربوط به حوزه کاری خود اهتمام داشت. از چاپ قرآن با ترجمه تا نشریه وزین و پرمایه معارف اسلامی. چاپ قرآن چندین بار با دستور دربار خصوصاً فرح پهلوی انجام شد. این قرآن‌ها که با ترجمه بود در سازمان اوقاف چاپ و بوسیله این سازمان به دست مردم میرسید. این ترجمه ها به زعم بعضی ترجمه های انحرافی داشت. گرچه اختلاف در تفسیرها باعث ترجمه های متفاوت میشد نه تحریف و جعل آن. به هر حال هر حکومتی با توجه به ساختار تفکرو پایه های مذهبی خود تفسیر مورد نظر خود را از قرآن و مذهب ارایه میداد. در نشر ۴ مجلد قرآن کریم که به دستور محمدرضا شاه در سال ۴۴ به چاپ رسیده بود ترجمه و تفسیر این قرآن‌ها را زین العابدین رهنما انجام داده

۱. سند ۳۳۷۵۵ ص ۵۱۶۳

۲. سند ۱۲۰۸۱_۲۹۳ ص ۵۱۱۸

۳. سند ۳۸۷۲۲_۲۹۳ ص ۵۱۸۰

۴. سند ۳۸۷۲۲_۲۹۳ ص ۵۱۹۶ تا ۵۱۹۲

بود.^۱ جز این نشریاتی به مناسبت های خاص چاپ میشد مثل کتابهایی که در مورد حج و راهنمایی زائران برای حج چاپ شد. اما نشریه بسیار غنی با بحث های جدی علمی در که از سال ۴۵ تا سال ۵۷ به چاپ میرسید نشریه "معارف اسلامی بود" که یکی از افتخارات سازمان اوقاف در آن سالها بود. این نشریه هدف خود از انتشار را تامین یک همکاری همه جانبه بین دانشمندان طراز اول اسلامشناس بیان میدارد که قصد دارد با توجه به اهمیت فرهنگ اسلامی ایران بخصوص در جامعه تشیع نقش موثری را در برقراری روابط مستمرفرهنگی بین دانشمندان ایرانی و خارجی به عهده بگیرد و در یک قلمرو وسیع فرهنگی منعکس کننده تحقیقات اسلامی دانشمندان ایرانی و در مقیاس جهانی نشان دهنده مقام واقعی معارف شیعه که از ذخایر مسلم فرهنگ بشری است باشد.^۲ این نشریه که هر سال دو شماره از آن منتشر میشد اعتبار علمی خود را از نویسندگان آن گرفته بود. دانشمندان گرانمایه ای همچون سیدحسین نصر، عبدالحسین زرین کوب، سیدجعفر شهیدی، محمدرضا شفیعی کدکنی و محققى چون هائری کربن و اساتید فرزانه دیگر بر غنا و ارزش این نشریه مهر تایید میزدند. مباحث فلسفی اخلاقی، تاریخی و گزارشات مهم سازمان اوقاف در این نشریه چاپ و عرضه میشد. معرفی و بررسی کتابهایی که هر چند وقت یک بار به کتابخانه سازمان اوقاف توسط پژوهشگران ارسال میشد یکی از بخشهای این نشریه بود.

۵- مدارس علوم دینی

طبق ماده ۳۶ و ۳۷ آیین نامه اوقاف موقوفات مجهول المصرف و متعذر المصرف موقوفاتی است که به جهت فراهم نبودن وسایل و از میان رفتن موضوع و یا عدم احتیاج به مصرف صرف آنها در مصارف مقرر متعذر باشد. و یا طبق ماده ۳۷ عواید خالص مربوط به مدارس قدیمه که طبق تشخیص شورای عالی اوقاف کافی برای اجرای نظر واقف نباشد و همچنین عواید خالص موقوفاتی که مصرف آن خیرات و

۱. نشریه معارف اسلامی، شماره ۲۸، سال ۵۶، ص ۱۰.

۲. نشریه معارف اسلامی، دوره جدید، آبان ۴۷، ص ۴.

مبرات مطلقه است، به مصرف نشر معارف اسلامی خواهد رسید. مصارف مدارس علوم قدیمه از سال ۱۳۱۴ به مصارف دیگری تعلق گرفت چراکه با تاسیس مدارس جدید این کلاسها کمتر مورد استفاده قرار گرفت.^۱ مستوفی از بیرون شدن این مدارس اینگونه سخن میگوید: مدرسه های قدیمی این مدارس مرحوم شده و چون کسی که درس بخواند در مدارس نبود متولی هم عوض آن مرحوم را تعیین نمیکرد و مدرسه آنها اکثر حصیر هم نداشت. در بعضی از این مدارس مدرسه قدیمی زنده و مردی وظیفه شناس بود برای حلال شدن حقوقی که میگرفت در ساعات مقرر سری به مدرسه زده و جلو مدرسه می نشست و بدون اینکه کسی باشد که حتی چیزی بپرسد به خانه اش باز می گشت.^۲ مدارس علوم دینی در سالهای حکومت محمدرضا شاه دایر و برای نظارت و مراقبت بیشتر در این مدارس مامورینی از ادارات فنی اوقاف به سرکشی و بررسی برگزاری این کلاسها که معمولا یک روحانی که به امور نزدیکی و آشنایی بیشتری داشت فرستاده میشد تا اگر تخلف و اشکالی وجود داشته باشد گزارش کند در اینگونه موارد اگر از سوی طلاب تخلفی صورت میگرفت آنها از حقوق ماهیان که از موقوفه دریافت میداشتند محروم میشدند.^۳ افراد انتخاب شده گاه سالها تحت نظارت سازمان اوقاف به کار خود ادامه میدادند و اگر تخلف و کاهلی از آنان سر میزد بعد از اخطارها و توبیخ هایی برکنار شده و سازمان برای انتخاب نفرات معتمد بعدی اقدام میکرد. مردم هم به امور توجه داشتند مثلا زمینهایی برای تاسیس مدارس علوم دینی وقف میکردند اما اوقاف به دلیل نبود امکانات و بودجه کافی برای ساخت و تجهیز این مدارس از ساخت آن خودداری میکرد. و تنها بخش کمی از هزینه ها را آن هم به شرط شروع ساخت از طرف مردم قبول میکرد.^۴

۱. قوانین سال ۱۳۱۵ ص ۸۰ و قوانین سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ ص ۲/۴۰۷۷

۲. مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، تهران، زوار، ۱۳۷۷، ص ۲۴۹-۳۴۸

۳. سند ۲۵۰-۴۷ ص ۱۱۵

۴. اسناد مجلس شورای اسلامی، ص ۴۳۳ تا ۴۳۷.

۶- نظارت اوقاف بر اماکن مقدسه و مساجد و تکایا

از سال ۱۳۴۴ سازمان اوقاف در صدد برآمد تا به وضع آشفته اماکن متبرکه و مساجد خاتمه دهد این اماکن پیشتر بوسیله متولیان و متصدیانی اداره میشد که تحت نظارت هیچ نهاد یا موسسه دولتی نبودند. مشکلاتی که در اینگونه موارد پیش می آمد معمولاً نبود مرجعی که متولی در قبال آن پاسخگو باشد، بود. بدلیل فقدان حس مسئولیت بسیاری از این اماکن و رقبات وقفی آنها رو به ویرانی رفته بود و متولیان درآمد موقوفات در گاهها به مصرفی غیر از آنچه مورد نظر واقف بود میرساند. دولت به وسیله تشکیل هیئت امنا به امور مساجد، بقعه ها، تکایا و حسینیه ها رسیدگی میکرد افرادی که در صورت تایید صلاحیت از طرف استانداری ها و شهربانی ها و سپس تایید سازمان اوقاف به هیئت امنایی برگزیده میشدند باید کمتر از سه نفر و بیشتر از دوازده نفر نباشند اینها از افراد روحانی و معتمد محل تعیین میشدند. در سال ۱۴۷ این موضوع به صورت جدی اجرا شد در واقع در سال ۱۴۷ آیین نامه طرز انتخاب هیئت امنا و بعد با یک تجدیدنظر در ۱۹ ماده به تصویب رسید:^۱

این آیین نامه طرز انتخاب را مشخص میکند که در محدوده شهرها شهرداریها هم میتوانند عضو هیئت امنا باشند و اماکن متبرکه که جز آثار باستانی هستند یکی از اعضا هیئت امنا میتواند **مسئول** امورفرهنگ و هنر باشد و در ماده ۸ تعمیرات اماکن متبرکه که آثار باستانی است با نظارت سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی **صورت میگیرد**. خادمین گاهی نیز دچار تخلف میشدند.

ماده ۱۲ این قانون وظایف هیئت امنا را اینگونه شرح میدهد: حفظ و نگهداری اماکن متبرکه صیانت از **اموال** آنها جلب کمکهای مادی و معنوی مردم برای عمران، طرح و تصویب برنامه های عمرانی، نظارت در جریان دعاوی، ثبت اراضی، تبلیغات، جمع آوری درآمد و خرج و نگهدای پرداخت هزینه های اعیاد و سوگواری مذهبی.

مواد ۳، ۴، ۵، ۷، تعیین رییس و صندوقدار، چگونگی قابل اجرا بودن تصمیمات هیئت امنا و طرز استفاده آن، عضویت متصدی بقاع متبرکه و رایگان بودن خدمات هیئت امنا.

ماده ۹، ۱۰، ۱۱ طرز مصرف نذور در راه عمران و آبادی بقاع نگهداری دفاتر حساب و ساختن آسایشگاه برای زوار.

ماده ۱۶، جازه میداد اموال اماکن متبرکه اگر جز آثار باستانی نباشد بفروش برسد و وجه آن به حساب درآمد ریخته شود.

ماده ۱۷، طرز عمل هیئت امنا را در خصوص خرید لوازم ضروری و نوسازی لازم با نظارت اوقاف

ماده ۱۸، عملیات هر سال برای اطلاع عموم منتشر شود

ماده ۱۹، کلیه اعمال هیئت امنا را به نظر و صلاحدید اوقاف موکول کرده است. به گواهی سازمان اوقاف مساجد و اماکن مقدس و معابد از پرداخت مالیات معاف بودند.^۱ اگر بگوییم سازمان اوقاف تنها به دلیل ترتیب کارهای اماکن مقدسه سعی در نظارت آن داشت کمی ساده انگاری کرده ایم واقعیت این است که امور مذهبی و تحت کنترل درآوردن امور مذهبی یکی از اهداف این سازمان بود. به هر حال مراسم سوگواری و اعیاد مذهبی در همین مکانها برگزار میشد. نظارت دقیق بر متولیان امر میتواندست مسیر را هموار تر کند. سازمان اوقاف سعی داشت به همه امور مذهبی برگزار شده در مکانهای مذهبی نظارت کامل داشته باشد به همین دلیل در این سال تصمیم بر این شد که تکایا و مساجد با تعیین هیئت امنایی که از طرف فرماندارها تعیین و تایید میشوند این کار را به نحو مطلوب انجام دهد. این نظارت فقط باید در اماکنی که موقوفه محسوب میشدند باید انجام میگرفت اما در سالهای دهه ۵۰ به دلیل حساسیت امور مذهبی و رونقی که در این سالها پیدا کرده بود هیئت حاکمه سعی میکرد تمام موسسات و سازمانهایی که جز موقوفات نبود اما کار مذهبی انجام میداد را کنترل کند. مثلاً حسینه ارشاد از سازمانهایی بود که متولی شخصی داشت و هیچ گونه وابستگی به موسسات ملی و دولتی مشخص

نبوده و از سازمان اوقاف یا سایر سازمانهای دولتی کمک مالی دریافت نمیکرد.^۱ و سخنرانی مذهبی و امور دینی از برنامه های اصلی این موسسه بود اما به دلیل استقبال شدید مردم خصوصا جوانان از برنامه های این سازمان با حساسیت مقامات دولتی مواجه شد. این موسسه در سال ۵۱ یک بار تعطیل شد. اما از آنجا که حکومت از هر گونه تحریک و حساس کردن این امور ترس داشت این موسسه بعد از چندی اوایل سال ۵۲ باز گشایی شد ولی این بار تصمیم گرفته شد که تحت نظارت سازمان اوقاف برآید چرا که متولی امور مذهبی در آن دوران سازمان اوقاف بود. برگزاری جشن های مذهبی و تعیین سخنرانان برای این جشنها برای این بود که بعد از تعطیلی، حسینیة فعالیت خود را از طریق سازمان اوقاف شروع و سازمان اوقاف نیز نفوذ خود را در حسینیة ارشاد گسترش دهد.^۲

۷- سپاهیان دین

در فصل ۴ از وظایف موقوفات پهلوی، کمک به امور مذهبی و تعظیم شعائر اسلامی و ترویج دیانت مقدس اسلام در هر عصر و زمانی بمقتضیات وقت آورده شده است در این فصل تبلیغات اسلامی در کشورهای غیرمسلمان نیز مدنظر بوده است. اوقاف اصفهان ص اولیه در سمینار مروجین کشور در سال ۵۵ قرار بر این میشود که سپاه دین که متشکل از دانش آموختگان رشته الهیات و نیز روحانیون، برای ترویج شعائر اسلامی به عنوان خدمت وظیفه به اقصا نقاط کشور رفته و وظیفه ترویج دین را برعهده بگیرند و وظیفه به جریان انداختن این سپاه نیز به عهده وزارت اوقاف گذاشت شد. تحت نظارت و کنترل قراردادن روحانیت و امر ترویج دین یکی از اهداف هیئت حاکمه بود. نکته دیگر اینکه حکومت میخواست توان بالقوه روحانیت در مدار منافع و استراتژی حاکمیت قرار بگیرد. محمد رضا شاه در پیام روز یکشنبه سال ۲۵۲۸ شاهنشاهی در نوشهر میگوید: دین مبین اسلام حکم میکند که

۱. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، حسینه ارشاد به روایت اسناد ساواک، تهران، اسناد وزارت اطلاعات،

۱۳۸۳، ص ۲۸۳

۲ همان، ص ۳۵۸.

در این موقع تمام قوای مادی و معنوی کشور برای پیشبرد هدفهای ملی و برای حفظ میراث دوهزار و پانصدساله شاهنشاهی بسیج شود و جبهه واحدی بوجود آید. شما مروجین مذهبی که اینجا حضور دارید و سایرین که اینجا هستید و بعدها به گروه شما خواهند پیوست وظیفه دارید اول به ترویج اصول دین مبین اسلام بپردازید و بعد اصول دوازده گانه انقلاب اجتماعی ایرانی را که با دین مبین اسلام موافقت کامل دارد به دیگران تفهیم کنید^۱

استفاده از وجهه تقریباً مقبول روحانیت در جامعه مذهبی ایران برای تفهیم و قبولاندن انقلاب سفید یکی از راهکارهایی بود که به نظر میرسد در جامعه آن روز ایران برای پیشبرد اهداف شاهنشاه مفید واقع شود.

۸- حقوق خادمین و هزینه تعمیرات در اماکن مقدسه

حقوق ماهیانه خادمین از طریق هدایا و نذورات پرداخت میشده که معمولاً مقدار آن کفایت نمیکرده است به همین دلیل هیئت امنای سازمان اوقاف و در سطح بالاتر از آقای آزمون میخواهند که حقوق ماهیانه ای از طرف اوقاف برای خادمین در نظر گرفته شود به نظر میرسد اماکن متبرکه حتی مسجد جمکران که برای مردم از اهمیت زیادی برخوردار است از نظر وضعیت بودجه چندان مورد توجه قرار نمیگرفته است و خود مسجد میبایست برای هزینه های خود درآمدی مییافت مثلاً به مزایده گذاشتن کفشداری برای یک سال و یا فروختن قبض برای زیارت چاه جمکران که هم اکنون با افزایش اعتقاد مردم به اینگونه اماکن منسوخ شده است. در واقع از هر راهی برای تامین بودجه برای نگهداری این اماکن استفاده میشده است. یا در موقعی که این مسجد احتیاج به تعمیر دارد مسئولین مسجد بین سازمانهای مختلف گرفتار نامه نگاری شده اند اوقاف هزینه تعمیرات را به عهده سازمان حفظ آثار ملی میداند و سازمان حفظ آثار ملی نیز ابراز میدارد که مسجد جز آثار باستانی نیست. سردرگمی متولیان از اینکه بالاخره متولی و پاسخگو چه نهاد و چه سازمانی است از نامه های متعدد آنها به سازمانها مختلف نمایان

۱. سمینار مروجین مذهبی، تهران، سازمان اوقاف، ۱۳۵۵، ص ۳

است.^۱ گویا دولت درصدد است تنها این اماکن را در اختیار و انحصار خود قرار دهد فرقی نمیکند این مسئله به اوقاف مرتبط شود یا به سازمان ها دیگر. سازمان اوقاف بیشتر در مسائلی مانند جمع آوری نذورات و طریقه دریافت کمکهای مردمی و یا اقدام برای تهیه صورت اشیا و وسایل و هدایای مردم کوشا است تا مواردی مثل تعمیر و بازسازی این اماکن.^۲ حتی در یک مورد رییس اوقاف حوزه ای از متولی که از اوقاف برای تعمیر بقعه تحت تولیت اش کمک میخواست عصبانی میشود و جواب او را به تندی میدهد که این قضیه باعث میشود متولی از رییس اوقاف شکایت کند.^۳ اوقاف بیشتر در نظر دارد با کمکهای مردمی این اقدامات انجام شود هیئت امنای برای جمع آوری کمک و اعلام شماره حساب برای نذورات مردم در روزنامه ها اقدام به انتشار آگهی میکند.^۴ حقوق خادمین عموماً کافی و مناسب نبود به همین دلیل گاهی خادمین دچار تخلف نیز میشدند تا از راههای غیرقانونی درآمدی به دست آورند. برای مثال میتوان به تخلف خادمین مسجد جمکران قم که آنها نیز جز افراد و تحت نظارت هیئت امنای بودند اشاره کرد که در تقسیم آب به زارعینی که در زمینهای اطراف مسجد کشاورزی داشتند تخلف کرده و موجب شکایت آنان به سازمان اوقاف شده بودند گاهی اوقاف هم با وساطت و تعهد گرفتن از افراد هیئت امنای در صورت تخلف آنها به کار خود ادامه میدادند اما با نظارت دقیق تر سازمان.^۵

۱. سند ۳۰۶۲۳_۳۰۶۲۳ ص ۱۷۰

۲. ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۶۰، ۱۶۴ از درخواست قبلی از سند ۳۰۶۲۳_۲۹۳

۳. همان سند، ص ۱۶۸

۴. سند ۳۰۶۲۳_۲۹۳ ص ۱۶

۵. سند ۳۰۶۲۳_۲۹۳ ص ۱۶۴ و ۱۶۵.

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل دوم تشکیلات اوقاف

• اولین گامها در تشکیلات اوقاف

سازمان اوقاف برای منسجم کردن امور مربوط در ابتدای کار شعبه هایی را در شهر های مختلف بر حسب وسعت شهر و تعدد رقبات موقوفات در آنها ایجاد کرد. در ابتدا شهرهایی مثل تهران مشهد شیراز از جمله مناطق اوقافی بودند که سازمان اوقاف در آنجا دارای شعبه و حوزه اوقافی بود. در سالهای اولیه آموزش و پرورش که مثل اوقاف زیرمجموعه وزارت فرهنگ بوده است در کارهای اوقافی نقش داشته است مردم نامه های خود را در مورد اجاره بها و پرداخت آن و یا چگونگی سهم وقف و ... به این نهاد میفرستادند و از آنها کسب تکلیف میکردند و یا برای انتخاب متصدی در امور اوقافی نظیر آموزش و پرورش باید در نظر گرفته و به تایید میرسید^۱ گویا هنوز سازمان اوقاف تشکیلات منسجمی نیافته و به دلیل حجم بالای کاری نمیتوانسته همه کارها را خود تحت نظارت درآورد. مثلاً اوقاف بخشهای زیادی از استان فارس که حجم بسیار بالایی از موقوفات را در بر داشته است بوسیله آموزش و پرورش اداره میشده اما این سازمان هم نمیتوانسته به همه امور رسیدگی کند و بسیاری از زمینها بلا تکلیف و کارها روی زمین میماند.^۲

این حوزه ها بعدها گسترش یافت و شهرهای دیگری هم به طور مجزا دارای حوزه اوقافی شدند. این حوزه ها با کمک فرمانداری و شهربانی به امور موقوفات و تعیین متولیان و هیئت امنای میپرداختند. سازمان اوقاف برای رسیدگی به امور ثبت رقبات به نام وقف از کارشناسان و وکلای حقوقی بهره میبرد. و برای کارشناسی در قیمت گذاری در موقع فروش و یا اجاره رقبات به وسیله کارشناسان خود به این

۱. سند ۴۷-۲۵۰ ص ۳۲۱

۲. سند ۴۷-۲۵۰

کار اقدام میکرد. حوزه های اوقافی برای ارتباط با مردم از نظر آنها در مورد شخصیت های مورد اعتمادشان برای تولیت موقوفات مطلع شده و خواست آنان را نیز مدنظر قرار میدادند.^۱ در تاریخ ۱۵ بهمن ۴۵ کلنگ ساختمان جدید سازمان اوقاف به زمین زده شد این ساختمان که دارای چهار طبقه با همه تجهیزات امکانات مدرن آن روز بود توسط وزارت مسکن و آبادانی ساخته شد. سازمان اوقاف تصمیم گرفت امور حسابداری را در ادارات خود در شهرستانها با روش جدید انجام دهد به همین منظور حسابداران ادارات اوقاف در شهرستانها برای شرکت در کلاسهای حسابداری به روش "حسابداری دوبل آمریکایی" فراخوانده شدند تا با روشهای جدید این امر آشنا شوند.^۲

• شرح وظایف

بعد از اینکه سازمان اوقاف به سازمان مستقلی تبدیل شد این سازمان وظایفی را برای خود در نظر گرفت و بنا به اهمیت آن به اجرای آنها پرداخت شناسایی رقبات موقوفات و چگونگی اداره آنها در شهرها بخش ها و روستاهای هر استان از وظایف مهمی بود که این سازمان برای خود تعریف کرد. بعد از شناسایی موقوفات و تهیه آمار دقیق آنها اموری را که میبایست تحت نظارت اوقاف قرار گیرد را بررسی کردند.

۱- شناسایی زمینهای موقوفه

اوقاف در این سالها همچنان در پی شناسایی زمینهای موقوفه ای است که در گوشه ای یا به دست فراموشی سپرده شده است و یا در دست مالکی بصورت ملک شخصی درآمده است. به یاری گرفتن از همه نیروهایی که میتوانند بصورتی به این امر کمک کنند بیشتر وقت و انرژی این سازمان را میگرد فرستادن وکیلان و یا مباشران اوقاف به حوزه های اوقافی برای کمک و مشاوره به کارمندان اوقاف و یا

۱. اسناد مجلس شورای اسلامی، ص ۴۳۶

۲. نشریه معارف اسلامی، سال اول، شماره دوم، ص ۱۰۵.

مدد خواستن از کدخداها برای این امر کارهایی بود که سازمان به آن اهتمام زیادی داشت این تصمیم آنقدر جدی بود که مامورین امر گاهی قدرت کافی و حتی با خشونت در پی پس گرفتن املاک موقوفه از متصرفین بودند. که این امر به کشیدن موضوع به دادگاهها و طرح دعوا و ایجاد دردسر میشد^۱ مواردی نیز پیش می آمد که موقوفه ای در تصرف کسی بوده و از چشم اوقاف دور مانده بود سالها بعد وارثین با انگیزه های گوناگون در پی اعتراف و بازگرداندن این متصرفات بر می آمدند گرچه اوقاف در محاکم قضایی از قدرت چندان بر خوردار نبود گاهی وکلا و مباشران سازمان اوقاف نمیتوانستند ادعای خود را ثابت کنند و حکم دادگاه برای هر دو طرف یکسان بود مثلاً گذاشتن سپرده برای بررسی دعوی مطروحه برای هر دو طرف انجام میشد و اتفاق می افتاد که برنده طرف دیگر غیر از سازمان اوقاف بود.^۲

عبدالعلی باقی که در سالهای دهه ۴۰ کارمند سازمان اوقاف بوده و هر چند وقت یک بار به ماموریت فرستاده میشده است در باره نحوه اداره کردن و اوضاع تاسف آور موقوفات می گوید با کمک و همدلی روحانیون محل که در کسوت پیشنماز و معتمد بودند وضعیت آشفته موقوفات شهرها که مورد تعدی و تجاوز قرار گرفته بود روبه سامان رفت. وی یاری مردم شهر و روستا را برای جلوگیری از تضییع حقوق موقوفات را ستایش کرده و توضیح میدهد که در مدت اقامت خود در شهرهای مختلف به عنوان کارمند اوقاف توانسته به بنای چندین مدرسه و حمام و غیره دست بزند. به گفته خودش موفقیت‌های او در تجدید بناهای موقوفه و عمران این رقبات او را مستحق دریافت چندین مدال کرده است. وی اشاره میکند که هر کدام از افراد که با نام خانوادگی از آنها یاد میکند هر کدام به چه شهری عازم شده اند وی کسانی را نام میبرد که در عمران و آبادی موقوفات سهم به سزایی داشته و در محل ماموریت حق خدمت را ادا کرده اند وی در یک جا از دقت و هوشیاری یکی از مافوقانش در اداره اوقاف مشهد میگوید و دقت و پرکاری او را در عین اینکه

۱. سند ۴۵۱۷-۲۵۰

۲. سند ۴۰۳۷-۲۵۰

ادعا میکند در حق وی کم لطفی کرده است ستایش میکند اما در بین آنها کارمندانی را نیز نام میبرد که دست تعدی در موقوفات انداخته و عواید اوقاف را حیف و میل کرده اند سازمان اوقاف برای جلوگیری از خیانت این کارمندان هر دو سال یک بار محل مأموریت آنها را عوض میکرده اما گویا گاهی امکان جلوگیری از این دست اندازی ها نبوده است.

موسوی و غازی راد و پارسایی آن هر سه هم
جامه تقوای شان ناشدن گریبان گیرخار

لیک کسرایی به کرمانشاه و گیلان رخنه کرد
خورد اوقافش تمامی از یمین و از یسار
وی ضمن گله از حقوق ناچیزی که دریافت میکرده توضیح میدهد که از نرفتن زیر بار دستور خلاف خورسند است. باقی در قسمت دیگری از کتاب منظومش از بنیاد پهلوی و خدماتش از نشر و طبع کتاب گرفته تا تبلیغ و ترویج دین سخن میراند.
وقف درس و بحث و علم و دانش و تحقیق کرد

وقف بر چاپ کتاب و و ترجمه یا نشر آن
چند ملیون است موقوفات این بنیاد و نیـز
تا چه حد حسن اثر بخشیده در ملک جهان
همچنین حفظ بقاع مذهبی تبلیغ دین

اقتضا هر جا نماید خاصه بر بیگانگان
باقی در بخشی از سخنانش ابتدا از تباه شدن حق موقوفات قبل از تشکیل سازمان اوقاف میگوید که بدلیل نبود قوانین و نظارت مقتدرانه بسیاری از اوقاف روبه خرابی و تباهی گزارد و بسیاری از مفتخواران موقوفات را به نام خود تقاضای ثبت کرده و وقفیت این املاک پنهان ماند.

او دوران دکتر شهبازی یکی از روسای سازمان اوقاف، را دورانی میداند که بر همه این تجاوزات و نابسامانی ها پایان داده شد و با ایجاد انقلاب اداری و اصلاحات ارضی و به دنبال آن تشکیل سازمان اوقاف و آمدن نصیر عصار اوقاف رو به عمران و

آبادی می‌رود. وی تمیز و تشخیص بسیاری از موقوفات و آمدن نیروهای جوان و تازه نفس را در این دوره ستایش می‌کند. از اولین کارهای اوقاف در این زمان که قانون نیز آن را از وظایف اوقاف دانسته، تهیه آمار و ارقام و تعداد رقبات وقفی در هر ده و بخش است که باقی نیز این آمار را در بخشی جداگانه بصورت منظوم و مبسوط ذکر می‌کند که ارزش ریالی آن در آن چهل میلیون تومان می‌داند. سپس در ادامه از تعداد کارهای عمرانی و آبادانی‌هایی که توسط اوقاف انجام شده می‌گوید.^۱

۲- تنظیم بودجه:

یکی دیگر از وظایف سازمان اوقاف در بدو تشکیلاتی شدن آن تنظیم بودجه اوقاف و هماهنگ کردن با متولیان برای تنظیم و اجرای آن بود.^۲ درآمد این رقبات در سالهای اولیه آن چنان بود که وزیر کشور از فرمانداری می‌خواهد برای جمع‌آوری درآمد موقوفات همه ادارات را به کمک و تشریک مساعی بطلید چرا که به زعم او این درآمد ها بار سنگینی از دوش بودجه مملکت برمی‌دارد.^۳ در قانون در مورد نظارت در موقوفات متصرفی حق التولیه و حق النظاره را پیش بینی کرده بود. ماده نهم میزان حق التولیه موقوفاتی که در تصرف اداره اوقاف است و اداره مذکور بعنوان متولی در موقوفه مداخله می‌کند یک عشر از عایدات خالصی و همچنین حق نظارت اوقاف را نیم عشر تعیین کرده است. نهایتاً در تبصره یک از ماده مذکور حق التولیه بیمارستانها و مدارس را ^۳درصد و حق النظاره آن را به ^۲درصد معین کرده است.^۴

۳- ثبت رقبات شناخته شده

ثبت رقبات شناخته شده و متصرفی اقدام بعدی بود که سازمان اوقاف به دنبال آن بود بعد از ثبت نوبت به استفاده از آن می‌رسید یعنی درآمد زایی آن و به عبارت بهتر تبدیل به احسن موقوفاتی که هیچ درآمدی ندارند در این گونه موارد زمینه‌های

۱ کارنامه اوقاف، پیشین، ص ۴۷.

۲. سند ۲۵۰-۲۲۳ ص ۹۲۶ و ۷.

۳. سند ۵۹۳۷۳-۲۹۳، ص ۵۲۱۶.

۴. وقف در ایران، پیشین، ص ۹۷.

وسیع با شرایط به متقاضیات فروخته میشد این رقبات با توافق بین متولیان و اوقاف و سپس تایید شورای عالی اوقاف به مزایده گذاشته میشد متقاضیان از مزایده این زمینها به صورت آگهی های منتشر شده در نشریات مطلع میشدند و هر که شرایط بهتری را پیشنهاد میداد برنده مزایده شده و زمین تحت شرایطی به او واگذار میشد.^۱ شرایط اجاره برای برنده مزایده بطور کلی یک قاعده داشت که باید ضمن عقد اجاره آنها را تایید کرده و متعهد میشد وی نباید بیش از یک سال زمین را بدون ساخت ساختمان بگذارد و آنچه در زمین احداث میکرد برای خودش میتوانست تقاضای ثبت دهد و بعد از او ورثه میتوانند در مورد ساختمان ها یا همان اعیانی تصمیم بگیرند که در آن سکنی کنند و یا با نظر کارشناس به فروش برسانند.^۲ مورد اجاره را بطور کلی و جزیی به اجاره دیگری دهد گاهی در ثبت رقبات اوقاف مجبور میشد با کسانی روبرو شود که زمینها را به ثبت شخصی میرساندند و تعیین تکلیف آنها به دادگاه سپرده میشد.^۳

۴- درآمد و هزینه ها:

سازمان اوقاف از حوزه های اوقافی میخواست کارهای انجام شده را طبق جدولی به اوقاف تحویل دهند در این جدول وصول درآمدها هزینه ها و نوع آنها و نیز تنظیم آمارهای صحیح از املاک مزروعی و تصرف بعضی موقوفات و به اصطلاح درآوردن آنها از بلاتکلیفی و قابل درآمد کردن آن و نیز گزارش عملکرد این حوزه ها در جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی از اهم وظایف حوزه های اوقافی در کشور بود.^۴ این رقبات باید به صورت جدولی که توسط معاونت نخست وزیری و سرپرست اوقاف پیشنهاد شده بود تنظیم و به ادارات کل و سپس به سازمان اوقاف فرستاده میشد.^۵

۱. سند ۲۵۰-۴۷ ص ۴۵۷

۲. سند ۳۰۵۲-۲۵۰ ص ۳۲

۳. اسناد مجلس شورای اسلامی، ص ۴۷۵

۴. ۲۵۰-۸۳۳ ص ۴

۵. سند ۲۵۰-۲۸۸ ص ۵

تنظیم این صورت حساب برای موقوفاتی که درآمد سالانه آن کمتر از مبلغ ۲۵۰۰ ریال است لازم نبوده و متولی تنها باید حقوق اوقافی را به نماینده اوقاف محل تحویل دهد اما برای رقباتی که درآمد آنها کمتر از ۱۰۰۰۰ ریال بود تنظیم بودجه لازم نبود و فقط متولیان میبایست صورت حساب را به اوقاف تسلیم نمایند. متولیان میبایست دفتر مخصوصی برای ثبت درآمد و هزینه موقوفه داشته باشد و در موقوفاتی که درآمد سالانه آنها بیش از مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال باشد متولیان باید حساب مخصوصی به نام موقوفه در بانک افتتاح کرده و درآمد وصولی را به این حساب تحویل دهند و از این طریق مصرف نمایند متولیان موظفند یک نسخه از حساب عملیات بانکی مربوطه را برای ادارات اوقاف محل ارسال دارند. متولیان موظف بودند حداقل در هر پنج سال درآمد موقوفه را با توجه به استعداد و ظرفیت مکانی به طور محسوسی افزایش دهند.^۱ اگر این اتفاق می افتاد که به ندرت دیده میشد متولی ادعای بهره نیز از اعیانی ها که ایجاد کرده نیز میکرد و یا انتظار داشت که کارهایش دیده شود و مورد تقدیر قرار بگیرد.^۲ افتتاح حساب مشترک متولی و سازمان اوقاف اقدامی بود که نظارت و کنترل هرچه بیشتر سازمان را بر روی متولیان نشان میدهد این نظارت دقیق از منظر افرادی در تنگنا قرار دادن و سلب اختیار از متولی تفسیر شد و اعتراضهایی نیز به همین منظور به سازمان مربوطه ارسال شد. به زعم معترضین سلب اختیار از متولی که در وقفنامه از او نام برده شده است خلاف قانون شرع است.^۳

معمولاً آب انبارها قنوات زمینهای بایر و غیره جز بازرسی و بررسی متصدیان امور فنی سازمان اوقاف قرار میگرفته و بعنوان وقف ثبت میشده است.^۴ گاهی نیز این زمینها به ساختمانها و اماکن دیگری تبدیل شده اما توسط مامورین اوقاف شناسایی و حتی با کمک گرفتن از مردم و استشهاد آنها به نام اوقاف تقاضای ثبت

۱. قوانین ۴۵_۴۷ ص ۷۶_۲/۴

۲. سند ۱۳_۱۳۰۲۹۳

۳. سند ۲۵_۱۷

۴. سند ۲۵_۴۷ ص ۳۱۱

میشده است.^۱ موقوفات ملزم به پرداخت مالیات نیز بودند؛ طبق ماده قانونی مصوب ۵۶/۱۱/۲۴ شورای ملی موقوفات عام که متولی نداشتند و تماماً تحت نظارت سازمان اوقاف بودند از مالیات مستقیم معاف بودند و موقوفات عام که دارای متولی بودند ولی درآمدشان به مصارف مقرر در بند ۸ ماده ۲ قانون مالیاتهای مستقیم نرسیده باشد از محل درآمد موقوفه باید مالیات میپرداختند.^۲

۵- تعمیر موقوفات

شناسایی زمینهای موقوفه ای که در دستان موقوفه خواران رفته است از کارهای مهمی بود که اوقاف در اولین سالها بسیار وقت و انرژی روی آن گذاشت به همین دلیل ادارات اوقاف بیشتر متمایل بودند کارها قبل از رسیدن به محاکم قضایی و طرح شکایت با توافق طرفین حل شود.^۳ پس چندان هم عجیب به نظر نمیرسد که دادخواهی زارعین در گستره این هم مشغولیت بدون جواب بماند. این بی توجهی ها خصوصاً به امر تعمیر قنوات موجب خرابی کلی به آنها میشود که خسارت ناشی از آن در سالهای بعد در گزارش انجمن کشاورزان آمده است که بر اثر بی توجهی به قنوات از سال ۴۲ تا کنون که سال ۴۹ میباید زیانهای جبران ناپذیری به کشاورزان وارد آمده است.^۴

سازمان اوقاف برای بازسازی و تعمیر بقعه های مقدس نیز اقداماتی انجام میداد. تعمیر بقعه های امامزاده هایی همچون امامزاده داوود (ع) در تهران و امامزاده مشهد اردهال که مراسم آیینی قالیشویان در آن هر ساله توسط مردم انجام میشد نمونه هایی از بازسازی و توجه به آن است که معمولاً با برگزاری مراسم خاصی با حضور نمایندگان دولت و سازمان اوقاف انجام میشد. روحانیون و مروجین مذهبی نیز در این مراسم حضور داشتند. وجوه و نذورات مردم در این بازسازی ها بسیار مهم و موثر بود. هدف سازمان اوقاف در برگزاری این مراسم جلب اعتماد مردم در

۱. همان سند، ص ۳۵۵

۲. قوانین سالهای ۴۵-۴۷ ص ۲۷۴۳

۳. سند ۴۵۱۷-۲۵۰-۶۵۸ و ۴۶۸-۲۵۰-۴۶۷۱ ص ۶۶۳

۴. سند ۲۵۰-۹۷۰-۹۴۰

پرداخت هدایا و نذوراتشان بود که در سالهای دهه ۵۰ به این امر توفیق یافته بود تعمیر بقعه امامزاده داوود(ع) در سال ۵۵ که با کمکها و نذورات مردم انجام شده بود نشانه ای از اعتماد مردم به این سازمان است.^۱

۶- پرداخت مستمری

یکی از اهداف وقف کمک به نیازمندان و تامین هزینه های تحصیلی آنها است که پیشتر صرف علوم دینی و طلاب این حوزه درسی میشد اما بعدها که کاربری مدارس علوم قدیمه و علوم دینی تغییر کرد و این مدارس به مدارس جدید تبدیل شدند بخشی از عواید اوقاف هم صرف محصلان این مدارس شد در جداول تنظیمی که ادارات حوزه های اوقافی به ادارات کل اوقاف میفرستادند یکی از موارد مصرف کمک هزینه تحصیلی به نیازمندان و یا رفع دیگر حوایج شان بود مثلا درخواست کمک یک سرباز برای تامین کرایه اتوبوس و یا درخواست کمک برای تامین پوشاک یک خانواده. از این دست پرداختها در صرف بودجه اوقاف زیاد دیده میشد.^۲

۷- هزینه های مربوط به سپاه دانش و پیکار با بی سوادی

در ارتباط با هزینه های سپاه دانش باید گفت این گروه به طور غیر مستقیم فعالیتهاشان به اداره اوقاف مربوط میشد معمولا در انجمنهایی که در مورد مدارس و دبستانهایی که این سپاهیان در آن مشغول فعالیت بودند مشکلاتی پیش می آمد که اغلب عبارت بود از مرمت مدارس روستاها و یا بهسازی و دیوارکشی مدارس که در موردی آموزش و پرورش مدتهای مدید در اعتراض به خودداری اوقاف از دیوارکشی مدارس جلساتی را با انجمن روستاها اوقاف سپاهیان دانش ومسئولان

۱. نشریه معارف اسلامی، شماره ۲۷، سال ۱۳۵۵.

۲. سند ۷۵۲۱-۲۳۰

دیگر برگزار و خواستار جوابگویی اوقاف در این مورد بوده است. و نیز اوقاف باید در تصمیم گیری برای تامین مسکن برای سپاهی دانش نیز شرکت و کمک میکرد.^۱ هزینه های دیگری که به در محدوده کاری اوقاف قرار گرفته بود اجازه هزینه ساخت مهد کودک و پرداخت حقوق گروه پیکار با بی سوادی بود.^۲ ویا اقداماتی از قبیل دایر کردن کلاسهای تحصیلات ابتدایی برای اقشار کم درآمد و پرداخت وجه به آنها و نیز تاثیرات این کارها در زندگی مردم بررسی میشده است.^۳

۸- تصمیمات اوقاف در اجرای خواست واقف

مصارف وقف طبق وقفنامه باید به همان مصرفی برسد که مورد نظر واقف بوده است و از نظر فقهی نیز اجرای این قانون به صلاح و صواب نزدیکتر است در تصمیمات سازمان اوقاف گاهی این قانون اجرا میشده کارمندان اوقاف به این توجه میکردند که اگر برای مصرفی برداشت مبلغی میشد حتما مورد مصرف مصداق موقوف علیهم باشد.^۴ و گاهی نیز مصرف موقوفه طبق خواست مردم و نیاز مبرم درآمد موقوفه ای به مصرف موارد دیگری میرسد البته این موارد به احتمال زیاد مصداق موقوفات متعذر المصرف بود طبق تعریف قانون ماده ۳۷ آیین نامه اوقاف موقوفات مجهول المصرف و متعذر المصرف موقوفاتی است که به جهت فراهم نبودن وسایل و از میان رفتن موضوع و یا عدم احتیاج به مصرف صرف آنها در مصارف مقرر متعذر باشد مثلاً در جایی مردم مصارف موقوفات را در جایی بغیر از امور فرهنگی یعنی لوله کشی آب آشامیدنی درخواست کرده اند که این مورد به دلیل نیاز اهالی ره حقوقی سازمان اوقاف بررسی شده است و از طرف سازمان اوقاف درخواست اجازه شده است.^۵

۱. سند ۳۳۸۲۴_۲۹۳ صص ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۷۳.

۲. همان ص ۱۷۴.

۳. سند ۳۶۳۶_۲۵۰ ص ۹ و سند ۴۸۶۱_۲۵۰.

۴. سند ۳۸۱۳_۲۵۰ ص ۲۴۰.

۵. سند ۲۵۰_۴۷ ص ۱۳۶ و سند ۳۲۷۶_۲۵۰، ص ۱۷.

• مشکلات پیش روی اوقاف

سازمان اوقاف در ابتدای کار مدیریت در انجام اهداف خود با مشکلاتی نیز روبرو بود. بعد از مشخص شدن زمینها یا املاک موقوفی در ثبت این زمینها با سختهایی نیز روبرو بودند مواجه شدن با مردمی که در زمینها ساختمانهایی را احداث کرده و به نام خود ثبت کرده اند، تخلفات و کارشکنی های متولیان که اغلب هم از افراد با نفوذ محلی بوده و کسی یارای مقابله و شهادت علیه آنان را نداشت.

۱- تصرف زمینها توسط مردم

اما زمینهای موقوفه بسیاری بود که حتی اگر شناخته شده بود اما برای حفظ و نگهداری آن کاری صورت نگرفته بود زمینهای بسیار در استان فارس با تعدد شهرستانها و مساحت زمینهای موقوفه مواردی بودند که مدیر کل منطقه اوقافی فارس و بنادر شخصا به نخست وزیری نامه مینویسد و درخواست میکند که تشکیلات سازمان یافته و نیروهای بیشتری برای سامان دادن به این زمینها باید در نظر گرفته میشد نبود شعبه اداره اوقاف در برخی از این شهرستانها سبب شده بود که مردم در این زمینها ساختمانهای مسکونی و غیرمسکونی بسازند و چون خانواده خود را در آن سکنی دهند و سرپرست خانواده ها در این شهرها معمولا در جاهای دیگر مشغول کار بوده و امکان اینکه این منازل پس گرفته شود نبود بنا به ملاحظاتی که همزمان با انقلاب اداری شاه باید به آن توجه میشد و چاره ای نبود جز اینکه در حفظ ظاهر مردم دوستی حکومت باید بسیاری از این دست اندازیه ها و بناهای غیر قانونی چشم پوشی میشد.^۱

در اقدامات بعدی گویا بعد از اینکه اوقاف به سراغ زمینها میرفت و وقفی بودنشان معلوم میشد کار به شکایت و عریضه میرسید و مردم برای گرفتن آنچه فکر میکردند حقشان است به سازمانهای مختلف رجوع میکردند تا بلکه راه حلی پیدا کنند برای حل شدن این قضیه کمیته ای بنام کمیته همکاری مردم و دولت در سازمان اوقاف تشکیل شد در این کمیته متولی ماموران اوقاف و مسئولانی از اداره

دارایی برای قیمت گذاری زمینها حضور داشتند که هر هفته به گزارشات شکایت مردم رسیدگی میکرد و سعی داشت با تراضی طرفین یعنی مردم و سازمان اوقاف این زمینها به مردم فروخته شود این راه حل مناسبی بود چرا که هم اوقاف متضرر نمیشد و هم اینکه مردم با تنظیم سند زمینها را میخریدند و خیالشان آسوده میگشت.^۱ در بعضی موارد هم اشکالاتی بوجود می آمد مثلاً قیمت زمینها بیش از ارزش واقعی به مردم فروخته میشد که در این موارد دارایی از تنظیم سند خودداری کرده و مردم بابت تکلیف میماندند که این مشکل هم با رایزنی ها و تصمیمات اتخاذ شده برای رضایت همه طرفهای ذی نفع به انجام میرسید.^۲ این کمیته ها به همه گزارشات و شکایتهای واصله که معمولاً بین ۴ تا ۵ شکایت بود رسیدگی میکرد شکایت مربوط به اعزام متقاضیات حج و حل کردن این موضوعات نیز وظیفه این کمیته بود.^۳

۲- متولیان ذی نفوذ

یکی از مشکلاتی که اوقاف با آن روبرو بود متولیان متنفذی بود که اوقاف نمیتوانست به راحتی با آنها روبرو شود و از تخلیفات آن جلوگیری و یا بدون دردسر آنها را خلع کند آنها بدلیل نفوذ محلی و آشنایی بیشتر با امور میتوانستند از دستورات سرپیچی کنند و برای سازمان اوقاف مشکل آفرینی کنند آنها با تحویل ندادن وجه اقساط و یا قبوض مربوطه به سازمان و یا تاثیر و نفوذ در بین مستاجران کار خود را پیش ببرند حتی جلوی تشریفات را گرفته و به نتیجه آن اعتراض کنند حتی در یک مورد نفوذ محلی متصدیان موقوفه ای برنده مزایده را به عقب نشینی واداشته و مورد اجاره را از او گرفته اند. و یا اینکه برای مستاجران مزاحمت ایجاد میکردند و اجاره ها را گرفته و به اوقاف تحویل ندهند و دوباره از مستاجران درخواست اجاره کنند.^۴ و یا کسان دیگری که به دلیل موقعیت شغلی

۱. سند ۱۲۸۴۹_ ۲۹۳ ص ۲۹۲

۲. همان، ص ۲۹۴

۳. همان سند، ص ۲۹۷ و ۲۹۸

۴. سند ۳۲۷۶_ ۲۵۰ ص ۲۱

دارای نفوذ بودند و رقبات موقوفات را به کسانی که خودشان صلاح میدانستند میسپردند که بعدها باعث شکایت متولیان و ورثه میشد.^۱ و اختلافات بعدی که میان متولی و مستاجران و نیز عدم اتحاد و مخالفت مردم با یکدیگر در قریه ها مشکلاتی بود که بر اثر سوء مدیریت در زمینهای موقوفه ایجاد میشد مثلاً مردم بر سر تعیین کدخدای و یا معتمدین محلی با یکدیگر اختلاف پیدا کرده و با یکدیگر کنار نمی آمدند و یا در گرفتن اجاره با مشکلات و اختلافات بسیار روبرو بودند.^۲ حتی این متنفذین محلی که نه متولی بوده و نه متصدی اوقاف تنها به دلیل نفوذی که داشتند درصدد برمی آمدند که زمینهای موقوفه ای را که متولی مشخص داشته و حتی اوقاف نیز تحت نظارت داشته را تصاحب کنند به نظر میرسد بی قانونی و قدرت افراطی متنفذ همچنان از میان نرفته و کسانی با استفاده از وضع نابسامان تشکیلات اداری آن زمان میتوانستن اموال موقوفه را غصب کنند در هر حال شکایت متولیان و مطلعین در میان بوده ولی چه بسا آنها در مواردی زیادی موفق بوده اند.^۳ متولیان گاهی حقوق موقوف علیهم را نمیدادند و نه نارضایتی مستاجرین و موقوف علیهم را در پی داشته آنها میگفتند که متولی حقوق موقوف علیهم را نداده و حیف و میل میکند اولین راه کار اوقاف هم این بود که به زارعین زمینها و مستاجرین رقبات تذکر میداد که اجاره را به اوقاف بپردازند و نه به متولی^۴ و حتی سازمان اوقاف در تلاش بود که موقوفه بودن املاکی را در مقابل بعضی از آنها ثابت کند و در آخر هم باید رضایت آنها را کسب کند و به گونه ای کنار آید.^۵

۱. سند ۱۳۰۱۳_۲۹۳ ص ۵۱۲۸

۲. همان سند، ص ۵۱۳۳

۳. سند ۳۳۷۵_۲۹۳ ص ۵۱۶۲

۴. سند ۶۰۸۹۹_۲۹۳ ص ۵۲۵۱ تا ۵۲۴۸

۵. سند ۲۸۸۰_۲۵۰ ص ۷۲ تا ۷۳

۳- تخلفات و خیانت‌های افراد متنفذ

گزارشات تخلف از قوانین اوقاف در اسناد ساواک هم ثبت شده است معمولاً این خیانت‌ها بوسیله افراد ذی نفوذ مخصوصاً نظامیان صورت می‌گرفته این اشخاص بدون اینکه ملزم باشند طبق قوانین و با طی کردن مراحل قانونی به اقدامی دست بزنند معمولاً با قلدری و اتکا به موقعیت شان به راحتی قوانین را زیر پا می‌گذاشتند. در موردی در سال ۴۸ تیمسار خسروانی زمینی را به مساحت ۸۰۰ متر مربع از موقوفه اجاره می‌کند به بهانه اینکه قصد ساخت باشگاه تاج را دارد و مستاجر قبلی این زمین را اخراج می‌کند تیمسار خسروانی برای ساخت تاسیسات تربیت بدنی به اداره اوقاف به طور رسمی متعهد می‌شود اما بعد از چند ماه این زمین را به شخصی به نام مومنی اجاره می‌دهد و در بازدید نماینده اوقاف کرج مشخص می‌شود به جای باشگاه تاج در زمین گوجه و بادمجان رویده است. عصار خود شخصا وارد ماجرا می‌شود و از تیمسار تقاضا می‌کند که زمین وقفی باید به صورت باشگاه درآمد در غیر این صورت سند فسخ می‌شود.^۱ سند مذکور نیز بعد از مدت‌های مدید بین تیمسار خسروانی و اداره اوقاف منعقد می‌شود^۲ آن‌هم به علت جلوگیری از مسئولیت‌های آینده و بازرسان دولت این کار با تاخیر به انجام می‌رسد به نظر می‌رسد مسئولان اوقاف بیشتر در سطح بالا کمتر از زیردستی‌ها پایبند به قوانین و مقررات بوده‌اند و حیف و میل زمین‌ها و املاک موقوفه هیچ گاه در نظر آنها آنقدر مهم نبوده که به راحتی بدون تحقیقات لازم از اجاره و یا فروش آنها جلوگیری کنند در ارتباط با بررسی شخصی خسروانی توسط ساواک در تماس تلفنی اظهار می‌کند که این زمین را خود اعلیحضرت به او داده است برای بنای تاسیسات ورزشی، و در مورد دیگری نیز می‌گوید اوقاف به زمین‌های دروس چه کار دارد طبق گفته‌های وی اوقاف زمین‌های موقوفه را به تناسب نفوذ و جایگاه متنفذین به آنها داده و حالا چرا دست از سر او برنمی‌دارند و می‌گوید به عصار بگویید از این پدرسوخته بازپا دست بردارد. علت

۱. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، رجال عصر پهلوی (پرویز خسروانی) تهران، اسناد تاریخی وزارت

اطلاعات، ۱۳۸۹، ص ۱۹۶.

۲. همان، ص ۳۰۲.

عصبانی شدن خسروانی از پی گیریهای عصار برای برگرداندن زمینها در گزارشهای دیگری از ساواک کمی روشن میشود. در گزارش سال ۵۰ اوقاف گفته شده است که خسروانی با کمک عصار زمینی به مساحت ۲۷ هزار متر مربع را تصرف نموده است.^۱ شاید بتوان گفت که عصار خود در همه این دست اندازیه‌ها مستقیماً دخالت داشته اما در مورد زمینهای مورد نظر خسروانی کار به جاهای باریک کشیده شده و عصار میخواست با پیگیری در برگرداندن این زمینها خود را از همدستی و دخالت در اینگونه تعدیات و خیانتها مبرا کند. چرا که پرونده های خیانت او در زمینهای اوقاف در دست ساواک بوده است و گزارشهای آن نیز موجود میباشد.

تخلفات او در جند مورد آمده است: تقسیم بخش قابل ملاحظه ای از زمینهای اوقاف به قیمت ناچیز به اقوام و اشنایان و تبدیل به احسن نمودن این اراضی به نفع آنان جهت بهره برداری شخصی و واگذاری و در محدوده قراردادادن اراضی غرب تهران به مهندس فرمانفرمایان که دایی وی بوده جهت قرار گرفتن در نقشه جامع تهران و اخذ یک باب منزل مسکونی و...^۲ از این گونه زد و بند ها در زمینها و املاک در دوره های بعدی نشان بسیاری بر جا مانده.^۳

• نقش روحانیون در امور مذهبی

دولت بصورت هوشمندانه امور مذهبی را که به تبع به روحانیون ارتباط داشت را تحت اختیار و نظارت قرار داد. نظارت بر اماکن مقدسه و تحت کنترل در آوردن آن توسط سازمان اوقاف و نیز مراقبت از چگونگی ترویج دین توسط روحانیون یکی از این راهکارها بود. تغییر کارکرد وقف و تحت نظارت قرار گرفتن اوقاف توسط دولت بدیهی است که از نقش سنتی روحانیون در اداره اوقاف هم به شدت کاست و روحانیون کارشان را در ترویج معارف دینی در قالب وظایفی که دولت از آنها خواسته بود انجام میدادند. حتی مروجین مذهبی گاهی به ماموریت هایی فرستاده

۱. همان، ص ۳۳۷

۲. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، رجال پهلوی به روایت اسناد ساواک عبدالله ریاضی، اسناد وزارت

اطلاعات، تهران، ۱۳۸۴، ص ۲۵۸

۳. سند ۱۳۰۱۳-۲۹۳

میشدند تا نتایج ثمرات و فواید انقلاب شاه و ملت را به گوش مردم برسانند. گرچه این نوع روحانیون که بعنوان مروجین مذهبی .. که تحت اداره دولت قرار داشتند در ذهن مردم با بقیه روحانیونی که با حکومت هیچ گونه ارتباطی برقرار نمیکردند متمایز شناخته میشدند مروجین مذهبی تحت نظارت و نیز تحت حمایت مستقیم دولت بوده و به ادای وظیفه میپرداختند چرا که وزارت کشور از فرماندارها میخواست که مراقب شان و حیثیت این روحانیون باشد تا سخنان آنها نزد مردم و جاهت لازم را بیابد.^۱ به جز وعظ و خطابه آنها دست به اقدامات عمرانی نیز میزدند اما همان طور که گفته شد بدگویی و اتهام زنی علیه آنان نیز در محل های ماموریت گاه آنها را آزار میداد و مجبور شان میکرد که اوقاف را به حمایت و پشتیبانی از خودشان بخوانند.^۲ سازمان اوقاف هماهنگ کننده و برگزار کننده جلساتی بود که دولت به کمک روحانیون نیاز داشت مثل جلسه بررسی مرامنامه حزب رستاخیز در مسجد اعظم.^۳

در دوره نخست وزیری هویدا اداره اوقاف هم گاه به روحانیون مبالغی میپرداخت ولی بر خلاف گمان رایج این اداره هرگز مجرای اصلی پرداخت پول به روحانیون نبود. به گفته عصار اوقاف اغلب پولی در بساط نداشت به علاوه اگر هم حقو حسابی به روحانیون پرداخت میشود اغلب به جیب طرفداران جدی آیت الله خمینی نمیرفت چون هیچ کدام از این نوع آخوندها حاضر به قبول پول دولت نبود به گفته او روحانیونی که پول میگرفتند اغلب از نفوذ چندانی برخوردار نبودند اگر هم پرداخت مبلغی برای پرداخت به روحانیون ضرورت پیدا میکرد دولت بودجه مخصوصی برای این کار میگذاشت مثلاً در اواخر ده چهل مقارن زمانی که کردهای عراق به مبارزه گسترده ای علیه دولت آن کشور دست زدند دولت ایران هم برای جلوگیری از بروز اغتشاش در میان کردهای ایرانی تصمیم گرفت سالی یک میلیون

۱. سند ۳۵۸۸۳_۲۹۳ و ۳۵۸۸۵_۲۹۳

۲. سند ۳۲۲۷۱_۲۹۳ ص ۵۱۵۵

۳. سند ۲۳۵۷۹_۲۹۳ ص ۵۱۵۲

تومان به روحانیون کرد بپردازد بودجه این کار را دولت تامین میکرد ولی پول از طریق اداره اوقاف بخش میشد.^۱

• روسای مختلف از سال ۵۷ تا ۴۳

از سال ۴۳ اوقاف چندین رییس را به خود دیده است که مهمترین آنها اولین روسای آن هم بوده اند نصیر عصار فرزند روحانی معروف تهران محمدکاظم عصار و منوچهر آزمون دو رییس معروف اوقاف بوده اند بعد از آنها احمدی نیز چندی در این پست عهده دار وظایف سازمان اوقاف بوده است.

• نصیر عصار

نصیر عصار متولد ۱۳۰۵ تهران بود تحصیلات خود را تالیسانس حقوق ادامه داد سمتهایی منجمله مدیریت اداره گذرنامه رایزن نمایندگی دائمی ایران در سازمان ملل متحد رییس اوقافمعاون سیاسی وزارت خارجه و... بود نصیر عصار دیپلمات دوست نوجوانی هویدا و فرزند سیدکاظم عصار مدرس و فقیه مشهور از پیش در اداره اوقاف از دریای بیکران درآمدهای حاصل از موقوفات راهی به دفتر مخصوص گشوده بود. این قهرمان رقص و متخصص گرم کردن محافل شبانه بزودی خود را از هم صحبتی موقوفه داران و متولیان موقوفات و آخوندهای اوقافی نجات داد.^۲

نصیر عصار از اعضای تشکیلات فراماسونری و عضو ژاندارک بود که در هنگام تصدی ریاست اوقاف برخی از زمینهای وقفی را جهت احداث ساختمانهای تشکیلات فراماسونری به رهبران آنها با قیمت نازل واگذار کرده است یک نمونه آن مربوط میشود به زمینی به مساحت ۱۵۰۰۰ متر مربع از زمینهای اداره اوقاف در نزدیکی میدان شهید به مبلغ ۶۰۰ هزار تومان از قرار متری ۴۰ تومان خریداری گردید است در بین اعضای فراماسونری شایع است که که بهای زمین فوق را

۱. میلانی، عباسغ معمای هویدا، تهران، آتیه، ۱۳۸۰، ص ۲۴۵

۲. بهنود، مسعود؛ از سیدضیا تا بختیار، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹، ص ۵۷۹

شاهنشاه آریامهر مرحمت فرموده و آقایان نخست وزیر و مهندس شریف امامی اقدامات لازم را در جهت خرید زمین از آقای عصار معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اوقاف به عمل آورده اند. علاوه بر آن عصار برادر همان خواننده ای است که در زمان شاه به شوشا معروف بود و نقل مجالس آن دوره بود که ترقی و پیشرفت عصار بخاطر سفارشهای مکرر خواهر خواننده اش بود.^۱

در گزارشات محرمانه ای که ساواک به "پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر" میدهد حدود تاسف گزارشگر را از نوع برخورد با اوقاف و گماردن افراد نالایقی که هیچ سختی با این سازمان دینی ندارند در این گزارش به خوبی مشهود است در این گزارش بعد از اینکه شاهنشاه را حامی دین مبین اسلام و پیرو مذهب جعفری و مورد تکریم روحانیت دانسته آورده است:

«...مهمتر از همه اینها امیرعباس هویدا که دشمن دین و دزد و خائن به اسلام است موقوفات اسلامی را به پسر سیدمحمود کاظم عصار که پدرش از خانه او را بیرونش کرده بود و دخترهایش به اعمال خلاف شرع معروف هستند محول شد و چهارصد و پانصد میلیون تومان موقوفات این مملکت با دست هویدا و عصار به جیب بهایی ها ریخته شده و یا پرونده هایی هم در دادگستری درست شد که به دستور هویدا متوقف کردند بعد از عصار یکی از پادوهای هویدا برادرزاده منفور نبی زاده نبوی نوری با شهرت طبوری که مطرود خانواده روحانیت شده بود و سالها با کمونیستها همکاری داشت و صدها نفر از مردم این مملکت شاهد ضدوطنی و ضداسلامی این پادوچی ها و خلافکارها بوده اند و در ظرف چندسال میلیونها تومان ثروت بدست آورده است.»^۲ گرچه این گفته همه از گزارشات ساواک بازگفته میشود اما سندی در این مورد پیدا نکرده ایم. در هر حال در دوران اولیه کار سازمان اوقاف این سازمان توانسته بود به بسیاری از اهداف خود برسد. اگر چنان چه به گزارشات ساواک اعتماد کنیم که این پدر فقیه و این پسر خائن با یکدیگر خصومت و دشمنی پیدا کرده اند نمیتوانیم چاپ مقالات متعدد پدر در صدر نشریه سازمانی

۱. دلد، اسکندر؛ خاطرات هویدا، تهران، گلفام، ۱۳۸۱، ص ۱۰۲-۱۰۵.

۲. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، هویدا، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، جلد دوم، ۱۳۸۲،

که فرزند برعهده دارد را توجیه کنیم. طی سالهایی که این نشریه زیر نظر مستقیم نصیر عصار چاپ میشود سیدکاظم عصار روحانی و فقیه مشهور نیز مقالات خود را هر ماهه منتشر میکند.^۱

• منوچهر آزمون

آزمون در سال ۱۳۰۹ در تهران متولد شد وی تحصیلات عالیه خود را در آلمان در رشته اقتصاد و علوم اجتماعی تا درجه دکترا به پایان رسانید در طی تحصیلات ایرج اسکندری حامی وی بوده است گرچه بعدها معلوم میشود که او مامور سازمان امنیت در آلمان غربی بوده است آزمون بعد از مراجعت به ایران در نخست وزیری خدمت کرد در سال ۴۶ معاون تلویزیون ملی شد آزمون در سالهای نخست وزیری هویدانقشهای مختلفی را به عهده داشت از جمله معاون نهست وزیری و رئیس سازمان اوقاف را در سال ۵۰/۹/۴ معاون وزارت کشور در امور انجمن اصناف، وزیر کار و امور اجتماعی، معاون نخست وزیری و ریاست سازمان اوقاف را در سال ۵۰/۶/۲۳ به عهده گرفت در گزارشات ساواک در مورد آزمون آمده است: پدر منوچهر آزمون شغل انبارداری وزارت دارایی را داشت و در خانه سه اطاقی زندگی میکردند و اکنون آزمون میلیونها تومان ثروت دارد و فقط یک میلیون تومان پول آگهی برای انتخاباتش داده است تا پس از وکیل شدن از تهران به جوانهای این مملکت این درس بدهد که راه ترقی این است که نخست توده ای شوند و به مقدسات مملکت تعرض و وقاحت و فحاشی کنند و پس از آن به مقام و منصب برسند در این گزارش به رئیس بعدی حسین احمدی نیز پرداخته شده و توصیفاتی نیز مشابه توصیفات قبل از این رئیس سازمان اوقاف شده است و او را مثل دو رئیس قبلی ضد مذهب و چپاولگر و مثل اغلب نزدیکان هویدا بهایی معرفی میکند و ابراز میدارد که جامعه روحانیت از هویدا و نزدیکانش بیزار است پس باید تا دیر نشده فکری کرد آزمون در انتخابات رستاخیز توانست با ترفندهایی بیشترین رای را در تهران بدست آورد و در سال ۵۴ وکیل اول تهران معرفی شد. در نخست وزیری

۱. نشریه معارف اسلامی، شماره های سالهای ۴۵ به بعد.

آموزگار به استانداری فارس منصوب شد و در دولت شریف امامی حزب رستاخیز را یک حزب در میان احزاب دیگر معرفی کرد و سپس در آبان ۱۳۵۷ از کابینه استعفا داد و اعلام کرد که حزب اتحاد خلق ایران را تشکیل میدهد آزمون در دوره نخست وزیری ارتشبد از هاری زندانی و پس از انقلاب اعدام شد.^۱

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل سوم

زمین های موقوفه

• زمین مهمترین موقوفه

در تمام سالهای حکومت پهلوی زمین مهمترین موقوفه بوده است با توجه به ماهیت زراعی و اقتصاد کشاورزی این دوران این امر مسلم بوده است. زمینهای وقفی در این دوره به دو دسته وقف عام و وقف خاص تقسیم میشدند. وقف خاص همان مالکیت اربابی بود. در واقع شخص مالک زمین خود را بیشتر با نیت شخصی و برای جلوگیری از تعرض و غصب هیئت حاکمه و یا مالکان مختلف و قدرتمند وقف میکرد و معمولا این موقوفات برای فرزندان شخص واقف برای همیشه باقی می ماند. در چنین صورتی خود واقف متولی آن نیز شناخته میشد و بعد از او تولیت به یکی از اعضا که معمولا یکی از اعضا ذکور خانواده بود، میرسید. آنچه ما بیشتر در این نوشته به آن میپردازیم همان وقف عام است. در این نوع وقف، واقف نیت خیرخواهانه و عام المنفعه دارد؛ مثلا وقف برای اطعام مساکین و یا تامین هزینه درس و زندگی طلاب و ساختمان اماکن مذهبی برای ترویج دین. که معمولا این نوع وقف تحت نظارت اداره اوقاف است یعنی متولی آن اداره یا سازمان دولتی اوقاف میباشد. اماکن مقدس مومسسات مذهبی و ائمه جمعه در حدود ۶۰۰۰ عروستای وقفی یعنی ۱۲ درصد روستاهای ایران را در اختیار داشتند. به طور مثال آستان قدس رضوی به تنهایی در حدود ۴۰۰ روستا داشت. تقریبا تمام روستاهای ایران روابط ارباب و رعیتی وجود داشت یعنی هر دهقان قطعه زمینی کوچک در دست داشت که به آن نسق میگفتند. این زمین توسط زارع اداره شده و وی سهمی از آن را برای خودش برمیداشت و سهمی هم به ارباب میداد.^۱

• املاک پهلوی، تغییرات و تقسیم زمین ها

طبق فرمان ۷ بهمن ۱۳۲۹ املاک پهلوی که شامل ۸۳۳ مزرعه و ۲۸۵ هزار هکتار بود، به اقساط طولانی مدت به زارعین

و ساکنین املاک واگذار شد. به موجب این فرمان کلیه اموال و املاک و رقبات منقول و غیر منقول برای همیشه به عنوان موقوفات خاندان پهلوی وقف ملت ایران شد و امیراسدالله علم مدیر عامل جدید بنیاد پهلوی متن فرمان را در اختیار روزنامه نگاران گذاشت.^۱ در واقع این املاک همان زمینهایی بود که رضاشاه به زور از مردم بیچاره غصب کرده بود. روزنامه "مرد امروز" دارایی رضاشاه را هفت میلیارد تومان نوشته بود. املاک پهلوی تا سال ۱۳۲۸ حدود دوازده میلیون تومان درآمد داشت. بعد از اینکه محمدرضا شاه درصدد برآمد که زمینها را به کشاورزان واگذار کند بسیاری از مردم با در دست داشتن اسنادی به مراجع قضایی مراجعه کردند و خواستار مسترد کردن اموالشان که غصب شده و یا خریداری کرده بودند، شدند. کسانی که دارای سند معتبر بودند دارایی شان بازگردانده شد ولی زمینهای بایر و موات و جنگلهای ویران و هنجنین جنگلهای آباد به مالکیت بنیاد پهلوی ماند.^۲

برای صرف این درآمدها و به جریان انداختن پولهای حاصل از فروش زمینها به زارعین در سال ۱۳۳۰ بنیاد پهلوی تشکیل شد که قبلا اداره مستقلات املاک اختصاصی نام داشت، این بنیاد با دارا بودن تاسیسات چندی در داخل و خارج کشور به یک موسسه معتبر بین المللی تبدیل شد. از درآمد فروش املاک پهلوی تا سال ۴۰ بنیاد ۱/۲ میلیارد ریال پول گرفت. در سال ۴۰ نیز محمدرضا شاه به موجب فرمانی با قیمانده املاک ششدانگ مزروعی خود را که بالغ بر ۵۸۹ قریه و مزرعه میشد به بنیاد پهلوی سپرد.

این بنیاد اگرچه با نیت خیرخواهانه محمدرضاشاه تاسیس شد اما زمینه ای بسیار مناسبی بود تا خاندان پهلوی آن را به شرکتی تجاری که تنها به منافع مالی خود

۱. الموتی، مصطفی؛ ایران در عصر پهلوی (آریامهر در اوج قدرت)، برلین، ۱۹۹۰، بی نا، ص ۹.

۲. خاطرات پیرنیا، پیشین، ص ۲۸۵

فکر میکند تبدیل شود. کارکرد این نوع بنیادها در ایران شبیه به بنیادهای خیریه غربی است که دو سیاست را دنبال میکند: یک تعدیل ثروت در جامعه و بهبود وضعیت افراد مستمند و تحقق عدالت، دیگری نفوذ در بازار سیاست و فرهنگ کشور و کشورهای دیگر. "رابرت گراهام" در کتاب خود سراب قدرت مینویسد: «بنیاد پهلوی به طور رسمی یک سازمان خیریه بود ولی عملاً از سه طریق برای کمک به رژیم مورد استفاده قرار میگرفت یکی برای مستمریها دیگری به وسیله کنترل از طریق سرمایه گذاری در بخشهای معینی از اقتصاد کشور و سومی یک منبع سرمایه ای برای شرکتها وابسته به شاه»^۱

آنچه در این بنیاد اتفاق افتاد معاملات پهلوی ها با شرکتها نفتی و دیگر شرکتها در کشورهای مختلف بود در ابتدا امر برای اینکه این موسسه در مسیر اهداف خیریه قرار بگیرد با وجوه حاصله بانک عمران تاسیس شد تا به روستاییانی که صاحب زمین شده اند وام و سایر کمکهای لازم را بدهد و شرکتها تعاونی و تاسیساتی در راستای خدمت به زارعین و کشاورزی ایجاد شود اما بعدها این اهداف به فراموشی سپرده میشود و یا حداقل در حاشیه قرار میگیرد و سودهای سرشار حاصل شده صرف امور دیگری شد و تا حدود زیادی از مسیر اولیه خود دور میشود بطوریکه در لیست پرداختهای این بنیاد تنها اسامی افراد خاندان پهلوی ثبت شده است.^۲

گرچه طبع و نشر کتاب و نشریات مذهبی و ساختن منازل مسکونی و نیز ساخت بیمارستان و دبیرستان و نیز اعطای بورس های تحصیلی به دانش آموزان مستعد از کارهای این بنیاد بوده است.^۳ بنیاد از طرف شاه با انتخاب یک مدیرعامل و یک شورا اداره میشد و کمیسیون مرکب از نخست وزیر روسای مجلسین رئیس دیوانعالی کشور چهار شخصیت مهم مملکتی در کارهای بنیاد نظارت دارند.^۴

۱. آریامهر در اوج قدرت، پیشین، ص ۱۲

۲. همان، ص ۱۵.

۳. کارنامه اوقاف، پیشین، ص ۵۶.

۴. آریامهر در اوج قدرت، پیشین، ص ۲۹.

• زمینهای وقفی و اصلاحات ارضی

بموجب قانون اصلاحات ارضی املاک مزروعی موقوفات خاصه بایستی به زارعین صاحب نسق آن فروخته شود و از محل در آمد فروش، موقوفه دیگری تدارک گردد در اوایل دهه چهل مقارن با انقلاب شاه و ملت و اصلاحات ارضی این زمینهای موقوفه بین کشاورزان تقسیم شد و به هر کدام از زارعین صاحب نسق زمینی که بر روی آن کار میکرد بصورت اقساط فروخته شد.

یعنی مسئله وقف بودن این زمینها در نظر گرفته نشد به جز اینکه با بیرون رفتن دهقانان از یوغ اربابان آنها بار در بند شرکتهای تعاونی و بانکهایی شدند که به کشاورزان وام میداد تا بتوانند زمینهای مورد نظر را بخرند. این بانکها از جمله بانک عمران که بلافاصله بعد از فرمان فروش زمینهای بایر بصورت ۹۹ ساله تاسیس شد، درآمد سرشاری یافتند و کشاورزان جرات نپرداختن اقساط را هم نداشتند.^۱

از بررسی اسناد موجود پی میبریم که کشاورزان بی دفاع و عموماً فقیر قریه ها و آبادی های کشور همچنان گرفتار متولیانی هستند که اجاره بهایشان را میخواهند و یا در نامه نگاری به سازمان اصلاحات ارضی درخواست تخفیف در اجاره بهای مقرر را دارند. این تخفیف در اجاره بها بعد از بررسی های دقیق که توسط ماموران اعزامی سازمان اوقاف میشد به تایید میرسید. البته اگر علتها موجه و برای سازمان اوقاف مسلم بودند مثل کاهش نزولات و در نتیجه کاهش درآمد خرابی های ناشی از سیل و موارد این چنینی این تخفیفات صورت میگرفت.^۲ و یا اما مواردی هم پیش می آمد که برابر مقرراتی این تخفیف قابل تایید نبود مثلاً درآمد قریه موقوفه متصرفی که براساس مقطوعه تنظیم شده و بعد از پرداخت سهم موقوف علیهم دیگر نمیتوان در بهای دریافتی تجدید نظر شود.^۳

این مشکل همیشگی کشاورزان بود آنها مال الاجاره شان معوق مانده و طبق جدول سند شماره ۹۱۶ نیمه از کشاورزان دهکار سازمان اصلاحات ارضی و

۱. پیرنیا، پیشین، ص ۲۸۵.

۲. سند ۵۴۲۴-۲۵۰ ص ۶۹۵

۳. سند ۵۴۲۴-۲۵۰ ص ۶۹۶.

شرکتهای تعاونی هستند.^۱ کشاورزان هر سال تنها میتوانند بدهی های سالهای گذشته خود را تسویه کنند درواقع میتوان گفت کشاورزان همیشه بدهکار بودند.^۲ زمینهای موقوفه در بسیاری از شهرها نسبت بسیار وسیعی از زمینهای موجود را تشکیل میداد این زمینها را برای درآمد زا کردن و برای بهره وری از آنها معمولاً به مزایده گذاشته و فروخته میشد. آگاهی های مزایده فروش زمینهای موقوفه در این سالها بسیار به چشم میخورد این کار راهی برای تبدیل به احسن کردن این زمینها بود معمولاً زمینها و رقباتی که درآمد آنها کمتر از ۳۰۰۰۰ ریال بود به مزایده احتیاجی نداشته و بدون مزایده به فروش گذاشته میشد.^۳ اصل مشکل اینجا بود که زمینهایی با این وسعت را تنها طبقه ثروتمند میتوانست در مزایده که شرایط مناسبی برای خرید بود به دست آورند. این زمینها بعداً به قطعات کوچکی تبدیل میشد و به کشاورزان و کسبه اجاره داده میشد و دوباره نظام ارباب و رعیتی به شکل تخفیف یافته در این نوع معاملات صورت میگرفت.^۴ گاهی هم مردم گرفتار قلدری متولیان متنفذ میشدند این متولیان با زرنگی کار خود را پیش میبردند. از یک سو در گرفتن اجاره جفاهای زیادی میکردند و از طرف دیگر کسانی که از درآمد موقوفه سهمی داشتند از خیانت آنها در امان نبودند. معمولاً این متولیان با پی گیری های مستمر و ترفندهایی در عین اینکه شاکیان زیادی نیز داشتند اوقاف را هم با خود همراه میکردند.^۵

در همان ابتدای دهه چهل دولت عزم خود را برای شناسایی و تصرف این زمینها میگذارد گزارشهای متعدد سازمان کل اوقاف به ادارات تحت تابعیت اش مبنی بر شناسایی زمینها و زارعین این اقدامات را نشان میدهد در پی آن نسبت به شناسایی زارعین نیز اقدام شده است.^۶

۱. همان، طبق جدول ص ۶۹۱.

۲. سند، ۵۴۲۴-۲۵۰، ص ۶۹۱.

۳. مجموعه قوانین ۴۵-۴۷ ص ۲/۴۰۷۵.

۴. همان سند، ص ۲۹۴.

۵. سند ۶۰۸۹۹-۲۹۳ ص ۵۲۶۵ تا ۵۲۴۸.

۶. سند ۵۰۵۴۳-۲۹۳ ص ۳۵۸.

• زمینهای مسترد شده به مردم

بعد از اینکه محمدرضا شاه تصمیم گرفت زمینهایی را که در اختیار دولت قرار داده تا صرف امور خیریه شود به دلیل

اینکه به نتیجه ای که در نظر داشت نرسید زمینها را از دولت پس گرفت و طبق دستور ۷ بهمن سال ۱۳۲۹ آن را بین مردم تقسیم کرد که از آن به عنوان اصلاحات ارضی یاد میشود. سس همان موقع بسیاری از صاحبان املاک با درد ست داشتن اسنادی به مراجع مربوطه خواستار پس گرفتن زمینهای غصب شده بودند بسیاری از این زمینها به صاحبان اصلی بازگردانده شد. اما زمینهایی نیز بودند که متعلق به اوقاف بوده و متولی آن نیز معلوم بود در سالهای ۴۲ به بعد که در پی اصلاحات ارضی زمینها به مردم واگذار میشد و همان سالها نیز سازمان اوقاف از وزارت فرهنگ جدا شده و اولین برنامه اش شناسایی املاک و موقوفات بود با مراجعه به اسناد مربوطه معلوم شد که بسیاری از متعلقات موقوفه به نام رضاخان ثبت شده است. از این رو سازمان اوقاف با مکاتباتی با معاونت قضایی و اداره ثبت اسناد در پی مسترد ساختن زمینها برآمد. این زمینها معمولاً زمینهایی بودند که در شمال کشور در لیست دارایی ها و املاک رضاخان به ثبت رسیده بودند.^۲

بعد از اصلاحات ارضی ، این سازمان هم به دلیل اینکه حیطه وظایفش در حوزه زمینهای وقفی داخل شده است با زارعین و مشکلاتشان درگیر بود. سازمان باید زمینهای موقوفه عام را بین کشاورزان در مرحله دوم تقسیم کند. سرگردانی زارعین و متولیان در این زمان و رسیدگی به آن، بخشی از وظایف سازمان اصلاحات ارضی بود. مواردی مثل تفهیم این موضوع که طبق قانون جدید بهره مالکانه ای وجود ندارد و این بهره مالکانه به مال الاجاره تبدیل شده است و بسیاری از مسائل و قوانین که سردرگمی و گاه نارضایتی مردم را در پی داشت. مثلاً زارعینی که برای حل مشکلاتشان اعم از اینکه در پرداخت مالا جاره دچار

۱. اسناد مجلس شورای اسلامی، ص ۴۷۶ و ۴۷۷.

۲. سند ۴۲۹۶ - ۲۵۰ ص ۹۲۱ و ۹۲۲.

مشکل شده اند.^۱ و یا اینکه برای تعمیر قنات خود بین سازمان و اوقاف و اصلاحات ارضی سرگردان مانده اند؛ مشکلات ناشی از خرابی قنات‌ها بخصوص بعد از رفت و آمدهای بسیار و درخواست فرستادن مامور برای تهیه گزارش وقت و حوصله بسیاری از زارعین میگرفت.

• موسسات و مراکز خیریه وقفی

دردوره های قبل مثلا دوره قاجار مردم خود به رفع نیازهایشان همت می گماشتند، به ویژه اینکه در این دوره در محله های شهری مثل تهران طبقات مختلف درآمدی در کنار یکدیگر می . از این رو از کمبودها و نیازهای محله خود آگاه بودند. در این فرآیند عامل وقف نقش مهمی ایفا میکرد. در دوره پهلوی به مناسبت به وجود آمدن دولتهای مدرن و سازمان یافته و اینکه دولتها در قبال ارائه خدمات عمومی به مردم دارای وظیف شدند کارهای عام المنفعه و خیریه به دست مراکز خیریه در قالب بنیادها و موسسات خیریه افتاد. این مراکز خیریه گاه وقفی و گاه غیر وقفی بودند. مراکز خیریه وقفی غیر دولتی در سالهای ۳۰ تا ۴۰ تاسیس شد که تعدادی را بعنوان نمونه می آوریم:

- مثل بنیاد خیریه هندی های مقیم که در سال ۱۳۳۰ تاسیس شد

- موسسه خیریه لیستر سال تاسیس ۱۳۳۳ که این کارها را انجام میداد:

تاسیس دبستان های مجانی و اداره آنها

بنای دو باب مسجد و اداره آنها

تاسیس پرورشگاه مجانی دانش آموزان و اداره آنها

تاسیس دارالتبلیغ و اداره آنها

- بنیاد البرز تاسیس در سال ۱۳۴۲ که همگی مردم نهاد و بوسیله خیرین تاسیس و اداره میشد.

و مراکزی که دولتی اما غیر وقفی بوده مثل سازمان زنان ایران به ریاست اشرف پهلوی به نیابت از فریده دیبا که در سال ۱۳۴۰ تاسیس شد. و جمعیت خیریه فرح

پهلوی که در سال ۱۳۴۹ تاسیس شد و نگهداری و پرورش نوزادان و کودکان و نوجوانان بی پناه را عهده دار بود.

تا سال ۵۰ علاوه بر موقوفات بنیاد پهلوی که گسترده ترین و وسیعترین بنیاد در طی این سالها بود موسساتی چون، شیر خورشید سرخ، سازمان شاهنشاهی از بنیادهای وقفی دولتی بودند. سایر بنیادهای نیکوکاری حدود ۲۰ باب بیمارستان، ۹۵ باب درمانگاه، ۲۵ باب دبیرستان، ۵۰ دبستان، ۱۰ باب پرورشگاه، ۲۱۲ باب مدارس علمیه، ده هزار مسجد در سراسر کشور کلا یا بعضاً از محل وقف اداره می-شد. مهمترین مراکز خیریه در این سال بنیاد پهلوی بود.

• بنیاد پهلوی

طبق قانون بیستم تیر ۱۳۲۸ املاک رضاشاه به پسرش محمدرضاشاه واگذار شد. او نیز این املاک را به دولت واگذار کرد و در عوض دولت را موظف کرد تا سالیانه مبلغ ۶۰ میلیون ریال به سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بپردازد تا با نظارت دولت به مصرف امور خیریه برسد. اما این املاک آنطور که میبایست سودآور نبود و دولت نتوانسته بود آنها را به نحو مطلوب اداره کند (محمدرضا شاه خود میگوید «در اوایل سلطنت خود به موجب فرمانی تمام املاک مزروعی به خودم را به دولت واگذار کردم بدین منظور که دولت عواید این املاک ه را در راه بهبود وضع کشاورزان آن مصرف کند ولی در عمل دولت عایدان این املاک را فقط صرف پرداخت حقوق کارمندان همان املاک میکرد»^۱

محمدرضا شاه بعد از مدتی طی فرمان ۷ بهمن ۱۳۲۹ از دولت خواست ترتیبی حاصل کند که این زمینها به زارعین به طور ۹۹ ساله واگذار شود تا کشاورزان با تعلق خاطر نسبت به زمین و ملک خود در آبادی آن بکوشند. گرچه این عمل با اختلافاتی که مصدق با شاه داشت در دوره نخست وزیری اش متوقف شد.^۲

۱. انقلاب سفید، کتابخانه سلطنتی تهران، ۱۳۴۹، ص ۲۲.

۲. آریا مهر در اوج قدرت، پیشین، ص ۵.

• کانون متولیان

در سالهای آخر دهه ۴۰ که سازمان اوقاف از وظایف اولیه و نسبتاً سنگین شناسایی رقبات موقوفات تقریباً فراغت یافته است برای حصول درآمد بیشتر از این رقبات تصمیم میگیرد متولیان را به کمک بطلبد نتیجه این تصمیم به نظر میرسد تشکیل کانون متولیان است. متولیان هر حوزه اوقافی برای تشریک مساعی و همفکری با مسئولان اوقافی آن حوزه کانونی تشکیل داده و برای بهبود وضع رقبات و اینکه چگونه میشود از آن درآمدزایی بهتری کرد تصمیم گیری میکردند در واقع بهره وری از موقوفات متعددی که در هر حوزه وجود داشت به عهده متولیان جمع شده در کانون گذاشته شده بود. اساسنامه های مطرح شده در این کانون برای هر تصمیم گیری مثلاً تشکیل سازمان تعاونی مسکن باید مورد تأیید شخص اول سازمان اوقاف یعنی معاون نخست وزیر که سرپرست سازمان اوقاف را هم عهده دار بود واقع میشد.^۱

بهره وری یا استفاده بهتر از رقبات که در اصطلاحات اوقاف از آن به تبدیل به احسن کردن موقوفات نام میبرند از کارهایی بود که متولیان اهتمام به انجامش داشتند که بیشتر در قالب تاسیس شرکتهای تعاونی انجام میگرفت و یا زمینهایی را از وجوهات خریده و به مسکن تبدیل میکردند. این کار بر اساس قانون تبدیل به احسن انجام مییافت که از وجوه حاصله از موقوفات، خرید مال دیگری جهت همان موقوفه را بلا اشکال دانسته بود.^۲

• اوقاف و سازمانهای دیگر

سازمان اوقاف با فرمانداریها و بخشداری و سپس با ژاندارمری بیشترین ارتباط را داشت. اوقاف تحت نظر فرمانداری و با کمک آنها صلاحیت هیئت امنای مساجد و اماکن متبرکه را بررسی و تأیید میکرد شهربانی ها همین وظیفه را گاهی انجام میدادند ژاندارمری یکی از ارکان نظامی بود که اوقاف برای رفع و رجوع کارهای

۱. سند ۹۱۷۶-۳۵۰

۲. همان سند.

خود و نظارت دقیق تر بر کارهای متولیان و زارعین به آن احتیاج داشت. گرفتن مال الاجاره از کشاورزانی که از پرداخت بدهی خود به دلایل گوناگون طفره میرفتند و یا دعوای میان زارعین و مالکان و یا متولیان و مستاجران کار را به شکایت، نزاع و درگیری میکشاند. اوقاف و فرمانداری در درگیری های محلی سعی داشت از پیشروی و شدت آن کاهش دهد و کار در همان محل وقوع درگیری به خاتمه انجامد در این بین کار به شهربانی ها و ژاندامری محول میشد. نفوذ اشخاص رده بالا در ژاندامری گاهی به نفع مردم نبود چون معمولاً افراد نظامی سعی میکردند جانب یک عده را بگیرند تا غائله ختم شود اما مردم ناراضی باقی میماندند. وظیفه نظارت بر برخی امور موقوفات مثلاً برگزاری مراسم قرعه کشی آبهای موقوفه و جلوگیری از تخلف و درگیری رعایا از وظایف بخشداری ها بود.^۱

سازمان دیگری که بیش از سازمانهای دیگر با اوقاف مرتبط بود شهرداری ها بودند. از همکاری و هماهنگی در کارها گرفته تا درگیری و اختلاط در حوزه های یکدیگر زمینه ارتباط این دو سازمان را دربر میگرفت. معمولاً شهرداری ها هزینه کارهای عمرانی را مثل جدول کشی و یا احداث خیابان را از اوقاف طلب میکردند.^۲ و برعکس اوقاف از شهرداری مساجد درخواست نظافتچی میکرد. چراکه درآمد آن تکافوی حقوق مستخدمین مسجد را نمیکرد. در آیین نامه طرز انتخاب هیئت امنا که در سال ۱۳۴۷ در ۱۹ ماده تصویب شد، در محدوده شهرها شهرداری جز هیئت امنا قرار میگرفت اما تمیز و تشخیص این موقوفات موضوعی بود که دو طرف را بعضاً درگیر و شاکی میکرد. معمولاً مالکیت و اجاره باغها، قبرستانها و دیگر مستغلات برای ساخت معابر عمومی و دیگر اعیانی های شهری محل اختلاف بود. تعیین اجاره بها و یا مدت اجاره و بهانه بر سر اینکه اوقاف در کارهای شهرداری و برعکس شهرداری در امور موقوفات کارشکنی میکنند در اسناد موجود است. واگذاری زمین به شهرداری نیز مشروط بود. زمین ها حتماً باید غیر مزروعی بودند و نیز شهرداری میبایست موافقت متولی و شورای عالی اوقاف را کسب میکرد و بعد با هماهنگی

۱. سند ۳۵۵۷۶-۲۹۳ ص ۵۱۷۱ تا ۷۳.

۲. سند ۳۳۷۵۵-۲۹۳ ص ۵۱۶۸.

وزارت کشور و سازمان اوقاف زمین را در اختیار میگرفت.^۱ بسیار اتفاق افتاد که شهرداری ها برای اجاره باغ و یا ملکی با اوقاف اختلاف نظر داشته باشند. گاهی شهرداری میخواست با اجاره ۹۹ ساله یک باغ درصدد توسعه معابر عمومی برآید اما اوقاف با ترفندهایی مانع این کار میشد. به هر حال نظر اوقاف این بود که مثلاً باغی که پر از درختان میوه است را نمیتوان به خیابان تبدیل کرد و اختلافات، کار را به مراجعه به سازمانهای مربوطه میکشاند.^۲ و یا قبرستانهایی که در طرح های شهرداری قرار میگرفت نیز معمولاً مورد اختلاف بود اوقاف طبق موادی میگفت قبرستان طبق خواست واقف برای سازمان اوقاف است و شهرداری به ماده ۵۵ و ۵۶ قانون مدنی استناد میکرد که طبق قانون املاک بدون صاحب به متولی آن که شهرداری ها میباشند متعلق است.^۳ شهرداری ها معمولاً مجبور به پرداخت غرامت میشدند این سازمان به دلیل تصرف زمینها و باغها و تبدیل آن به گردشگاه عمومی و یا معابر باید این غرامت را میپرداختند احتمالاً فرقی هم نمیکرده که در ابتدای کار برای تصرف با اوقاف درگیری و اختلاف داشته اند یا نه.^۴ گاهی موضوع تصرف زمینها شکل خیانت نیز میگرفت در یک مورد "سمیعی" مدیر کل منطقه اوقافی فارس شکایت دارد که آقای شهردار میخواهد زمینهای موقوفه را به نام خودش به ثبت برساند و یا بدون اجازه در این زمینها دخل و تصرف کرده و مثلاً بدون مذاکره با اوقاف اقدام به حفر چاه نموده است گویا شهرداری ها بدلیل تسلط بر زمینها و موقعیت جغرافیایی شان و نفوذ زیادشان به راحتی میتوانند حتی با استناد به مواد قانونی که مصداق آن به راحتی مشخص نیست زمینها را ضبط کنند. باید گفت خلا قانونی و نبود نظارت نیز در این امر موثر بوده است. با نظر وکلای سازمان اوقاف اینکه این مواد قانونی چقدر میتواند به نفع شهرداری ها تمام شود با دادگاه صالحه بود. اما در آخر اوقاف مجبور بود بوسیله اداره فنی به مذاکره با شهرداری و

۱. سند ۳۸۷۲۲-۲۹۳ ص ۵۲۰۱

۲. سند ۲۹۳-۱۹۲۳۴

۳. سند ۲۹۳-۱۹۲۳۷

۴. سند ۴۶۷۱-۲۵۰ ص ۶۷۰

مجاب کردن آن ها اقدام کند.^۱ گاهی هم مجبور میشد به کمک ژاندارمری و فرمانداری و معتمدین محلی نظارت خود را دقیق تر و جدی تر کند تا از تجاوز مردم و سازمانهای دولتی جلوگیری و یا حتی الامکان، آن را کاهش دهد.^۲

ارتباطات و نامه نگاریهای دیگر مختص درخواست ادارات گوناگون از اداره دخانیات گرفته تا شرکت نفت برای در اختیار گرفتن زمینهای موقوفه است برای ساخت منزل مسکونی برای کارمندان. تنوع و تعداد این درخواست به گونه ای است که به نظر میرسد سازمانها در دادن این درخواست ها با یکدیگر رقابت میکنند این زمینها البته با برنامه ریزی قبلی در سالهای رشد دیوان سالاری در کشور صورت گرفته است هیئت حاکمه در پی وسعت و گسترش دستگاه اداری و انقلاب اداری در هر حال باید فکری نیز به حال کارمندان روبه افزایش که درصد بزرگی از جمعیت را دربر گرفته بودند میکرد.

• هزینه بیش از درآمد

در سالهای دهه ۵۰ تصمیم گرفته میشود که بعضی از ادارات اوقاف در بعضی نقاط که به نظر میرسد درآمد کافی ندارند منحل شود این دستور به صورت محرمانه از طرف نخست وزیری و شخص معاون و سرپرست اوقاف یعنی "عصار" به استانداری ها ابلاغ میشود که به دلیل صرفه جویی در هزینه های اداری ۳۲ واحد اوقافی کم درآمد در سراسر کشور منحل شود.^۳ این پیام به صورت محرمانه به دستگاههای مربوط ابلاغ شد. به جز اینکه درآمد کافی و مورد نظر سازمان اوقاف تامین نمیشد. به نظر میرسد از چندی قبل هم این موضوع مورد بحث و انتقاد قرار گرفته بود. در واقع هزینه های سازمان اوقاف در نظارت و مباشرت بسیار بالا بود به گزارش یکی از نمایندگان مجلس اوقاف این سازمان نتوانسته بود از عهده هزینه های خود برآید. هزینه آنچه نگهداری میکرد نصف بهای آن دارایی بود.^۴ یعنی برای نظارت بر

۱. سند ۴۲۶۲-۲۵ ص ۵۱۱، ۴

۲. سند ۲۵-۴۰ ص ۹۲-۹۴

۳. سند ۳۸۹۴ ص ۵۲۱۰

۴. مشروح مذاکرات، دوره ۲۲، جلسه ۱۷۱

مثلاً بیست میلیون ریال رقبات موقوفات، ده میلیون ریال هزینه میکرد. در واقع نصف آنچه وقف میشد برای نگهداری آن مصرف میشد. که این هزینه ها از بودجه عمومی کشور پرداخت میشد. این راندمان کاری بسیاری ضعیف بود به نسبت نتیجه ای که در سالهای اولیه فعالیت مستقل سازمان اوقاف به دست آمده بود. در سالهای اولیه همانطور که گفته شد به طور متوسط درآمدزایی اوقاف بیست تا چهل درصد افزایش یافته بود. قرار بر این بود که به جای ادارات اوقاف در این محلها از نماینده سیار استفاده شود نماینده سیار به سازمان کل اوقاف یک استان معرفی و سپس بر حسب نیاز به بخشهای مختلف یک استان فرستاده میشد. در این سال که وظیفه شناسایی منابع درآمد اوقاف به خوبی مشخص شده بود واحدهای بدون درآمد باید منحل میشد اما باز هم از آن اغفال نشد نمایندگان سیار به این حوزه ها سرکشی میکردند، وظایف این نمایندگان این گونه تعریف شده بود: ' معرفی نماینده سیار اوقاف به فرمانداری و شرح وظایف او: تهیه و جمع آوری آمار و اطلاعات راجع به موقوفات واقع در حوزه نمایندگی، اجرای امور ثبت و اداره موقوفات حوزه نمایندگی.

تهیه موجبات تنظیم بودجه واقع در حوزه نمایندگی، وصول کلیه درآمد ها و پرداخت کلیه هزینه های موقوفات، اداره امور مربوط به اجاره موقوفات در حوزه نمایندگی، تهیه و تنظیم گزارشهای جامع در مورد فعالیت های حوزه نمایندگی اوقافی، تهیه پیشنهادات لازم در مورد تعمیرات رقبات موقوفات و اجرای طرحهای عمرانی رقبات. آیین درحالی است که در گزارش ارسالی از آمار و اطلاعات به اداره کل تحقیق اوقاف هنوز از کمبود نیرو خبر میرسد.

۱. سند ۲۹۳_۳۸۹۴۶

۱. سند ۴۲۹۲_۲۵۰ ص ۴

۲. سند ۵۲۰۸

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل چهارم

حج گزاری و سازمان اوقاف

• حج در دوره پهلوی دوم

از دیرباز سفر به خانه خدا برای ایرانیان فضیلتی بزرگ بوده است. در ایران سالهای پیشین این سفر همچون سفرهای دیگر پرخطر و بدون ایمنی بوده است. راه طولانی و صعب بدون امکانات و تسهیلات سفری حادثه ساز که عموماً احتمال اینکه هیچ بازگشتی در آن نباشد به وجود می آورد اما شوق سفر ایرانیان مشتاق را از سفر باز نمیگذاشت. در دوره قاجار تا دوره ای نه چندان دور و در دوره پهلوی کیفیت و ایمنی راه این سفر تغییر چندانی نکرده بود مردم با مشکلات فراوان بار سفر میبستند و دل در این دریای پرخطر و حادثه میسپردند. نبود امکانات حمل و نقل و تسهیلات بین راه اولین مشکلات سر راه زائران بود. در مقصد و در طول روزهایی که زائران در کشور عربستان برای انجام مناسک حضور داشتند مشکلات و گرفتاری و بیماریهای کشنده روزهایی بهتراز روزهای راه سفر را در پی نداشتند.

• امور حج در وزارت کشور

در سالهای دهه ۲۰ و ۳۰ مردم برای رفتن به حج باید به سفارت کشورهای لبنان، عراق و سوریه مراجعه و ویزا دریافت میکردند تا از آنجا به مکه فرستاده شوند. امر حج در ایران متصدی خاصی نداشت. وزارت کشور متصدی این امر بود و کارمندانی که در دبیرخانه حج و زیارت وزارت کشور مشغول بودند در موسم حج فعال بودند و بعد از اعزام زائران دیگر کاری باقی نمانده بود و کارمندان به سراغ کارهای عادی خود میرفتند و حج و امورات و مشکلات آن هم به دست فراموشی سپرده میشد تا سال بعد موقع ثبت نام و آغاز فصل حج. در واقع کارهایی که انجام میشد در حد

رفع و رجوع کارهای جاری؛ چندان مسئولیتی در خوب برگزار شدن و تامین سلامت حجاج وجود نداشت. در واقع تشکیلاتی قوی برای این امر در دستگاه دولت در نظر گرفته نشده بود، مسئولی که فقط به این امر اختصاص داشته باشد و برنامه ریزی حج سال بعد را انجام دهد وجود نداشت. امر حج شبیه اضافه کاری فصلی برای کارمندان وزارت کشور بود که از ... تا ... ادامه داشت و میرفت تا همین تاریخ در سال بعد. تا سال ۱۳۲۷ امیرالحاجی که به همراه زایران در حجاز حاضر باشد وجود نداشت و وزیر مختاری هم نبود. گاهی یک نفر از سفارت ایران در مصر به همراه وزیرمختار مصر چند روزی را در جده به سر میبرد و گاهی هم همان یک نفر هم نبود.^۱ (صدراالاشراف

• مشکلات و موانع در حج

مردم عموماً در این سفر پر مخاطره تنها بودند آنها خود بار سفر را میبستند و خود را به راهنمایان حج و یا حمله داران میسپردند و راهی میشدند. حمله داران نیز مسئولیت چندانی نداشتند چرا که هیچ نظارتی روی کار آنها نبود. آنها بسیار مختار و آزاد، زایران را در شرایط سخت و صعب به مکه برده و هر چه میخواستند بر سر آنها می آوردند. میتوان گفت زایران بردگانی در دست حمله داران بودند. حمله داران از بسیاری از تعهدات خود شانه خالی میکردند. حتی فراهم کردن چادر در صحرای سوزان منی و عرفات هم که ابتدایی ترین حق زایر بود توسط حمله داران زیر پا گذاشته میشد و حاجیان بیچاره بدون اینکه حق اعتراض و یا گله و شکایت داشته باشند این شرایط بغرنج را تحمل میکردند.^۲ چرا که فریاد رسی نبود و حمله داران مجبور نبودند به کسی و یا نهادی پاسخگو باشند. با اینکه آنها پول زیادی را بعنوان هزینه سفر از زایران میگرفتند اما به انصاف شخصی شان برمیگشت که در آن صحرای بی آب و علف چه رفتاری با زایران داشته باشند.

۱. صدر، محسن؛ خاطرات صدراالاشراف، تهران، وحید، ۱۳۶۴، ص ۴۶۵.

۲. همان، ص ۴۶۷.

امور حج به خوبی به زایران فهمانده نمیشد و هر کسی طبق دانسته های خود و بدتر از آن طبق باورها و اعتقادات خود به این سفر پا میگذاشت بدین ترتیب مشکلات مختلفی بدلیل تفاوت اعتقادی شیعیان و اهل تسنن پیش می آمد که چه بسا عواقب وخیمی نیز در پی داشت. یکی از موارد اختلاف میان شیعه و سنی حلول ماه ذی حجه بود. در اغلب سالها اینطور اتفاق می افتاد که در حجاز روزی را که در ایران و عراق آخر ماه ذی قعدة است اول ذی الحجه اعلان میکنند و اعمال حج را طبق آن بجا می آوردند و در حجاز به حکم قاضی، اول ماه ثابت میشود و ایرانی ها اطمینان به آن نداشتند و مایل بودند اعمال حج را مطابق تقویم ایران و با ثبوت رویت ماه در نزد علمای شیعه به جا بیاورند. زایری که تازه از کنار زمین و آب خود پا به سرزمینی دیگر گذاشته با مشکلات بسیاری مواجه است. توهین ها و آزارها از طرف وهابی های متعصب همیشه درگیری هایی بود که زایران ایرانی با آن مواجه میشدند و راهکاری نیز برای جلوگیری از این مشکلات وجود نداشت. اگرچه روحانیونی که معمولا همراه هیئت اعزامی از طرف دولت به مکه اعزام میشدند این امر را بعهده میگرفتند تا مورد جدی پیش نیاید. ماجرای "ابوطالب یزدی" در این مورد برای همیشه در حافظه تاریخی دشمنی زایران شیعه ایرانی و متعصبین وهابی باقی مانده است. این زایر بیچاره که در سال ۱۳۲۲ به مکه رفته بود در حین طواف حالش به هم میخورد و در این حین چند تن از متعصبین وهابی این منظره را دیده و حاجی بیچاره را به دست پاسبانهای حجاز سپرده بودند آنها نیز به سرعت حکم اعدام را برای ابوطالب یزدی به دلیل آلوده کردن حرم الهی اجرا کردند اقدامات دولت ایران برای رفع این سو تفاهم به جایی نرسید.^۱

بعد از این ماجرا روابط ایران و عربستان تیره میشود و تا چهار سال رفتن به حج ممنوع میشود اما بعد از این، دو دولت ایران و سعودی به دلایلی در صدد از سرگرفتن روابط میشوند؛ دولت ایران برای تقاضای اهالی به انجام امر واجب و دولت سعودی برای منافی که از واردین حج میبرد.^۲

۱. مسعودی، عبدالحسین؛ خاطرات سیاسی و اجتماعی، تهران، علمی، ۱۳۷۴، ص ۴۲۶.

۲. همان، ص ۴۶۸.

ممنوعیت سفر حج تا سال ۱۳۲۷ ادامه داشته است در این سال که نخست وزیر "هژیر" برای بدست آوردن همراهی اهالی شیعه کشور مراتب از سرگیری حج را پی میگیرد. از طرف شاه به ملک سعود پادشاه حجاز نامه ای نوشته شد و هدیه لایقی نیز برای ایجاد حسن روابط برای او فرستاده شد. از طرف دولت و به تشویق علما امیرالحاجی به "محسن صدر" سپرده میشود. وی مشکلاتی را بازگو میکند. در ابتدای امر فراهم کردن ارز برای تامین پولی که دولت سعودی از هر حاجی میگرفت که مقدار آن چهل و یک لیره و نیم بود، یکی از مشکلات بود. دولت هم مدعی بود که بانک ها برای تامین این مقدار پول برای همه حجاج امکان مالی ندارد. پس تنها راهی که میماند بردن پول ایران یعنی قاچاق پول ایران به حجاز بود که منافع آن به جیب صرافهای بغداد و بصره میرسید.

مشکل بعدی مرتب کردن شکل و ظاهر هیئت حجاج ایرانی بود چرا که حفظ ظاهر در حفظ حیثیت دولتها مهم بود. سر و شکل زایران ایرانی معمولاً مناسب نبود آن قسمت از ظاهر و هیئت کاروان حجاج هم که به دولت بسته بود نیز چندان چنگی به دل نمیزد. در سالهای ۱۳۲۷ که دوباره رابطه بین دولت سعودی و ایران از سر گرفته شد برای مرتب کردن ظاهر کاروان ایرانی تمهیداتی در نظر گرفته شد. صدر که امیر الحاج آن سال بود از شاه میخواست که چادر بزرگ و زیبایی تهیه بشود تا زایران ایرانی در منی و عرفات در آن به سر ببرند. بررسی وضعیت مزاجی و سلامت زایران به طور جدی در دستور کار نبود. اتفاقات عدیده و ناگوار بسیاری برای زایران ایرانی پیش می آمد. هوای گرم و داغ عربستان باعث بیماری و حتی مرگ و میر زایران میشد. هر سال آمار این تلفات اگر بیشتر نمیشد متوقف هم نمیشد. پیران سالخوره و زنان باردار مشکلات بسیاری به وجود می آوردند. هیچ مرجعی وجود نداشت تا مسئولیت این اتفاقات را به عهده بگیرد و یا به این اوضاع سامان دهد.

• حج در دست حمله داران

زایران از طرق مختلف به عربستان می آمدند برخی از راه خشکی برخی با هواپیما به وسیله تورهای ایرانی و عده ای نیز با کشتی از بیروت خود را به عربستان

میرساندند. گروه اول که معمولاً از طبقه متوسط و عموم ایرانی بودند خود را به حمله داران سپرده و با مبلغی که بعنوان هزینه سفر و سهم حمله داران و گاراژداران پرداخت میکردند راهی این سفر میشدند گروه دوم نیز به هزینه شخصی و با مسئولیت توره‌های موجود در آن زمان به این سفر می آمدند معمولاً هیئت حاکمه، آیات و شخصیت های رده بالای حکومتی از این طریق به سفر می آمدند. حجاج ایرانی که از طریق خشکی پا به راه میگذاردند تعدادشان از گروههای دیگر بیشتر بود و جمعیت قاطبه زایران را تشکیل میدادند و اگر نظارتی هم بر روی این سفر زیارتی بود روی همین گروه بود. زایران راه خشکی را با اتومبیل های شخصی و اتوبوس هایی که متعلق به حمله داران بود طی میکردند. حمله داران معمولاً گاراژدارانی بودند که تسهیلاتی به جز همین اتوبوس های درب و داغان بدون امکانات و ارتباطاتی که با سرزمین سعودی در حد اجاره کردن جا و تامین مایحتاج اولیه بود، چیز دیگری نداشتند که به آنها این امکان را بدهد که جان این همه زایر را ایمن و بدون خطر کف دست گرفته و به این وادی سوزان بیاورند. با اینکه بین این حمله داران و زایران قراردادهایی مبنی بر تامین جا و مایحتاج ضروری بسته میشد اما معمولاً این گونه بود که وقتی به سرزمین حجاز میرسیدند هیچ تعهد و قراردادی به یادشان نمی آمد و حاجی بیچاره در این دیار غربت با آن گرمای هوا به جز حیرانی و سرگردانی چیز دیگری را از این سفر به خاطر نمی آورد. حمله داران حتی در عرفات و منی برای روزهایی که در آنجا مجبور بودند اقامت کنند برای زایران گاه چادر هم تهیه نمیکردند. بعضی ها برای اقامت در طول سفر هم ساختمان و اتاق تهیه نمیکردند و زایران در تمام طول سفر در بیابانهای اطراف در چادر به سر میردند. مشکلات غیرقابل پیش بینی برای زایران در این سفرها جز لاینفک سفر بود فرورفتن ماشینها در شنهای روان بیابانهای عربستان و نبود آذوقه و وسیله ای برای نجات، این سفر را بسیار پرمخاطره کرده بود غیر از آن این مشکلات موجب تاخیر در ورود زایران و فوت شدن وقت حج میشد که اگر تمهیدات سریع از جانب دولت ایران انجام نمیگرفت چه بسا زایران بدون به جا آوردن مناسک باید به وطن بازمیگشتند. مشکل همیشگی دیگر که گریبانگیر اکثر

زایرانی که معمولاً پیر و فرتوت بودند میشد این بود که معمولاً به علت بدی آب و هوا به بیماریهای مسری و میکروبی مبتلا میشدند. زایران برای رسیدگی به این گونه مشکلات وجوهی به حمله داران طبق قرارداد پرداخت میکردند اما در موقع پیش آمد این گونه مشکلات همگیشان مخفی میشدند و مردم میماندند و سرگردانی، بیماری و بی پولی. در اینگونه موارد مردم به هینتی که از طرف دولت به عربستان می آمدند شکایت میبردند و اعتراضات و سروصداشان دردسرهای جدیدی برای زایران خارجی و مسئولان حکومتی به وجود می آورد. دستگاه عظیم حج در دست اتوبوس دارانی بود که هیچ آگاهی نه از آداب حج و نه هیچ تخصصی در امر کاروان داری داشتند. آنها از مردم بیچاره که معمولاً از کشاورزان ساده دل



بودند سواستفاده میکردند در داخل ایران پولهای آنها را با وعده و وعید میگرفتند و در غربت مردم را رها میکردند.

دستگاه حاکمه یا وزارت کشور که متصدی امر حج بود برای جلوگیری اقدامات چپاولگرانه این شرکتهای حمل مسافر که هیچ پایه و اساسی نداشت ساکت

نشسته و تحقیقی درباره صحت و سقم وعده ها و فریب های آنها نمیکردند؛ به علاوه در موقعی که حمله داران پول های مردم را که در ازاء خدمات از آنها گرفته بود به یغما میبردند دولت هیچ تعهدی را به گردن نمی گرفت تا مشکلات پیش آمده حل شود. به گفته صدر در سال ۲۷ که امیرالحاجی به عهده او گذاشته شده بود و در همان سال حمله داران، پول مردم را برداشته و رفته بودند وی به دولت و دربار تلگراف کرده که «دولت اجازه بدهد من بدهی حجاج را که گارازدارها قبل از حرکت از آنها گرفته اند ضمانت کنم و دولت در مرکز از گارازدارها وصول نماید ولی هرچقدر الحاح کردم و گفتم نصف مردم تلف خواهند شد جز جواب

منفی نشنیدم صدر ادامه میدهد «اینجا خیلی جای تاسف است دولتی که برای عوام فریبی اجازه داده چهارده هزار نفر به حج بروند گذشته از اینکه کمترین اقدامی برای رفاه زایران نکرده و مردم را به دست یک جمع شیاد که شرکتهای دروغی که برای اعزام حجاج تشکیل داده و حالا که در بیابان مکه گرو پرداخت رسوم حج مانده و مشرف به هلاکت هستند اینقدر علاه نشان نمیدهد که خود در مقام وصول طلب مردم از گاراژدارها برآید و به نماینده دولت اجازه ضمانت دهد»^۱. اوضاع سفر حج تا قبل از سال های ابتدایی دهه ۴۰ به همین وخامت بود و حج سفری بود که تنها چیزی که به یاد این زایران بی نوا می آورد گرمای شدید هوا بود و ناخوشی های گاه و ناگاه و بیداد حمله داران. در سال ۴۳ بود که دولت برای رفع این مشکلات تصمیم گرفت راه حلی بیندیشد.

• حج در سالهای دهه ۴۰

گزارشات وحشتناک این سفر بالاخره مسئولان را بیشتر به فکر واداشت. آنها سعی کردند به کار حمله داران نظارت بیشتری اعمال کنند و با گرفتن تعهدات بیشتر و نیز ملزم کردن آنها به سپردن وثیقه از بی قیدی آنها در سفر بکاهند. مشکل دیگری که باید سریعاً برای حل آن چاره ای اندیشیده میشد جلوگیری از ورود زایران سالخورده و بیمار و زنان باردار بود که آمار مرگ و میر را در میان زایران ایرانی بالا برده بود و به جز وضعیت اسفبار زایران، وجهه حکومت ایران را تیره کرده بود.

• کمیسیون حج و تصمیم بر پایان دادن به مشکلات

طبق مصوبه هیئت وزیران در تاریخ ۴۳/۸ در فرمانداریها باید کمیسیونی تشکیل میشد که به وضعیت جسمانی و سپس اوضاع مالی آنها رسیدگی و در صورت داشتن آمادگی و صلاحیت برای سفر برای آنها تاییدیه صادر میشد. این کمیسیون که در فرمانداری و با حضور فرماندار تشکیل میشد متشکل بود از رئیس

دارایی، رییس بهداری، رییس شهربانی، رییس بانک ملی و یک نفر از روحانیون درجه اول و یک نفر معتمد به تعیین فرماندار که برای جلوگیری از مشکلات محتمل به وضعیت زایران رسیدگی میکرد. رای رییس بهداری باید جز اکثریت میبود. در واقع سلامت جسمانی زایران در اولیت بود و هر زایر حتما باید رای رییس بهداری را برای تایید صلاحیت کسب میکرد.^۱

این کمیسیون که همان کمیسیون حج بود در سال ۴۳ در هیئت وزیران تصویب شد اما اجرای آن در سالهای ۴۴ و ۴۵ به طور جدی به وقوع پیوست.

در سال ۴۵ طبق مصوبه هیئت وزیران این اعضا از ده نفر به چهارده نفر افزایش یافت، سه نفر آشنا به امور حج با معرفی انجمن شهر و یک نفر نماینده جمعیت شیر و خورشید که وظیفه امداد و رسیدگی به وضعیت جسمانی زایران را در عربستان بر عهده داشت.^۲ همه فرماندارها به تاکید صریح وزارت کشور میبایست در تشکیل این کمیسیونها اقدام میکردند، همان طور که گفته شد موضوع مورد تاکید در این کمیسیونها تایید سلامت زایران بود در غیر این صورت مسئولیت هر گونه مشکل در این زمینه متوجه این کمیسیون بود.^۳

• حمله داران دیروز، راهنمایان امروز

هم زمان با تشکیل کمیسیون حج اقدام به سرو سامان دادن به کار حمله داران که اکنون راهنمایان حج خوانده میشدند، شد. وزارت کشور تایید صلاحیت افراد متقاضی راهنمایی حج را هم به فرمانداری ها سپرده بود. فرمانداری طبق دستور وزیر کشور باید در انتخاب راهنمایان حج دقت بسیار داشت. آنها میبایست با کمک سازمان ساواک و شهربانی گواهی عدم سوپیشینه سیاسی و حسن اخلاق آنها را بررسی و افراد واجد شرایط را برای دریافت پروانه به وزارت کشور معرفی کند.^۴ این

۱. سند ۵۸۴۹۸_۲۹۳ ص ۳۰۴.

۲. سند ۷۱۶۲۱_۲۳۹ ص ۲۶۶.

۳. سند ۵۸۴۹۸_۲۹۳ ص ۳۰۴.

۴. سند ۷۱۶۲۱_۲۳۹ ص ۲۶۴ و ۲۶۸.

امور با دستور وزارت کشور و با تاکید سفارت شاهنشاهی در جده باید بصورت جدی پی گیری میشد.

بعد از اینکه راهنمایان حج با تایید فرمانداری و کسب پروانه از وزارت کشور معرفی میشدند کار آنها رسمیت مییافت و زایران حتما با یکی از این راهنمایان به حج میرفت.^۱

سال ۴۵، آیین نامه کمیسیون دائمی حج برای حمله داران در ۷ صفحه شرایط حمله داران را قید میکند که به جز، حسن شهرت و سابقه در این امر باید از امکانات مالی خوبی نیز برخوردار باشند. چرا که تمام هزینه های زایران از ابتدای سفر تا انتهای آن به عهده حمله داران است. حمله داران به سه درجه تقسیم میشدند: درجه یک کسانی بودند که تمام هزینه را به نحو مطلوب به عهده دارند درجه دو، هزینه ها را به طور متوسط تامین میکردند و درجه سه تنها عهده دار خرج وسایل سفر بودند که همگی باید از وزارت کشور پروانه داشته باشند. تعیین درجه به عهده کمیسیون دائمی حج بود. که به ترتیب درجه باید مبالغی را بعنوان تضمین در بانک مرکزی داده یا خودشان یا یک شخص ثالث به شرطی که تضمین دهنده اجرای مقررات این آیین نامه را در مورد تضمینی که شخص متقاضی داده است قبول کند. در بخش دیگر این آیین نامه آمده ذکر شده بود که متقاضیان باید تقاضانامه خود را به دفتر حج وزارت کشور که تا اول ماه رمضان، طی اطلاعیه ای اعلام میشود طی مهلت مقرر تسلیم کنند. طبق این آیین نامه راهنمایان موظف میشدند با زایر قراردادی در سه نسخه طبق نمونه وزارت کشور منعقد و تعهدات خود را طبق آن در برابر زائر انجام دهند. یک نسخه در دست راهنما، یکی برای زایر و نسخه سوم در دفتر حج وزارت کشور باید وجود داشت، راهنمایان حج تعداد زائران را نیز به دفتر حج اطلاع میدادند. در این آیین نامه از راهنما خواسته شده بود نرخهای مصوب کمیسیون حج را رعایت کند. در صورت ندانستن زبان عربی، موظف بودند یک مترجم و یک روحانی را همراه خود داشته باشند. در صورت تخلف راهنمایان مبلغ تضمین شده به نفع کمیسیون دائمی حج ضبط

میشد. شهربانی موظف بود برای راهنمایی که اسامی آنها از طرف دفتر حج ارسال میشد گذرنامه صادر کند. مرجع رسیدگی به شکایت زائران از راهنمایان خود، کمیسیون دائمی حج بود. در صفحه آخر این آیین نامه، کمیسیون برای کسانی که بدون مجوز فعالیت میکردند مجازاتهایی نیز در نظر گرفته بود. بنابراین محتمل بوده است که کسانی بدون مجوز نیز اقدام به اعزام زائران میکردند.

• مراحل نام نویسی متقاضیان حج

راهنمایان حج به جز تضمین نامه ملزم به تودیع بیست هزار ریال وجه نقد بابت سپرده زایران بودند.^۱

بنابراین هر زایر با در دست داشتن مدارک و چند گواهی واجد صلاحیت میشد تا برای صدور گذرنامه به شهربانی مراجعه کند. این مدارک عبارت بود از

۱- دریافت گواهی و صلاحیت از کمیسیون حج

۲- رسید بیست هزار ریال وجه سپرده به بانک ملی (چنانچه زایر در کشور عربستان از وجه مزبور استفاده نکند پس از مراجعت به ایران عینا مسترد میشود (این وجه قبلا به صورت ضمانت نامه بانکی از زایران گرفته میشد اما بعد از سال ۴۴ تصمیم بر این شد که این وجه بصورت نقد گرفته شود.^۲

۳- رسید سه هزار ریال وجه پرداختی برای خروج از کشور (قانون تامین اعتبارات عمرانی و عمومی)

۴- رسید مبلغ یکهزار و هفتصد ریال وجه پرداختی به بانک ملی (تصویب نامه وزیران)

۵- گواهی تلقیحات لازم از بهداری.

جز وجوهی که در بالا اشاره شد هیچ گونه وجهی از زایران نباید دریافت میشد. هر جاجی میتواندست ۵۰ کیلو خواربار فاسد نشدنی و یک قالیچه و یک پتو با خود

۱. سند ۵۸۵۹۸ ص ۳۰۴

۲. سند ۵۸۴۹۸ ص ۳۱۴

ببرد.^۱ داشتن ظاهر مناسب و وسایل مرتب زایران نیز برای متصدیان امر مهم بود و به فرمانداریها توصیه میکردند حتما از این نظر نیز متقاضیان سفر حج را توجیه کنند. دعوت از زایران در کمیسیونهای حجی که در فرمانداری تشکیل میشد بیشتر بدین منظور ترتیب داده میشد.^۲

وزارت کشور به جز صلاحیت اخلاقی و حسن شهرت برای حمله داران شرط داشتن وضعیت مالی مناسب را لحاظ کرده بود چرا که تامین غذا، مسکن و بقیه مسائل سفر به عهده آنها بود البته بابت این هزینه ها مبالغی از زایر میگرفتند اما خودشان نیز باید از مکنت مالی خوبی برخوردار بودند. اگرچه همه احتیاجات زایر توسط راهنمایان برطرف نمیشد و گرنه آنها اجازه نمی یافتند با خود خواروبار و زیرانداز و وسایل استراحت ببرند.^۳

• نظارت ضعیف دولت و ادامه شکایات مردم

نظارت ضعیف دولت که تنها به گرفتن وثیقه انجامیده بود سواستفاده های گوناگون حمله داران را پیش بینی نمیکرد. هر زایر به تناسب مقاومتی که میتوانست در برابر حمله دار نشان بدهد، پولی میپرداخت. این هزینه در سالهای اخیر از چهار یا پنج هزار تومان شروع میشد و گاه تا پانزده هزار تومان و حتی بیست هزار تومان هم میرسید. سودآوری حاجی بردن برای حمله دار آن قدر بود که این یک ماهه کفاف خرج همه سال آنها را بکند آنها معمولا شغلهایی به ظاهر داشتند اما منبع درآمدشان از همین کار یک ماهه بود پس بدیهی است که برای رفاه ۱۱ ماهه باقیمانده باید بیشتر، حاجی بیچاره را سرکیسه کنند. باید گفت به علاوه کاروان داری آنها در عربستان تجارت هم میکردند محصولات را برده میفروختند و یا اجناسی را خریده تا در ایران بفروشدند. پس بدیهی بود که تفکر یک حمله دار با

۱. سند ۱۲۴۵ ص ۲۳۷

۲. سند ۷۱۶۲۱ - ۲۳۹ ص ۲۸۴.

۳. سند ۷۱۶۲۱ - ۲۳۹ ص ۲۶۸.

کاری که به عهده دارد بسیار متفاوت بود، اگر نگوییم که حمل زایر در حاشیه کار آنها قرار داشت! گاهی حتی پزشک معالج هم با خود نمیردند.

نهادها و سازمانهای مختلف بعد از مراسم حج پر میشد از شکایت زایران از حمله داران؛ اما از آنجایی که هیچ سازمان و تشکیلاتی مستقیمی مسئول برگزاری این مراسم نبود پس پاسخگویی هم وجود نداشت، چون هیچ قراردادی بین مردم بی خبر از همه جا و این کاروانداران سرد و گرم چشیده روزگار بسته نمیشد.

جالب تر این بود که برخی از حمله داران برای مشتاقان تهی دست زیارت خانه خدا "حج قسطی" راه می انداختند. یعنی داوطلب سفر حج را پس از آنکه با چک و سفته و سند جای تکان خوردن برایش نمیگذاشتند، به مکه میبردند و آنگاه حاجی قسطی ناچار بود هزینه سفر خود را به اضافه ربای بسیار سنگین و غیر منصفانه در طی چندین ده ماه باز پرداخت کند. همین حمله داران در جریان سفر حج به زایرانی که دچار کمبود پول میشدند با بهره ای سنگین پول نزول میدادند و به یکباره مهمترین اصل و شرط سفر مقدس حج با نادیده گرفتن احکام الهی زیر پا گذاشته میشد و حرمت خانه خدا به هیچ گرفته میشد. کاروانها با قافله های اعصار گذشته جز در مرکوب سفر که به جای چهار پا چهار چرخ داشت تفاوتی خاصی نمیکرد. به اسارت و بردگی گرفتن زایران و واداشتن آنها به کار خلاف شرع و قانون زایران را در مقابل بیداد حمله داران مجبور به سکوت میکرد. این داستانها معمولاً از زبان تعداد معدود روزنامه نگاران یا اشخاص هوشیار که احياناً در بین کاروانیان بودند شنیده میشد. حمله داران به تناسب شغل و موقعیت شان راه های سواستفاده از مردم ساد دل و معمولاً فقیر را خوب بلد بودند.

در آن بلبشو با آن تعداد مسافر امکان هر مشکلی وجود داشت، گم شدن زایران و جدا شدن از نزدیکان و گم کردن کاروان در اجتماعات شلوغ این سفر، له شدن زیر دست و پا و مبتلا شدن به بیماریهای سخت مسافران به دلیل تغذیه نامناسب و گم کردن پول و گذرنامه و مدارک دیگر که معنایی نزدیک به مرگ داشت از حوادث همیشگی این سفر پرمخاطره بود. این ها گوشه ای از اتفاقات این سفر است که بیشتر به افسانه میماند.

همه این کارها انجام شد تا ترتیبی به کار آشفته حج داده شود آنچه در مراسم حج این سالها دیده شد از برخی جهات بهتر شده بود. اما نه آنچنان فاصله ای با قبل داشت و نه به آنچه مورد مطلوب بود نزدیک. دستگاههای دولتی سعی کرده بود که حتی المقدور از اعزام بیماران خصوصا مبتلایان به فشار خون جلوگیری کنند اما گزارش ها نشان میداد در این امر هم نتوانسته بودند به طور کامل موفق شوند. به نظر میرسید نهادها و سازمانها، مسئولیت امری را که به عهده گرفته بودند چندان جدی به انجامش نمی پرداختند.

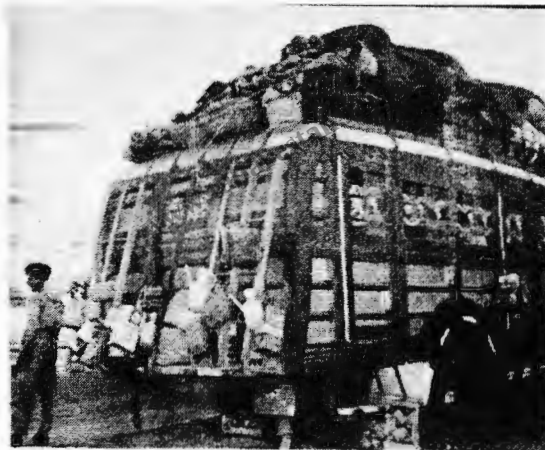
سعی شده بود تا تمهیداتی اندیشیده شود تا از قدرت حمله داران واجب التعظیم کاسته شود. مشکلات آنقدر زیاد بود که برای حل آنها به سالها وقت و انرژی و برنامه ریزی منسجم احتیاج باشد. بی نظمی ها و بیدادهای حمله داران که زایران بیچاره را تماما در بند داشتند کاهش یافته بود اما برخی از مسائل هم به نبود امکانات وسیع و برنامه متشکل و منسجم ارتباط پیدا میکرد. این که حمله داران هنوز هم به زایران به بسته های اسکناسی نگاه میکردند که هر چه بیشتر بود به



منفعت نزدیکتر بود، یکسره تمام نشده بود. اما باید گفت که به جز این، حد تسهیلاتی که یک اتوبوس دار میتواند مهیا کند مطمئناً نمیتوانست تکافوی این تشکیلات وسیع و این سفر عظیم را داشته باشد. آنها تنها میتوانند

زایران و وسایل بی حد و اندازه آنها را با اتوبوسهایشان جابجا کنند و یا با گرفتن چند اجیر از سیاهان بومی سرزمین حجاز بساط طبابخی و آشپزی راه بیندازند و با دیگهایی که مطمئناً هیچ امکانی برای مهیا کردن شرایط بهداشتی در آن وجود

نداشت چیزی بپزند و سفره ای انداخته و ۷۰۰-۸۰۰ زایر بیچاره را دور آن جمع کرده تا هر چه در آن گذاشته میشود بدون کمترین اعتراضی تناول کند. تعداد بی شمار زایران و نبود برنامه ای برای سامان دادن آنها اقدامی نبود که حمله دار و یا رانندگان اتوبوس که جز راندن این اتوبوسها کار دیگری نمیدانستند از عهده انجامش



برآیند. نبود امکانات در خود سرزمین عربستان و نداشتن ارتباطات به دلیل نبود بررسی های مفصل، آن هم از جانب مسئولان و سازمانها و نهادهای ذی ربط و صاحبان قدرت اوضاع را از آنچه بود بهتر نمیکرد. باید عزمی راسخ و قدرتی مافوق

قدرت این حمله داران بود تا اوضاع آشفته و اسفبار این سفر را بهبود بخشد. امکانات و تسهیلات بیشتر به پول بیشتری نیاز داشت که معمولا کشاورزان فقیر و کاسبان بی چیز از عهده آن بر نمی آمدند. تازه اگر هم این پول را بنابر خواست حمله داران میدادند به حقوق خود آگاه نبودند و حتی به ذهنشان هم خطور نمیکرد که اوضاع میتواند به نحو بسیار مطلوب تر و با رفاه و آسایش بسیار بیشتر انجام گیرد. بنابراین بدیهی به نظر میرسد که آشفته بازار دلال بازی و کلاه گذاری عده ای شاید فراهم باشد. هرچه از وضعیت اسفبار شرایط حاجیان در طی این سالها گفته شود به نظر میرسد توصیف همه جانبه ای صورت نگرفته است. ظاهر و هیئت کاروانیان و اتوبوسهایی که همه نوع اسباب از بقچه و کیسه گرفته تا آفتابه هایی که حاجیان در این بیابانهای بی آب و امکانات سخت به آن بسته بودند! و یا تصاویر زایرانی که برای لحظه ای استراحت سایه ای جز سایه اتوبوسها و وسایلشان نیافته بودند این اوضاع را بهتر و بیشتر می فهماند.

دولت نیز در این سالها آنقدر درگیر مشکلات داخلی بود که بررسی اوضاع حج شاید جز الویت هایش هم نمیتوانست باشد. خصوصا اینکه امر حج اغلب مربوط به مردم طبقه فرودست بود که به دلیل اینکه نه مهم تلقی میشدند و نه صدایی از آنها بلند بود به فراموشی و بی توجهی سپرده شده بود. با اینکه در سال ۴۴ وضع مزاجی و تاییدیه سلامت زائران بسیار اهمیت یافته بود و به جز این ظاهر آنها و نیز اوضاع مساعد مالی آنها مدنظر قرار گرفته بود اما عملا اتفاقی نیفتاد. در واقع به این فکر نشده بود که زائر هر چقدر هم سلامت مزاجی خوبی داشته باشد در غربت سوزان مکه چه بر سر سلامتی اش می آید و توجه به اوضاع مناسب مالی، تنها زائران پولدار تری به حمله داران معرفی میکرد تا آنها راحتتر بتوانند جیب هایشان را پر کنند. تنها حضور دولت در برپایی این سفر در داخل ایران و مراجعات مکرر مردم به سازمانها و نهادهای مربوطه و نصب آگهی ثبت نام بر دیوار های شهر خلاصه میشد. هزاران زن و مرد، پیر و جوان ساعتها و گاه شبها و روزهایی را در صف میگذراندند تا درخواست سفر حج تسلیم کنند، معاینه شوند، گذرنامه بگیرند و سایر تشریفات را انجام دهند. ماجرای زنی که در صف وضع حمل کرد، پیرمردی که درگذشت، آنها که در شبهای سرد زمستان برای محافظت خود در برابر سرما با منقل و پتو داخل صف می ایستادند و بسیاری داستانهای افسانه مانند دیگر صحنه هایی از نابهنجاری هایی بودند که همه ساله تکرار میشد. هر ساله مهلت کوتاهی برای قبول تقاضای داوطلبان سفر حج تعیین میشد و هزاران متقاضی ناچار بودند ظرف این مدت کوتاه همه تشریفات طولانی تهیه مقدمات سفر را انجام دهند. هر زائر خانه خدا برای تدارک مقدمات سفر و تهیه مدارک لازم ناچار بود به این مراجع مراجعه کند:

وزارت کشور، استانداری فرمانداری و یا بخشداری، ثبت احوال، وزارت بهداشت، شیر و خورشید سرخ، بانک ملی ایران و بانکهای دیگر.

این مراجعات مکرر بود. به خصوص زائران روستایی و بی سواد که درصد مهمی از جمع کل زائران را تشکیل میدادند غالبا در تنگنای تشریفات سفر و مراجعات مکرر گرفتار می آمدند تنها مرهمی که بر این مصیبتها بود شایعاتی بود که از سوی

ذی نفعان این سفر به زایران منتقل میشد: تا کسی سختی نکشد و رنج نبرد گرما و سرما را تحمل نکند حج او مقبول درگاه الهی نخواهد بود! این آشفته‌گی‌ها تا سال ۵۰ ادامه یافت، تا این که در سال ۵۱ با دستور مستقیم محمدرضاشاه دستگاه حج به سازمان اوقاف سپرده شد.

• واگذاری امور حج به سازمان اوقاف (۱۳۵۱ تا ۵۷)

پراکندگی امر حج و نبود متصدی مخصوص در این امر مشکلات عدیده ای را بوجود آورده بود، هم برای مردم و هم مسئولان دولت. بعد از سالها که کمیسیون حج در فرمانداری‌ها تشکیل شده بود و برنامه‌های متعددی برای سامان دادن به امر حج پیاده شده بود هنوز بی‌نظمی‌ها در مراسم حج از میان نرفته بود و تمهیداتی که برای کاهش آسیب‌های این سفر اندیشیده شده بود به نتیجه مطلوب نرسیده بود. در سالهای اول سال ۵۰ که اوضاع اقتصادی کشور روبه بهبودی میرفت، کشور صنعتی شده بود و وجهه‌ای بهتر از قبل در میان کشورها خصوصا کشورهای عربی همسایه پیدا کرده بود، امر حج یکی از وجوهی بود که میتوانست به مقبولیت بیشتر شاهنشاه ارتباط پیدا کند. حج اجتماع عظیمی از مردم سراسر دنیا خصوصا مسلمانان، فرصتی بود که حکومت مایل بود به زعم خود به آنچه با انقلاب شاه و مردم در داخل به آن دست یافته بود و چهره ایران را دگرگون کرده بود در خارج از مرزها هم نمود شایانی پیدا کند. ایران ابرقدرت نظامی منطقه و یکی از سران نفتی موثر در آن سالها بود پس باید این قدرت و شکوه به سمع و نظر دیگران هم میرسید. تصویر کاروانهای نامنظم و بدشکل حج و مردمی که بقچه و کیسه بدست آواره در حجاز سرگردانی و بی‌پناهی را تجربه میکردند در طی همه این سالها تصویری نبود که بتواند ایران پیشرفته و متمدن آریامهر را نشان دهد. از این‌ها گذشته نباید از سودآوری این سفر چشم پوشید سالیانه بیش از ۵۰ هزار نفر از ایرانیان به این سفر رفته و پولهای بسیاری را هزینه میکردند. سروسامان دادن به این سفر به معنای سامان دادن به این سود سرشار بود. پس باید چاره‌ای اندیشیده میشد.

اوقاف ابتدا با بررسی وضعیت گذشته و کاستی های اوضاع قبل شروع کرد. کمبودهایی نیز در تشکیلات سازمان اوقاف وجود داشت. در اولین گام هیئتی را برای مطالعه و بررسی نزدیک در عربستان سعودی برداشت تا ضمن بازدید از نقاط مورد استفاده زائران ایرانی و مذاکره با مقامات دولت عربستان راه حل های برخی مسائل را که زائران در سالهای قبل با آن درگیر بودند مانند مسئله مطوفین و نبود جا و ... مورد بررسی قرار دهد. سفر این هیئت در عین حال به منظور استقرار دفاتر ثابت و دائم سازمان اوقاف ایران در خاک سعودی نیز بود^۱

• شورای عالی حج

برای متمرکز کردن کار حج تصمیم بر این شد که در سازمان اوقاف شورایی به نام شورای عالی حج تشکیل شود. ابتدا تمام مقررات و تصویب نامه های قبلی حج لغو شد و مقررات و ضوابط جدید جای آن را گرفت. شورای عالی حج به تصویب هیئت وزیران تشکیل شد:

در سال ۵۱ به دستور مستقیم محمدرضاشاه امور حج به سازمان اوقاف منتقل شد. سازمان اوقاف در این سالها از مشغله بسیار زیاد فارغ شده بود اوج فعالیت های این سازمان در سالهای دهه ۴۰ بود که میبایست برای شناسایی موقوفات وسیع و بی حد کشور وقت بگذارد. برنامه های این سازمان اگرچه به اتمام نرسیده بود اما به ثبات قابل قبولی رسیده بود به همین دلیل سپردن دستگاه نسبتاً وسیع حج به این سازمان میتوانست کمکی به حل مسئله کند و چندان بی جا نبود.

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۵۲/۲/۲ بنا به پیشنهاد سازمان اوقاف تصویب نمودند:

۱- کلیه وظایف مربوط به امور حج از تاریخ صدور این تصویب نامه از وزارت کشور منتزع و به سازمان اوقاف واگذار میشود.

۲- سازمان اوقاف مکلف است شورایی به نام شورای عالی حج مرکب از یکی از معاونان هر یک از وزارتخانه های امور خارجه، کشور، بهداشت، دادگستری، دارایی و

همچنین یک از معاونان شهربانی کل کشور، بانک مرکزی ایران، شرکت هواپیمایی ملی ایران، سازمان اطلاعات و امنیت کشور، جمعیت شیر و خورشید سرخ و یک نفر از معتمدین و دونفر کارشناس که از طرف رییس سازمان اوقاف برای مدت دو سال انتخاب میشوند تشکیل دهد. ریاست این شورا با رییس سازمان اوقاف و وظایف آن، تصویب آیین نامه ها و مقررات با رعایت قوانین و نیز اظهار نظرهایی است که از طرف سازمان مذکور در باب امور حج و زیارت بدین شورا ارجاع میگردد.

۳- کلیه پرونده ها و سوابق و اموال و دارایی کمیسیون سابق حج و دبیرخانه حج و زیارت به سازمان اوقاف منتقل میشود. همچنین آن عده از مستخدمین وزارت کشور که در امور مزبور انجام وظیفه میکنند با ردیف حقوقی و توافقی وزارت کشور و سازمان اوقاف به این سازمان منتقل خواهند شد.

۴- سازمان اوقاف مکلف است ظرف یک ماه از این تاریخ تشکیلات و وظایف دبیرخانه شورای عالی حج را تهیه و برای تایید به سازمان امور اداری و استخدامی ارسال دارد.

۵- وزارت خانه ها و موسسات دولتی موظفند در اجرای موضوع این تصویبنامه تسهیلات لازم را فراهم و با سازمان اوقاف همکاری نمایند.

۶- تصویب نامه هایی که قبلا در مورد امر حج صادر شده است لغو میگردد.^۱ شورای عالی حج روز ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۱ در ساختمان مرکزی سازمان اوقاف جلسه ای تشکیل داده و آیین نامه داخلی خود را تصویب کرد. آنچه مورد بررسی و بحث قرار گرفت مسائلی از این دست بود: استطاعت جسمی و مالی (تمام هزینه های سفر بعهده زائران است) متقاضیان حج مبالغی که هر زائر باید بپردازد، روادید، بیمه، چگونگی درخواست سفر حج، راهنمایی و ارشاد زائران، نحوه انتخاب اشخاص برای سرپرستی و مباشرت کاروان ها به جای حمله داران سابق، وضع زائران در عربستان از نظر مسکن خوراک بهداشت، ترتیب به جای آوردن عبادات و شرکت در مناسک و نوع خدمات مطفونین بود.

• اهداف و برنامه های شورای عالی حج

مباحث مورد نظر شورای عالی حج برای نظم بخشیدن به سفر حج بیشتر در نظارت دقیق تر برای تسهیلات بیشتر و ظاهری مرتب تر برای کاروانهای ایرانی بود. یکی از اهداف مهم دیگر سازمان اوقاف در امر حج متمرکز کردن کار حج در یک سازمان و در واقع تماس حداقلی زایران با سایر نهادها و سازمانهای دیگر بود. سازمان اوقاف میبایست در ربیع الاول هر سال قمری امکانات موجود را سنجیده و پیش بینی مینمود که ظرفیت پذیرایی از چند زائر برای سال بعد را میتواند مهیا نماید. تعداد این زایران را باید به شورای عالی حج پیشنهاد داده و پس از بررسی های مجدد بنابر سهمیه هر استان به اطلاع مردم میرسید و از متقاضیان ثبت نام میشد. اطلاع رسانی از طریق نصب آگهی های دیواری بود که مردم هر سال منتظر آن در موقع خود بودند. اگر تعداد متقاضیان بیشتر از حد سهمیه بود قبول تقاضا به صورت قرعه کشی انجام میشد.^۱ برای انتخاب زایران با شرایطی که مدنظر شورای عالی حج بود کمیته ای در استانداریهای هر شهر تشکیل شده و زایران را انتخاب میکردند علت این امر هم این بوده است که کار تفحص و تحقیق درمورد اوضاع مالی زایران، گویا در استانداری و فرمانداری به وسیله شهربانی و ساواک انجام میشده است.^۲

همه هزینه های مربوط به تسهیلات پزشکی و رفاهی و بیمه بعد از بررسی ها لازم از زایران گرفته میشد. این مبالغ را مردم باید به سرپرستان گروه پرداخت میکردند و سرپرستان باید پیش بینی های لازم را برای تهیه جا، یعنی اتاق و یا ساختمان برای اسکان زایران را کرده و به اوقاف معرفی کنند. بدیهی است که ساختمانهای مورد نظر سازمان اوقاف باید از لحاظ تسهیلات و امکانات و حتی ظاهر به حدی از مقبولیت نزدیک بود و نیز مقرر شده بود بر خلاف سالهای گذشته که هر کاروان حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ زائر را شامل میشد، در سال ۵۱ هر کاروان تنها میتوانست صد

۱. سند ۲۹۳_۳۳۸۲۴ ص ۱۷۴ و ۱۷۵

۲. سند ۵۷۹۹۷ ص ۲۱۹ و ۲۶۲ و سند ۲۹۳_۳۳۲۶۹

همچنین یک از معاونان شهربانی کل کشور، بانک مرکزی ایران، شرکت هواپیمایی ملی ایران، سازمان اطلاعات و امنیت کشور، جمعیت شیر و خورشید سرخ و یک نفر روحانی و یک نفر از معتمدین و دونفر کارشناس که از طرف رییس سازمان اوقاف برای مدت دو سال انتخاب میشوند تشکیل دهد. ریاست این شورا با رییس سازمان اوقاف و وظایف آن، تصویب آیین نامه ها و مقررات با رعایت قوانین و نیز اظهار نظرهایی است که از طرف سازمان مذکور در باب امور حج و زیارت بدین شورا ارجاع میگردد.

۳- کلیه پرونده ها و سوابق و اموال و دارایی کمیسیون سابق حج و دبیرخانه حج و زیارت به سازمان اوقاف منتقل میشود. همچنین آن عده از مستخدمین وزارت کشور که در امور مزبور انجام وظیفه میکنند با ردیف حقوقی و توافقی وزارت کشور و سازمان اوقاف به این سازمان منتقل خواهند شد.

۴- سازمان اوقاف مکلف است ظرف یک ماه از این تاریخ تشکیلات و وظایف دبیرخانه شورای عالی حج را تهیه و برای تایید به سازمان امور اداری و استخدامی ارسال دارد.

۵- وزارت خانه ها و موسسات دولتی موظفند در اجرای موضوع این تصویبنامه تسهیلات لازم را فراهم و با سازمان اوقاف همکاری نمایند.

۶- تصویب نامه هایی که قبلا در مورد امر حج صادر شده است لغو میگردد.^۱
شورای عالی حج روز ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۱ در ساختمان مرکزی سازمان اوقاف جلسه ای تشکیل داده و آیین نامه داخلی خود را تصویب کرد. آنچه مورد بررسی و بحث قرار گرفت مسائلی از این دست بود: استطاعت جسمی و مالی (تمام هزینه های سفر بعهد زایران است) متقاضیان حج مبالغی که هر زایر باید بپردازد، روادید، بیمه، چگونگی درخواست سفر حج، راهنمایی و ارشاد زائران، نحوه انتخاب اشخاص برای سرپرستی و مباشرت کاروان ها به جای حمله داران سابق، وضع زایران در عربستان از نظر مسکن خوراک بهداشت، ترتیب به جای آوردن عبادات و شرکت در مناسک و نوع خدمات مطفون بود.

• اهداف و برنامه های شورای عالی حج

مباحث مورد نظر شورای عالی حج برای نظم بخشیدن به سفر حج بیشتر در نظارت دقیق تر برای تسهیلات بیشتر و ظاهری مرتب تر برای کاروانهای ایرانی بود. یکی از اهداف مهم دیگر سازمان اوقاف در امر حج متمرکز کردن کار حج در یک سازمان و در واقع تماس حداقلی زایران با سایر نهادها و سازمانهای دیگر بود. سازمان اوقاف میبایست در ربیع الاول هر سال قمری امکانات موجود را سنجیده و پیش بینی مینمود که ظرفیت پذیرایی از چند زائر برای سال بعد را میتواند مهیا نماید. تعداد این زایران را باید به شورای عالی حج پیشنهاد داده و پس از بررسی های مجدد بنابر سهمیه هر استان به اطلاع مردم میرسید و از متقاضیان ثبت نام میشد. اطلاع رسانی از طریق نصب آگهی های دیواری بود که مردم هر سال منتظر آن در موقع خود بودند. اگر تعداد متقاضیان بیشتر از حد سهمیه بود قبول تقاضا به صورت قرعه کشی انجام میشد.^۱ برای انتخاب زایران با شرایطی که مدنظر شورای عالی حج بود کمیته ای در استانداریهای هر شهر تشکیل شده و زایران را انتخاب میکردند علت این امر هم این بوده است که کار تفحص و تحقیق درمورد اوضاع مالی زایران، گویا در استانداری و فرمانداری به وسیله شهربانی و ساواک انجام میشده است.^۲

همه هزینه های مربوط به تسهیلات پزشکی و رفاهی و بیمه بعد از بررسی ها لازم از زایران گرفته میشد. این مبالغ را مردم باید به سرپرستان گروه پرداخت میکردند و سرپرستان باید پیش بینی های لازم را برای تهیه جا، یعنی اتاق و یا ساختمان برای اسکان زایران را کرده و به اوقاف معرفی کنند. بدیهی است که ساختمانهای مورد نظر سازمان اوقاف باید از لحاظ تسهیلات و امکانات و حتی ظاهر به حدی از مقبولیت نزدیک بود و نیز مقرر شده بود بر خلاف سالهای گذشته که هر کاروان حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ زائر را شامل میشد، در سال ۵۱ هر کاروان تنها میتوانست صد

۱. سند ۳۳۸۲۴-۲۹۳ ص ۱۷۴ و ۱۷۵

۲. سند ۵۷۹۹۷ ص ۲۱۹ و ۲۲۰ سند ۳۳۲۶۹-۲۹۳

زایر را به همراه ببرد و برای این صد نفر چندین راهنما، پزشک، روحانی و خدمه در نظر گرفته شده بود. دیگر اینکه سفر حج تنها با یک وسیله آن هم هواپیما صورت می‌گرفت. پس تسهیلات بیشتر باز هم پول بیشتری میخواست به همین دلیل بود که استطاعت مالی حمله داران که با تغییر ساختار، نامشان هم به مباشر و یا سرپرستان حج تغییر کرده بود اهمیت داشت چرا که آنها باید خودشان ابتدا امکانات قابل قبولی را تهیه میکردند و مبالغ هزینه شده را با زایر حساب میکردند و دلیل دیگر این بود که آنها برای ضمانت حسن اجرای وظایفشان در طول سفر باید به ازای هر زایر که در کاروان مسئولیت اعزام او را داشتند مبلغ ده تا پانزده هزار ریال در سازمان اوقاف وثیفه می‌گذاشتند و اینجا اهمیت استطاعت مالی زایر مشخص میشد. آنها هم میبایست با هزینه های تسهیلات پیش بینی شده خود را هماهنگ میکردند یعنی در حدی از توانایی مالی بودند که اجاره اتاقها و ساختمانهای اجاره شده در عربستان را از عهده برآیند.

سازمان اوقاف برای نظارت دقیق و حضوری یک نفر ناظر را با هر کاروان میفرستاد که وظیفه اش نظارت بر کار مباشر و مسئولین و خدمه کاروان بود ناظران از بین کارمندان باصلاحیت سازمان و یا سپاهیان انقلاب و یا اشخاص مورد اعتماد برگزیده میشدند.^۱ ناظران خود تحت نظارت مسئولان حوزه های سازمان اوقاف به کار گماشته میشدند. به عبارت دیگر ناظر کاروان که با زایران ارتباط دایم داشت رابط میان زایران با "مسئولان حوزه" سازمان اوقاف هر شهرستان بودند. مسئولان حوزه همان روسای اداره اوقاف شهرستانهای مربوطه بودند. به جز برنامه های یاد شده اوقاف از ابتدای مرحله ثبت نام تا انتهای سفر حج برنامه هایی را به اجرا گذاشت.

الف- تسریع مراحل ثبت نام متقاضیان

برای تسلیم درخواست حج از طرف متقاضی، زایر باید به جای مراجعه به سازمانها و نهادهای مختلف مثل شهربانی، اداره گذرنامه، سفارت عربستان و غیره، تنها باید

۱. کارنامه حج سال ۵۱، پیشین، ص ۴۰.

چندین فرم را که توسط سازمان اوقاف تهیه شده بود تکمیل میکرد. سازمان اوقاف در نظر داشت مراجعه زایران برای ثبت نام به سازمانهای دیگر را به حداقل برساند تا از اتلاف وقت و سرگردانی مردم که عموماً از روستاییانی بودند که از دهات اطراف به شهرها مراجعه میکردند جلوگیری کند.^۱ برای همراهی این زایران که اغلب هم از سواد بهره ای نداشتند جوانان عضو سپاهیان دانش آنها را در تمام این مراحل همراهی میکردند. درخواست سفر حج و درخواست صدور گذرنامه و سه برگ رونوشت شناسنامه که همه اینها در حد تکمیل فرمهای سازمان اوقاف بود کار ثبت نام را بسیار سهل و سریع کرده بود و مردم مجبور نبودند به جایی و یا سازمانی مراجعه کنند. قبول درخواست حج و تسلیم مدارک معمولاً در مساجد و تکایای همه شهرها انجام میگرفت.^۲

ب- ویزا، گذرنامه، هواپیما، بیمه

برای جلوگیری از صرف وقت و ازدحام زایران در شهربانی و سفارت عربستان و جاهای دیگری که زایر مجبور به مراجعه به آنها بود تا ویزا و گذرنامه دریافت کند سازمان اوقاف در این راه از همکاری شهربانی کل کشور، سفارت عربستان سعودی در تهران و هواپیمایی ملی ایران تا حدود زیادی برخوردار بود. سازمان اوقاف و شهربانی کل کشور به طور مشترک برنامه ای تنظیم کردند که بر اساس آن فهرست دقیق زایران و مدارک آنها به موقع در اختیار اداره گذرنامه شهربانی قرار میگرفت تا اداره مذکور بر طبق همین فهرست با رعایت تشریفات معمول، گذرنامه زایران را صادر کرده به سازمان اوقاف تحویل دهد. این گذرنامه ها فقط برای حج صادر میشد و بعد از بازگشت از این سفر از زایر گرفته میشد.^۳ در سال ۵۱ بر طبق یک قرارداد رسمی که بین سازمان اوقاف و شرکت سهامی بیمه ایران امضا شد، زایران از لحظه ترک خاک ایران در تمام طول سفر تا لحظه برگشت به وطن به هر

۱. کارنامه حج ۵۲، تهران، سازمان اوقاف، ۱۳۵۲، ص ۷۳.

۲. کارنامه حج ۵۱، پیشین، ص ۵۳.

۳. کارنامه حج ۵۲، پیشین، ص ۷۸.

عنوان و علتی که فوت میکردند یا دچار حادثه ای میشدند خودشان یا وراث آنها میتوانند از سرمایه بیمه استفاده کنند.^۱

• خوراک و مسکن لباس و بار و وضع ظاهر

برای تامین غذاهای مورد نیاز زایران برای تامین سلامتی و تامین انرژی آنها در طول سفر برنامه های غذایی با کارشناسان تغذیه اجرا شد و سازمان اوقاف به



مباشران دستور داد مواد غذایی لازم را تهیه کنند تا در طول سفر برای تهیه غذای زایران از آن استفاده کنند. برای نظارت دقیق بر تغذیه زایران و رعایت بهداشت و اصول تغذیه پزشکان کاروانها موظف شدند بر جزئیات امور تغذیه زایران از تهیه مواد اولیه بومی و طبخ غذا گرفته تا شستشوی ظروف و نگهداری مواد غذایی نظارت دقیق و کامل داشته باشند.

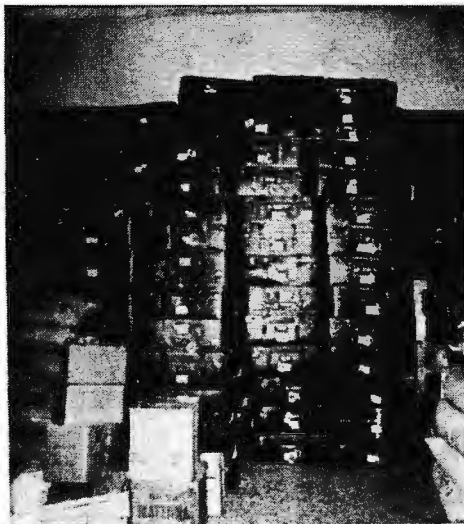
سازمان اوقاف برای ساختن ظاهر مناسب و در خور شأن زایران ایرانی نیز برنامه هایی را اجرا کرده بود. از ابتدای سفر برای زایران چمدانهایی تهیه شد تا اثاث خود را در آن به سفر آورند. این چمدانها یک شکل و هم اندازه بود و با نشان پرچم ملی از دیگر وسایل زایران دیگر کشورها متمایز و مشخص بود تا از مفقود شدن آن جلوگیری شود. به علاوه از حمل وسایل اضافه و جور و واجور توسط زایران

۱. کارنامه حج ۵۱، پیشین، ص ۹۳.

جلوگیری میشد. به زایران اجازه داده شد به جز این چمدان یک ساک کوچک هم همراه داشته باشند. در طول سفر از همان ابتدا ماموران سازمان مراقب وضع ظاهر زایران بودند تا هیچ کدام به صورت نامرتب ظاهر نشوند. این مراقبت از همان ابتدای کار شروع میشد یعنی قبل از حرکت زایران به فرودگاه در مسجد و یا محلی که زایران باید مدتی را منتظر بمانند ماموران وضع ظاهر و لباس زایران را بازدید کرده تا آراستگی زایران رعایت شده باشد.^۱

• انتخاب راهنمایان حج از طریق آزمون

انتخاب سرپرستان و راهنمایان حج به بررسی دقیق سوابق اخلاقی، کاری و مالی آنها منوط شده بود. برای این کار، داوطلبان بسیاری اقدام به معرفی خود کردند. سازمان اوقاف پس از بررسی این موارد افراد مورد اعتماد را برای این امر انتخاب میکرد. این افراد از بسیاری از جهات از دین، مذهب و فرقه مذهبی شان تا شغل



اصلی و چگونگی سابقه کاروانداریشان تحقیق به عمل آمد. بدیهی بود که افراد مورد نظر باید از همان حمله داران سابق با همه اوصاف مطرح شده میبودند. دلیل اصلی هم داشتن تجربه چندین ساله در این امر بود. چیزی که سازمان اوقاف از آن بهره ای نداشت. به هر حال بررسی ها انجام و افراد مطمئن و مورد وثوق که کمتر شکایت از آنها در دفاتر و سازمانها ثبت بود انتخاب

۱. کارنامه حج ۵۲، پیشین، ص ۱۱۰.

۲. کارنامه حج ۵۱، پیشین، ص ۲۶.

شدند و تحت نظارت سازمان و با شرایط کاملاً متفاوت به سرپرستی کاروانها گمارده شدند. افراد مردود شده هم بسیار گلایه مند شدند.

• عوارض برای انجمن شهر و جمعیت شیر و خورشید

طبق تصویب شورای عالی حج در سازمان اوقاف مبالغی برای ثبت نام و اعزام زائران به عربستان گرفته میشد که توضیح داده شد که مطابق با تسهیلاتی که مورد نظر سازمان اوقاف بود و راهنمایان حج در فراهم نمودن آن باید گام برمیداشتند این هزینه ها کمی متفاوت میشد. از همان روزها انجمن شهر طی درخواستی به اوقاف و سپس فرمانداری به دنبال این بود که عوارض دوهزارریالی نیز به نفع انجمن از زائران گرفته و به حساب آنها واریز شود که بعد از کشاکشهای اداری و رد درخواست از طرف اوقاف که باید این عوارض به تصویب شورای حج برسد و بعد به مردم ابلاغ شود این عوارض هم به دیگر هزینه ها افزوده شد.^۱ از این پس زائران باید یک فیش دوهزارریالی هم روی همه هزینه و مدارک ثبت نام خود تهیه میکردند. بعد از انجمن شهر، جمعیت شیر و خورشید که در عربستان به زائران خدمات بهداشتی و پزشکی ارائه میداد درخواست چنین عوارضی را از اوقاف داشت که مبنی بر اینکه عوارض یک هزار ریالی به نفع جمعیت شیرو خورشید چندان به زائران فشار نمی آورد. این دو نهاد با ترفندها و فشارهایی که بر سازمان اوقاف می آوردند، اجازه دریافت این عوارض را از نهادهای غیر مربوط گرفته و بعد مردم را مجبور میکردند که این عوارض را بپردازند و بعد رسیدهای آن را به اوقاف آورده و خواستار طلب شان میشدند. چنین شد که این عوارض هم به جمع مبالغ پرداختی زائران افزوده شد.^۲

۱. سند ۵۶۹۴۸ ص ۵۲۸۵، ۵۲۸۷

۲. همان سند، ص ۵۲۹۱ و ۵۲۹۵ و ۵۳۱۵ و سند ۵۸۴۹۸_۲۹۳ ص ۳۲۰.

• توانایی جسمی و معاینات پزشکی

در ابتدای امر در سال ۵۱ که معاینات پزشکی و صلاحیت زایران برای رفتن به حج بسیار مهم بود اما ترتیبات و ملزومات کار به درستی تعریف نشده بود و مردم خصوصا در شهرستانهای کوچک سرگردان بودند که این معاینات باید در کجا و چگونه صورت بگیرد. زایران برای روشن شدن این موضوع به اوقاف نامه مینوشتند و مرتبا جویای مراتب این امر میشدند. اوقاف در سال ۵۱ تصمیم قطعی در این باره نگرفته بود و درمانگاهها و بهداری های مشخص و مخصوص برای این کار را معرفی نکرده بود. در ابتدا تصمیم گرفته شد زایران یا به بهداری همان شهرستان و یا به جمعیت شیر خورشید مراجعه کنند و یا پزشکی به همین منظور از استانها به شهرستان فرستاده شود تا این معاینات انجام شود. متقاضیان حج تا سال ۵۳ نیز بدلیل نبود امکانات آزمایشگاهی مجبور بودند به مراکز استانها مراجعه کنند. در این سال از طرف بهداری کل اقداماتی به منظور رفع پراکندگی این معاینات انجام شد.^۱ با همه این اقدامات اما برخی مشکلات در سال ۵۱ هنوز هم گزارش میشد. در این مواقع شاکی خود سازمان اوقاف بود که بهداری در معاینات خود در ایران سختگیری لازم را نداشته است. اتفاقات عجیبی رخ میداد "وقتی آن زن دیوانه ناگهان عریان در برابر مردم ظاهر شد، چند پیر محتضر مردند، زن زانو نابهنگام زاید. معتادان و خماران را برگرداندند، گفتگو در گرفت که چرا باید اینان یا خانواده شان اصرار در آمدن به سفر حج داشته باشند و از مسامحه ماموران یا فریب دادنشان سود بجويند..."^۲

بعد از این سال اوقاف دقت بیشتری در این مورد را ضروری دید. مراتب به صورت تدریجی روال عادی خود را طی کرد و به نظم رسید یعنی از طرف اوقاف تنها مراکز درمانی جمعیت شیر و خورشید در هر شهرستان مسئول انجام این معاینات شدند.^۳ سازمان

۱. سند ۵۷۳۲۶، ص ۱۰.

۲. مجابی، جواد: ای قوم به حج رفته، تهران، موج، ۱۳۵۲، ص ۱۵.

۳. سند ۵۷۳۲۶ ص ۴.

با همکاری وزارت بهداشتی، مراکز معاینه در سراسر کشور مسئول معاینه و تشخیص صحت مزاجی زایران شدند و برای ترتیب یافتن این کار سازمان اوقاف ساعت و تاریخ مراجعه هر زایر به درمانگاه یا مرکز بهداشتی تعیین شده را بوسیله نامه هایی به اطلاع زایران میرساند. زایران در برابر بیماریهای وبا و آبله واکسینه میشدند. جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران کار درمان و معالجه بیماران را در عربستان بر عهده گرفت و پزشکیانی نیز برای یافتن زایرانی که دچار بیماری شده اند در نظر گرفته شدند. همین طور برای هر صد نفر زایر در هر کاروان یک پزشک روانه شد تا مراقبت بیشتری از زایران به عمل آید. حق الزحمه این پزشکان بعد از مراجعه به ایران و به شرط انجام وظایف محوله پرداخت میشد. در عربستان هم هیئت پزشکی جمعیت شیر و خورشید چند روز قبل از ورود اولین گروه زایران حاضر شده و بلافاصله یک بیمارستان یکصد تختخوابی و درمانگاههای تخصصی در "امالدود"، یک بیمارستان شصت تختخوابی با درمانگاههای وابسته در مدینه، یک مرکز درمانی در مکه و یک مرکز دیگر در جده دایر کرد. تعداد بیماران در این دو سال به نسبت سالهای قبل، بسیار کمتر شده بوده و با درمانهای سرپایی معالجه میشدند.^۲

• مشکلات و نارضایتی ها در سالهای بعد از سال ۵۳

با اینکه سازمان اوقاف در نظر داشت مشکلات را به حداقل برساند و سفری با آرامش و آسایش برای زایران تدارک ببیند اما این آرامش و آسایش در مراحل قبل از سفر یعنی مراحل گزینش زایران سلب شد مردم در انتظار اعزام به سفر حج گاهی سالها بدون اینکه دلیل این امر را بدانند منتظر میماندند و با مراجعه به اوقاف و سازمانهای دیگر مربوط اغلب پاسخهای درخور که از رنج انتظار بکاهد دریافت نمیکردند.

۱ مشروح مذاکرات، دوره ۲۳، جلسه ۷۴.

۲. کارنامه حج ۵۲، پیشین، ص ۸۹.

• تبعیض و شکایت مردم در نام نویسی سفر مکه

بنا به تصمیم شورای عالی حج در سازمان اوقاف نام نویسی برای سفر حج طبق سهمیه ای بود که برای هر استان طبق جمعیت و تعداد شهرستانها انجام میشد. ایام تسلیم تقاضانامه و ثبت نام معمولاً حدود دو ماه بود تقریباً از هفدهم ربیع الثانی تا شانزدهم جمادی الثانی هر سال قمری و هر سال تعداد نفراتی که از هر استان به حج فرستاده میشدند اعلام میشد. برای استانهایی که متقاضیانی بیش از سهمیه داشت مرسوم بود که در فرمانداری با حضور اعضای شورای عالی حج به تقاضانامه ها رسیدگی و بعد قرعه کشی برگزار شود. این اتفاق هر ساله می افتاد. در این حین، اگر نگوییم کارشکنی، تبعیض هایی در این موارد رخ میداد که مردم را بسیار ناراحت و گلایه مند میکرد. قرار بر قرعه کشی برای این بود که عوامل انسانی و امیال و خواسته های دیگران در این امر دخالتی نداشته باشد اما مثل همیشه تبصره و استثنائاتی بود هم بود و کار گزینش از طرف مردم زیر سوال و شک و شبهه قرار میگرفت. مثلاً متقاضیانی که همه مدارک خود را تهیه و خود را برای سفر آماده میکردند و بعد به آنها اعلام میشد که شما نمی توانید به این سفر بروید و یا متقاضیانی که سالها در لیست ذخیره ها بودند اما با افزایش سهمیه ها در هر سال باز هم تقاضای آنها معوق مانده و پاسخ روشنی هم داده نمیشد. نامه ها و تقاضانامه های متعددی برای چرایی و چگونگی این تصمیم از سوی مردم به اوقاف سرازیر میشد. پاسخ سازمان اوقاف به این نامه ها و شکایات معمولاً این بود که این اسامی بوسیله استانداری و فرمانداری اعلام شده و اوقاف هیچ گونه دخالتی در این زمینه نداشته است.^۱ مردم به ناچار برای گرفتن جواب به فرمانداری ها میرفتند فرمانداری ها برای پی جویی این علل خود به اوقاف مراجعه میکردند جواب سازمان اوقاف مثل همیشه چاره ای پیش پا نمیگذاشت. آنها به تکمیل شدن ظرفیت و یا کمی ظرفیت اشاره میکردند و جواب شاکیان را به اضافه شدن سهمیه موکول میکردند.^۲ تمام شدن وقت برای ثبت نام به نظر میرسد که بهانه بوده است

۱. سند ۵۷۹۹۷_۲۹۳، ص ۲۵۸ تا ۲۵۰

۲. سند ۵۷۹۹۷ ص ۵ و ۶

چرا که زایران مدعی اند که در همان روزهای ابتدایی اقدام به نام نویسی کرده اند ولی به آنها گفته شده است که ظرفیت تکمیل است در حالیکه بقیه افرادی که بعد از آنها مراجعه کرده اند کارت برایشان صادر شده است. گویا رسیدگی به صلاحیت متقاضیان که به عهده انجمنی از نمایندگان مراکز و سازمانها گذاشته شده بود دخالت بسیاری در انتخاب زایران داشته است این انجمن در استانداری تشکیل میشده و از ابتدا استطاعت مالی زایران در انتخاب آنها نقش زیادی را داشته است. بدین ترتیب نقش استانداری و فرمانداری در بررسی و تشخیص این افراد میتوانست در انتخاب آنها دلیل اصلی بوده باشد. به نظر میرسد این انجمن تصمیم گرفته بود که بیشتر از ظرفیت ثبت نام کرده تا فرد مورد نظر خود را بیابند.

• تعیین مدیران گروه و آسیب های آن

بعد از اینکه سازمان اوقاف تصمیم گرفت مدیران گروه را از میان حمله داران سابق انتخاب کند، سوابق همه این افراد را مورد تفحص و بررسی قرار داد و سعی داشت بهترین افراد را که دارای حسن شهرت و اخلاق بوده و کمتر شکایتی از آنها از طرف مردم در مراجع وجود داشت برای همکاری دعوت کند. بسیاری از حمله داران انتخاب و بسیاری نیز به اصطلاح مردود شدند اینکه افراد رد شده بعدها بسیار عصبانی و خشمگین شده و تا حدی تبلیغاتی بر ضد سازمان اوقاف انجام دادند مسئله ای بود که سازمان اوقاف در اوایل کار با آن مواجه بود اما به تدریج این مشکل هم حل شد. انتخاب مدیران گروه و بررسی در مورد افراد داوطلب در کمیسیونی در سازمان اوقاف زیر نظر استانداری تصمیم گیری میشد. مدیران گروه از سال ۵۵ با آزمون برگزیده میشدند سازمان اوقاف بر مبنای سیاست عدم تمرکز امور در تهران این کار را انجام میداد یعنی هر استانداری، مدیران گروه حوزه کاری را خود انتخاب میکرد اما برای تایید نهایی باید این افراد به تایید سازمان اوقاف میرسیدند. در تهران از مدیران گروه مصاحبه تلویزیونی و رادیویی انجام میشد و از

این طریق اسامی آنها اعلام میشد.^۱ در این رابطه هم مدیران گروهی که بعضاً سوابق بسیاری در این امر داشتند به کنار گذاشته میشدند و باز هم سازمان با شکایت این افراد مواجه بود. در این سال تصمیم گیری ها آن چنان صریح و قاطع نبوده است که بعضی مدیران گروه در نامه های اعتراضی خود آورده اند که این افراد را ابتدا تایید کرده و آنها خود را برای سفر آماده کرده بودند اما بعد به آنها اعلام میشود که فرد دیگری را به جای آنها فرستاده اند و یا اینکه به بعضی مدیران گروه بدون دلیل و با حسن شهرت، دیگر اجازه کار داده نشده بود. این گونه اقدامات، مدیران گروه را به این فکر وامیداشت که شاید اوقاف با آنها خصومتی پیدا کرده که درصدد حذف آنها برآمده است. در اینگونه موارد پاسخ اوقاف این بود که مدیران گروه توسط مامورینی انتخاب و تایید صلاحیت شده اند که هیچ آشنایی قبلی با مدیران نداشته اند و فقط بر حسب نتیجه آزمون و سپس بررسی مدارک آنها را انتخاب کرده اند. اعتراض و شکایت این دسته از مدیران گروه به نشریات نیز کشیده میشد و در پی آن هم جوابیه ها و اعتراضات سازمان اوقاف مبنی بر اتهام زنی و بردن آبرو توسط برخی مدیران حج مطرح میشد.^۲

باید گفت دقیقاً در این قرعه کشی ها و انتخاب مدیران گروه، از طریق آزمون همان اشکالاتی که در انتخاب زایران پیش می آمد در رخ میداد. اینکه همه مدارک یک فرد بلاشکال و همه شرایط گفته شده از طرف سازمان اوقاف تحویل داده میشد و تحویل دهنده با اطمینان خاطر منتظر جواب قبول سازمان میماند یک دفعه به آنها اطلاع داده میشد که برای سفر حج یا مدیری گروه انتخاب نشده اند. در این صورت یا باید گفت آن مدارک و شرایطی که برای داوطلبان در نظر گرفته میشد به درستی رعایت نمیشد و یا شرایطی نیز مدنظر بود که به سمع مردم نرسیده بود و تنها مرجع تشخیص آن خود سازمان اوقاف بود که با توجه به آنچه مدنظر سازمان و هیئت حاکمه بود در انتخابها دخالت اصلی را داشت. میتوان گفت قرعه کشی و آزمون تنها پوششی بود که به مردم اطمینان داده شود هیچ عنصر

۱. اطلاعات ۱۸ خرداد ۲۵۳۷ شماره ۱۵۶۳۲

۲. سند ۵۷۹۹۷_۲۹۳ بیشتر صفحات

انسانی در امر انتخابها دخالت ندارد و آنچه اتفاق می افتاد یا بر حسب قرعه و یا بر اصل آزمون بوده است. گاهی اتفاق می افتاد که متقاضیان حج با توجه با اضافه شدن سهمیه ها سالها در صف رزرو و انتظار می ماندند و نوبت به آنها نمیرسید و یا مدیرگروهی که با آنکه مدیر برتر در سالهای قبل بود رد میشد.

• رشوه گیری در انتخاب مدیران حج

شکل گیری و سازمان یافتگی امر حج و زیارت در سالهای نیمه ده پنجاه بدون آسیب و آفت نماند. تخلفات بزرگ و کوچک در سال دوم و سوم به چشم میخورد اما تصور نمیرفت که در سالهای بعدی این چنین گسترده و جدی باشد. وقتی مسئله رشوه مدیران سازمان اوقاف در روزنامه های سال ۵۷ آشکار میشود تخلفاتی که به نظر کوچک می آمد و یا تردید برانگیز بود، زودتر به باور میرسد. در سال ۵۵ دادگاهی در تهران برگزار میشود که "ایرج گلserخی" مدیر کل حج اوقاف به اتهام رشوه خواری محاکمه میشود. در طی جلسات متهمینی که رشوه پرداخت کرده اند تا به مدیری حج انتخاب شوند اعتراف میکنند که برای مدیری حج به گلserخی ۵۰ هزار تومان رشوه پرداخت کرده اند. از این اعترافات و صحبتهای آنها معلوم میشود که مدیری حج همچنان منفعت آور بوده است که آنها به راحتی پنجاه هزار تومان در آن سالها پرداخت میکنند تا مدیر گروهی حج را از دست ندهند اینطور که معلوم بوده و قبلا هم گفته شده است اجاره منازل برای حجاج با مدیران گروه بوده است در صحبتهای یکی از مدیران گروه آمده است که وی برای اینکه یک میلیون و پانصد هزار ریال سرمایه گذاری اش در مکه را از دست ندهد ترجیح میدهد که پنجاه هزار تومانی که مدیر کل از او طلب میکند را بدون مخالفت بپردازد.^۱

• موفقیت و عدم موفقیت سازمان اوقاف در امر حج

با تمام تلاشها و برنامه ریزی هایی که سازمان اوقاف در امر سفر حج انجام داد باید گفت این سازمان با توجه به نداشتن تجربه در این امر تا حد زیادی در تشکیلاتی کردن و دادن نظم به این سفر که دچار مسائل حاشیه ای پر رنگ تر از متن شده بود توانست تا حد زیادی از عهده بر آید. نمیتوان انتظار داشت که این سازمان در همان سالهای اولیه توانسته باشد حد و اندازه مشکلات را به صفر برساند. مثلا جلوگیری از رفتن زایران بیمار که در سالهای اول و دوم تکرار شد. و یا بعضا حمله دارانی که هنوز هم به حج به مثابه تجارت می نگریستند تا سفری معنوی، اما مسیر مردم از ابتدای نام نویسی تا اعزام به سفر بسیار کوتاه شده بود. آنها به خوبی دریافته بودند که تشریفات دست و پاگیر برای مردمی که اغلب از روستاییان و زحمت کشان جامعه بودند شرایطی بسیار رنج آور و طاقت فرسا به وجود آورده است. حذف مراحل مثل تهیه گذرنامه، ویزا، تصدیق شناسنامه و بسیاری مدارک دیگر با مراجعات مکرر مردم به نهادها و ادارات مختلف از گامهای اساسی سازمان اوقاف بود. فراهم آوردن امکانات رفاه و آسایش برای زایران و اهمیت آن برای هیئت حاکمه که حتی در سامان دادن به ظاهر و شکل و شمایل زایران تجلی کرده بود تفاوتهای اساسی با سالهای قبل را به خوبی نمایان ساخته بود.

اما باید گفت در مراحل بعدی و پس از آنکه سازمان در سالهای بعد در این زمینه دارای تجربیات خوبی شده بود متأسفانه دچار مشکلات دیوان سالاری و سواستفاده های زیادی در مراحل گوناگون شد. تجارت پر سودی که اوقاف درصدد بود از چنگال حمله داران اغلب بی انصاف درآورد در سالهای بعد همچون دامی شد که افراد خود سازمان اوقاف را گرفتار و در بند کرد و بی عدالتی های بسیاری را هم در انتخاب زایران و هم در گزینش مباشران حج رقم زد. به نظر میرسد در این سالها، این تجارت، دولتی شده بود که بعضی توانستند از آن سو استفاده زیادی کنند. میتوان گفت همان طور که برخی با دادن رشوه به مسئولان امر حج به مباحثی انتخاب میشدند. احتمال دارد در انتخاب زایران که ادعا میشد از طریق قرعه انتخاب میشدند راههای غیر قانونی طی میشد. و ادعای اوقاف که میخواست شرایط

اصلی و ارکان این فریضه را به جا بیاورد و از تخلفات غیر شرعی جلوگیری کند، به طور تاسف آوری توسط همین سازمان تکرار شد. اوقاف البته از همان ابتدا به شرایط سود آور و زمینه تجاری بودن این سفر توجه داشت و در تلاش بود که این تجارت سودآور را دولتی کند همان طور که بقیه سازمان ها و انجمن ها در اینکه کلاهی از نمد حج برای خود تهیه کنند به تکاپو افتادند. انجمن شهر و انجمن شیر و خورشید سرخ ایران با نامه نگاری های متعدد خود به استانداری ها، سازمان اوقاف، نخست وزیری و هر جا که به نظرشان ارتباطی با موضوع میافت تلاش کردند که عوارضی نیز برای انجمن خود دست و پا کنند. ولی به جز این، اوقاف به آبرومندی این سفر که در بهیوه متجدد کردن و انقلاب و اصلاحات اهمیت خاصی میافت هم فکر میکرد. ظاهر آبرومند زایران که نشانه‌ای از آبرومندی حکومت بود در منظر افراد مختلف از کشورهای گوناگون موضوعی بود که حکومت و به تبع آن اوقاف به آن اهتمام داشت، در هر حال اوقاف در نقشه های خود برای این سفر موفق بود اما تخلفات فردی و سازمانی گویا گریبان گیر این سازمان شد و نتوانست این کار را بدون اشکال و حرف و حدیث به انجام برساند.

۱۳۸۱/۴
شماره ۴۶۳/۱۳۳
م

نخست وزیر
سازمان رفاه

جناب آقای دکتر نصیری وزیر محترم معارف و اوقاف
مستف بدستخط مورخ ۱۳۸۱/۲/۲۸ جناب عالی تاحمد و تقاضای آقای
محمد حاج محمودی زحمت اشعار میدارد :
طبق گزارش ریاست پژوهش سازمان اوقاف ، اصولاً آقای حاج محمودی
حقوق بگیر مدرسه شهید السلطنه نباشد بنابراین پرداخت هزینه تحصیلی
مستحق نبوده بقدر نیست .
معاون نخست وزیر رئیس سازمان اوقاف - عصار

معاون وزیر
(۱)

۱۳۸۱ - ۲ - ۲۸
۵۸۲۰
۷۸۱ ۰۰۱۱۱۲۳۱



نخست وزیر

تاریخ

شماره ۴۴۰۳۹

پیوست

آیین نامه شورا عالی اوقاف

در اجرای ماده ۵ قانون تفکیک وزارت لرستان موجب آنکه ۱۲۴۲ آیین نامه شورا عالی اوقاف

پنجم مواد ذیل تصویب می شود :

ماده ۱ - شورای عالی اوقاف تشکیل می شود از

۱ - رئیس سازمان اوقاف

۲ - معاون وزارت کشاورزی

۳ - معاون وزارت آموزش و پرورش

۴ - مدیر کل ثبت اسناد و املاک

۵ - یکی از نواب عالی مطلق دادگستری با انتخاب وزارت دادگستری

۶ - دوفرازان استادان حقوق اسلامی دانشگاه تهران با انتخاب شورای دانشگاه

۷ - چهار نفر از این شخصیت های اجتماعی و جمعی که جامع التعلیم به پیشنهاد سازمان اوقاف

تیمور ۱ - معاونان مذکور از طرف وزارت معروض می شود و اسامی آنها به آیین نامه شورا عالی اوقاف

با اسامی نخست وزیر و معاونان خواهد بود

تیمور ۲ - مدت عضویت ۷ نفر می باشد و ۷ و ۶ سال خواهد بود و تقابل جدید آنان پس از

مانع است

تیمور ۳ - عضویت در شورا عالی اوقاف برای کسانی که شغل موظف دولتی دارند اختفاری است

ماده ۲ - ریاست شورا با رئیس سازمان اوقاف خواهد بود و یک نفر از اعضا با انگیزه آراء به عنوان رئیس

رئیس شورا انتخاب می گردد

ماده ۳ - وظائف شورا عالی اوقاف به قرار ذیل است :

الف - تصویب مقررات داخلی شورا عالی اوقاف

ب - بررسی لایحه قانونی مربوط به اوقاف

پ - اظهار نظر درباره آیین نامه های که طبق ماده ۵ همین قانون اوقاف می باید به ۱۲۱۲ پیوست

بموجب هیئت وزیران می رسد



- ۲ -

تاریخ

شماره

پیوست

ع - اعلام تشریفاتی در هیئت کارگزاران سازمان اوقاف جهت مراجع نمود .
 ماده ۴ - در موارد لیل جلب موافقت شورای عالی اوقاف و مراجع ذیصلاح سازمان اوقاف
 ضرورت خواهد داشت .

(۱) تبدیل یا حسن رتبه حقوق و حقوق تبدیل
 (۲) اجاره پیکراده سال مؤکداً
 در مورد اموال منقول مشمول قوانین و مقررات اصلاحات اوقاف و وزارت معسول
 خواهد شد .

(۳) استرداد دعاوی مشروعه در مراجع قضایی
 (۴) احاطه برنده های تعیینی از یک حوزه قضایی و اوقاف به حوزه دیگر
 (۵) ارجاع به داری و انتخاب داور
 (۶) طرح و پرداخت به اوقاف یا اوقاف تصدیق و پرداخت و اوقاف و اوقاف یا اوقاف
 (۷) اوقاف و اوقاف

ماده ۵ - تصویب قوانین اوقاف با اکثریت مطلق رای معتبر است .
 آیین نامه تصویب قوانین اوقاف - ماده ۲ - تصویب به استناد ماده پنج قانون تنظیم اوقاف در تاریخ
 ۲۸ / اسفند ۱۳۴۴ و ۲۷ / اردیبهشت ۱۳۴۵ تصویب کمیسیونهای نظامی ۲ و ۳ مجلس شورای
 در جلسات ۱۹ / اردیبهشت و ۱۱ / تیر ۱۳۴۵ تصویب کمیسیونهای امور اقتصاد و اداری
 مجلس شورای ملی رسیده است صحیح و قابل اجرا میباشد . -

رئیس مجلس شورای ملی - مهرداد سید الهی

رونوشت به مراجع ذیصلاح

مجلس شورای ملی

اداره اوقاف فارس

رئیس محترم کمیته نظارت امور عسکری مستورم باد و سلامت

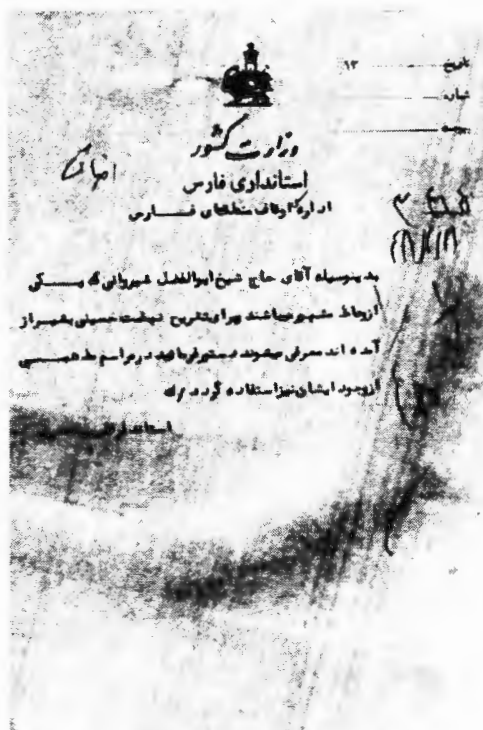
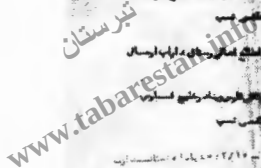
محترماً به عرض می‌رسانم اینجانب امیرالاه جزوی از خدمت مرحوم آید الله جزوی شایسته یکی از مسئولین علی این حوزه اوقاف فارس محترم که عرض می‌کنم که در خدمت است و با ما داریم که رسیدگی کامل به مولفه علی این حوزه که حدود ۴ طایفه و ۱۰۰۰ نفر می‌باشد علی این حوزه که علی آن فعلی به علی این حوزه دارد. مرحوم امیرالاه جزوی - که علی شایسته کار آن بوده و علی که دارد و اداره اوقاف فارس امسال آن بوده و نمایان رسیدگی به هر یک از اینها

مولفه را داریم .
اسماعیل و لنگه که معروف به باغ میوه رسانی بوده است و علی که نامش ذکر شده است که بهرین باره درخواست داریم که

۱- زمینهای گود خفته که حدود آن در ملک خانه مدعیان زمین است که تمام آن زمینها و ملک است و دارد و در پول آن به جهت مبارکشان و در آن به جهت میثم که اداره اوقاف که حاضر در مولفه است چنانچه باید این برنامه پیاده شود برای نامرشدین این برنامه علی و اداره اوقاف در مورد انجام است خواهشمند است این موضوع را برای ما در خدمت کنید و جواب بفرمایید . ای بد خدا .

۲- باز هم علی تابع نشده است . دیگر از مولفه علی این حوزه که با اداره کل کارهای اجتماعی و کارگزینی و اداره جمع کرده و آنرا خواسته ملک است به حد که جلای را میگیرند بازرگی کاملی که دانسته و دیده است هیچ راهی ندارد گفته خوب حالا که میگوید ملک نیست من عرض ندارم پس من باسم سرعالم بنام دکتر هوشنگ و علی که جزوی میثم . ایلا اوقاف فارس محترم میخواهم سوال کنم آیا زمینی که وقف است میخوانند وقف در وقف کنند و هفتاد و دیگر میخوانند آیا در کدام زمین است که وقف است میخوانند و چهاره اوقاف کنند آیا اداره اوقاف که حق اینطور بر میدارد برای جلوگیری علی شایسته کار است نه به علی کند که ما در آن زمین که پیدا شده و نداشت بهمان خود به دست آید این دکتر هوشنگ جزوی و علی که جزوی شایسته اینها صحیح است .
۳- خواهشمند است اینها را به اداره کل کارهای اجتماعی که اجازه بهای آنرا که سهم دهه اخیر و دیگر است به دست و در اینها به شکلی که نامش را می بینیم که بنام دکتر هوشنگ و علی که جزوی صادر شده است لغو شود .
۴- ای مدیر و گیرنده تا گری آن ریاست محترم است .

۵- درخواست شده اینها را برای - دهه ای اخیر و دیگر در شکلی که برای ما در آورده و تقاضای کند دارند که علی و اداره اوقاف حاکمان را بهمان کرده که حتی ممکن برادرند که در آنجا اینها را به اداره اوقاف فارس که باعث - شایسته من سهم دهه ای اخیر و دیگر را تمام داده شده است رسیدگی کامل شود و درخواست که مراجعه به اداره اوقاف مدد است گفته این بر روی در آنجا شکایت کنید و اگر بایزول را تقسیم که وکیل بگیریم دیگر به شما شکایت نمی‌کردیم به ما چشم برآه جواب بفرمایید و عرض می‌کنم .



سازمان اوقاف
شماره ۵۰۱۷

نخست وزیر
سازمان اوقاف
اداره اوقاف شهرستان فسا

شماره ۷۶۲
تاریخ ۱۳۴۴/۱۱/۱۴
پیوست

آقای علی قدری متدنی امروزی اداره اوقاف شهرستان فسا و همکار محترم روحانی

دنبال مذاکرات شفاهی با جناب آقایان مدرسین محترم در دست علم دینی فسا چون برابر هر
موضوع و تقاضای محترم حاجیه زینب سلطان و آئینه موقوفات حاجیه زینب سلطان بابت خرید اختصار
اندر پس و حق اطلاق در برابر هر صورت و حال باشد. مقامات محترم سازمان اوقاف فسا مورد توجه
مخصوصاً دارند بنابر این از این تاریخ بشماره و صورت داده می شود که با تنظیم برنامه مذهبی در محترم «ریان
امور» در سه عرصه فسا و برقراری مداوم آن مراقبت کامل فرموده و غرض روزی بین ساعت ۹ تا ۱۱/۵ صبح یکبار
از در و به علوم دینی این شهر تان بازید فرموده و صورت محترم و اب آقایان مدرسین و طلاب علوم دینی این
شهر تان برابر صورت مجموعه باین اداره ارسال فرمایند بدین جهت شرکت اوراق تان بدین مدرسه شرکت
نفرمایند نام او را از لیست مروجه حذف و از مزایای مدرسه و حق اطلاق محترم و کذا می باشد. غنا جانانه
تواضعی از خدمت و سپید است و غیره مساعد فرموده مراتب را از شما بداد رجوع بدانان رفع
شواهر بشود نتیجه اقدامات خود را باین اداره اعلام فرمایند.

رئیس اداره اوقاف شهرستان فسا طاهر

۱۳۴۴/۱۱/۱۰

۱- محترم آقای حاج میرزا محمد شایان
حاج محمد حسین ارستجانی

- ۲- آقای محصل مدرسه علوم دینی فسا جهت اطلاع و اجرای کامل مقررات
- ۳- اداره کن منطقه اوقافی فارس و نهاد رخلی جهت است- قار
- ۴- اداره تحقیق اوقافی فارس و نهاد رخلی جهت است- قار
- ۵- فرماندار محترم شهرستان فسا جهت است- قار
- ۶- جناب آقای عمار مامون محترم نخست وزیر ریاست سازمان اوقاف فسا

تذکره: این سند در تاریخ ۱۳۴۴/۱۱/۱۴ صادر شده و در تاریخ ۱۳۴۴/۱۱/۱۴ به دست آقایان ...



سازمان اوقاف

اداره اوقاف و امور خیریه



شماره ۱۸۰-۱۳۵

تاریخ ۱۳۵۰/۱۱/۱۱

پیوست

تبرستان

موضوع: مستندین حلی

به: فرمانداری شهرستان قم

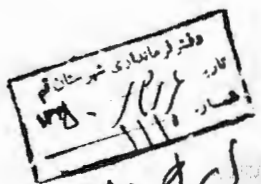
بازگشت به شماره ۹۹۲ مورخ ۵۰/۲/۱ استحضار می‌دهد چون اداره اوقاف

از صلاحیت اشخاص و رهبرها اطلاع ندارد و فرمانداری بواسطه ارتباط بیشتر با اشخاص مخصوصاً مستندین حلی دارند دارای اطلاعات لازم میباشند همین مناسبت از اختیارات خود استفاده نکرده و با اعتدای که از جهت فرمانداری هست انتخاب اعضا هیئت انصارین و پیمبروفی فرمانداری نمودند لذا اتناضاد دارد کماکان این رویه ادامه یافته و فرمانداری هم نسبت با خطا نظر در مورد مستندین اقدام فرمایند ضمناً "استحضار می‌دهد که مسجد جمکران دارای ۶ نفر امام آقای حاج محمد عبدالحی - محمد حاج سید ابوالفضل بوقی - حاج احمد بیگلری - تقی حاتمی - تقی حاتمی - محمد علی باده‌نهای مکرر این اداره فقط آقای حاج محمد عبدالحی و جلسات شرکت نمود میثیه نیز که شرکت کرده اند طبق آئین نامه مربوط نسبت به تعین رهبر و حسابدار هیئت انصارین ننموده اند و نظر می‌رسد که بین آنان حسن تفاهلی وجود ندارد لذا خواهشمند است دستور فرمایند بهر نحو که مقتضی می‌باشد اقدام فرمایند زیرا این اداره فقط اجرای آئین نامه مربوط به نگاهداری اماکن مقدسه است."

امضای سهیلی

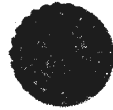
رهبر اداره مستندین اوقاف قموسرپرست حوزه های تابعه

۵۰/۳/۶



شماره: ۲/۲۲۲۲
تاریخ: ۲۰/۶/۴۰
پوست

سازمان اوقاف
اداره اوقاف شهرستان قم



موضوع: صدور گواهی درمحدوده شهر بودن موقوفه شاه جعفر و غیره

به: شهرداری محترم قم

خواهشمند است دستور فرمایند با عنایت به سابق امر که قبلاً مرقوم فرموده‌امند موقوفات شاه جعفر بخش ۲ و اما مزاد ۱ احمد میانه و غیره در تاریخ ۴۲/۵/۳ در محدوده مورد عمل شهرداری بوده در صورتیکه محدوده مزبور به تنهیب انجام شهرو رسیده تأییداً مرقوم فرمایند تا با اداره تعاون و امور روستاها داده شود. موجب تشکر است.

مجدد رسول طمانی
سرپرست ادار اوقاف قم

گرفتگان روز نوشت

۱- فرماتنداری محترم شهرستان قم به شماره ۴۱/۵-۷/۲۹۴۲-۲۵/۶/۱۰

جهت استحضار و دستور اقدام مقتضی.

۲- اداره کلیه امور اوقافی بهر شماره فوق الا شمار جهت استحضار.

سابقه میسر شد
مقرر شدانی را در این باب

شماره: ۲/۲۲۲۲
تاریخ: ۲۰/۶/۴۰
شماره: ۵۰۹۴



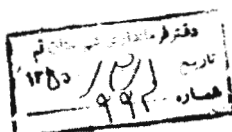
۱۱
۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۰

موضوع - معرفی مستخدمین محل
پسه - فرمانداری محترم شهرستان قم

برای تعیین رئیس و همایند هیئت انشای مسجد چمران از آقایان اعضای هیئت امانت عوت
بمیل آمده که آقای حاج محمد عبدالهس پاسبان مرسته دعوتی برای اجرای انجام خطبتهای شریعت
نشود و بدو جلسات حاضر نشده. لذا اعلیٰ آئین نامه هیئت امانت عوت اوقاف موظف است که بجای
ایشان کس دیگری را انتخاب و تعیین نماید و در این باره به شما اطلاع داده می شود. خواهشمند است دستور فرمایند یکی
از مستخدمین محل را که شایستگی داشته باشد انتخاب نماید. بر این کار انتخاب نماینده از ره معرفی نماینده
تأیید شود.

اسداله صبیحی

رئیس اداره مستقل اوقاف شهرستان قم و سرپرست شهرستانهای تابعه





نخست‌وزیر

سازمان اوقاف

اداره کل اوقاف منطقه فارس و بادر خلیج

شماره ۵۴۴۸

تاریخ ۱۳۰۴/۰۵/۱۳

پوست

بازرس مخصوص ریاست اداره بازرسی سازمان اوقاف

مطلب: نامه شماره ۱۲۰۰۷/۲ مورخ ۴۰/۴/۲۸ اشعار می‌دارد:

پس از فوت آقای جعفر حسن زاده محمدی موقوفات گرانتر عده ای از اهالی آن محصل

ملی نامه مورخ ۴۰/۲/۲۰ خود پیشنهاد واگذاری تعدی را برای آقای سلیمان

رستم پور نموده اند لیکن اداره آموزش و پرورش و اوقاف شهرستان لاریجانات پارس موضوع

تاکنون نظره اعلام نداده است.

مدیرکل منطقه اوقافی فارس و بادر خلیج فارس

فتح اله سمعی

آقای سرکار
۴۰/۶/۱۲

اداره بازرسی
۵-۶-۶
تاریخ
۱۹۳۷
۵۴۴۱
۲

۱۳۰۴



سازمان اوقاف

اداره کل اوقاف استان خراسان

۱۳۵۲/۵/۹

۵۱۵

دستورالعمل حقوقی
 (محرر)
 ۵۲/۵/۱۷
 ۵۲/۵/۱۷

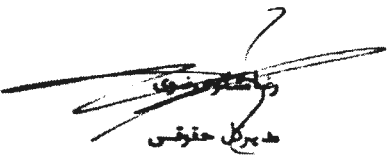
جناب آقا مدکتر آرمین معارفت محترم نخست وزیر ریاست سازمان اوقاف

احتراماً - سالتا است که یک سهم مغرور از ۱۸ سهم شش دانگ کل مزرعه بحرآباد بلاق یک اصلی چنان ۱۰ شهم موقوفه مزارعه نواب که مشتمل بر ۲۱ قاعه زمین مغرور میباشد بلامانع برای نوزالعه نازل در تصرف آقای سرحد علی اسفندیاریانی هند مانع شراکت است و علت اختلافات موجود بین متصرف مرقوم و موقوفه بدین دعوی در دادگستری میادیت شده است . - بمنظور حفظ و اخذ حقوق موقوفه با انجام مذاکرات فاعل و تشکیل جلسات مکرر مغرور گردید بین طرفین توافق و سازش نبود بنحویکه من جمیع الجہات منافع و مصالح موقوفه منظور و ملحوظ گردد و سرانجام بدین مقرر جلسه مورخ ۵۲/۲/۱۳ برای تصویب سازمان اوقاف شهرستان منعکس شد . - باکمال تألم با استحضار عالی میسرماند . - اگرچه برای اتخاذ تصمیم و اعلام نتیجه امر قریب مدت سه ماه پیشنهاد این اداره در تهران معادل و معوق مانده با وجود این ارجح به نحوه پاسخ اداره کل حقوقی و نبیستی مستفاد میشود که توجه کافی به مستفاد پیشنهاد منعکس در صورتجلسه موقوف الذکر ننموده است زیرا .

مکاتبه داخلی سازمان اوقاف

موضوع:	شماره ۱۶۲۱ (۱۳۴۲)
از:	تاریخ ۲۹/۱۲/۱۳۵۴
به:	محلله اوقاف اصفهان بیوست

با ارسال تحویل نامه آقای ابراهیم ابطحی مدیر اعلام داشته که پدر ایشان در زمان حیات خود تولیت موقوفات را در شهر اصفهان به عهد داشته و چند رقبه از موقوفه را بنام شخص خود تقاضای ثبت نمود و اکنون نامبرده که نوزاد و وارث ایشان میباشد میخواهد باین امر اصرار احراف دارد طبعاً خواهشمند است تیرا گزارش جامعی از جهان امر ضمن تعیین رقباتیکه تحت تولیت و یا تمدی آقای حاج سید محمد ابطحی (طبق به حاج آقا سدهی) اداره میشده تهیه و ارسال داجد و نسبت به احیاء رقبات مزبور هم در صورت امکان سایر رقبه را دعوت و مذاکره شود که چنانچه اقرار بر حقیت دارند نسبت باطوره موقوفات اقدام گردد مستأ جهاً بقی رقباتی که مرحوم سید محمد ابطحی بنام خود ثبت داد با شماره پلاک آنها تعیین و اعلام گردد.


 مدیرکل حقوق

شماره _____ تاریخ _____ ماه _____ ۱۳۳۰ _____ دائره _____

نوعی است
==

آقای _____

مستولی
مستدی

مستولی
مستدی

چون بجز دستورات مرکز باید وضع موقوفات اینجوزء از رلظ روشن شود و لیکن از اوقاف مهم مستولیان
تدبیر بودجه و پرداخت حقوق ادا ری و تسلیم صورتحساب است که باید براسس وقتیمحاسبه موقوفات
در کمیسیون تحقیق رسیدنی و مفصلا حساب صادر گردد • بنابراین خواهشمند است درجه ز دسترس
در انجام موارد فوق اقدام تعالید نامشولیتی منوجه جنابعالی نشده و این اداره بجز ماده ۶۴ قانون
اوقافت خبر از تدبیر قرار منوبیت ویا لحو تبدی نکردد • دراین موقع که اینجانب وسایر همکاران
اداری برای انجام کارهای مراجعین اعاده شستم تا احیاناً استانی نیز در کار آریان وجب شود •
داشته باشد برابر مقررات مرتفع شود • انتشار دارد همکاری لازم را با این سازمان معمول دارند تا
اولاً • بجز خواسته واقفیت بعضی خود را انجام داده و ثانیاً این اداره نیز بتواند برابر مقررات
بجای اطف قانونی خود عمل نماید •

رئیس اداره اوقاف شهرستان قزوین - خرسند

۱/۱
۱/۱
۱/۱

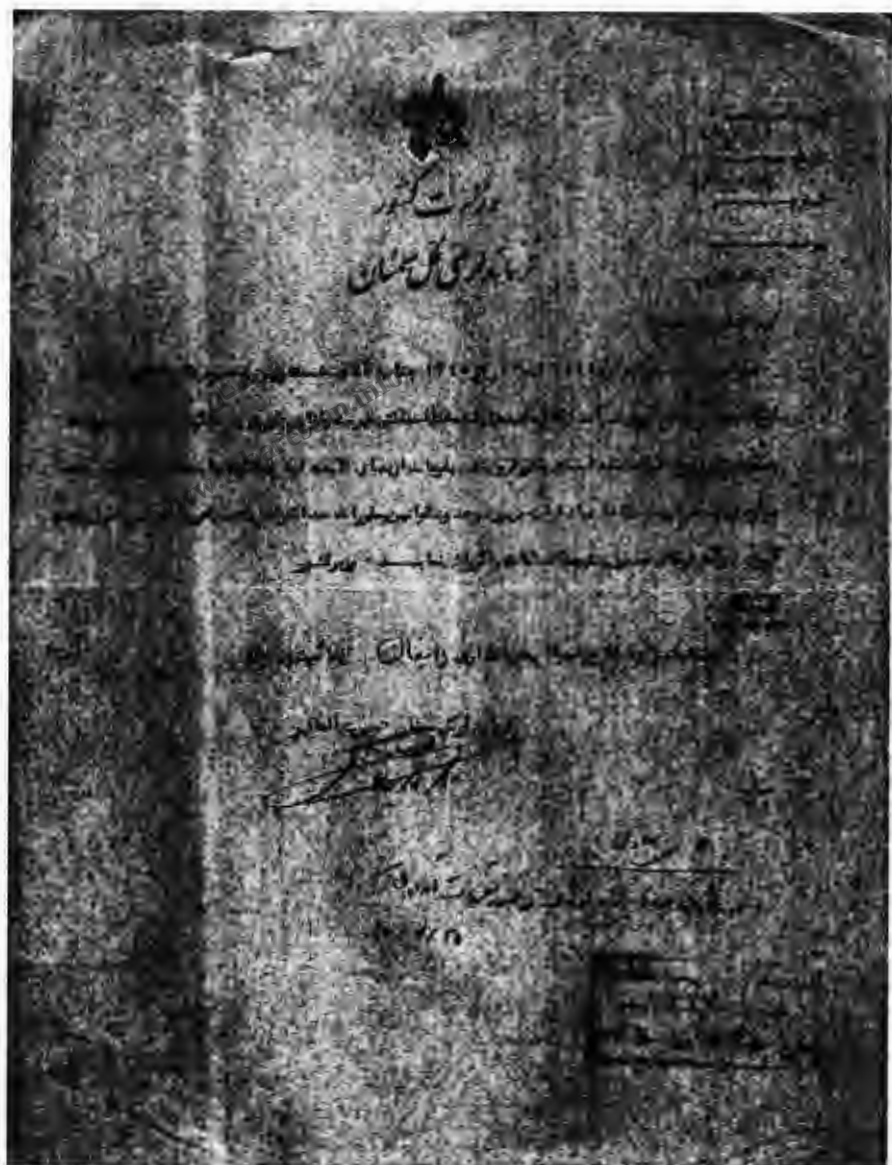
۲۶۵۳
۵/۵/۱۸
روزنوبت چهارم استخبار سازمان محترم اوقاف تقدیم میگردد •

۱/۱
۱/۱
۱/۱

رئیس اداره اوقاف شهرستان قزوین - خرسند



۵۰-۵۰-۵۰
درود بقدر سازمان اوقاف
تاریخ ۲۳/۵/۱۸
شماره ۱۷۷۷۷



داده. قیمت آن هشتاد و پنج هزار تومان

۵۹
۱۷/۱/۵۸

مقرر نمودند احداث یک مدرسه در محل اوقاف و در آنجا یک مدرسه بنام حضرت علی (ع) بنام

۱- زمین در محل اوقاف به مساحت ۴۰۰ متر مربع و در آنجا یک مدرسه بنام حضرت علی (ع) بنام

۲- زمین در محل اوقاف به مساحت ۱۹۸۵۵ متر مربع و در آنجا یک مدرسه بنام حضرت علی (ع) بنام

۳- زمین در محل اوقاف به مساحت ۴۰۰ متر مربع و در آنجا یک مدرسه بنام حضرت علی (ع) بنام

۱- زمین در محل اوقاف به مساحت ۴۰۰ متر مربع و در آنجا یک مدرسه بنام حضرت علی (ع) بنام
۲- زمین در محل اوقاف به مساحت ۱۹۸۵۵ متر مربع و در آنجا یک مدرسه بنام حضرت علی (ع) بنام
۳- زمین در محل اوقاف به مساحت ۴۰۰ متر مربع و در آنجا یک مدرسه بنام حضرت علی (ع) بنام

۴- زمین در محل اوقاف به مساحت ۴۰۰ متر مربع و در آنجا یک مدرسه بنام حضرت علی (ع) بنام

۵- زمین در محل اوقاف به مساحت ۴۰۰ متر مربع و در آنجا یک مدرسه بنام حضرت علی (ع) بنام

۶- زمین در محل اوقاف به مساحت ۴۰۰ متر مربع و در آنجا یک مدرسه بنام حضرت علی (ع) بنام

۷- زمین در محل اوقاف به مساحت ۴۰۰ متر مربع و در آنجا یک مدرسه بنام حضرت علی (ع) بنام

۸- زمین در محل اوقاف به مساحت ۴۰۰ متر مربع و در آنجا یک مدرسه بنام حضرت علی (ع) بنام

۹- زمین در محل اوقاف به مساحت ۴۰۰ متر مربع و در آنجا یک مدرسه بنام حضرت علی (ع) بنام

۱۰- زمین در محل اوقاف به مساحت ۴۰۰ متر مربع و در آنجا یک مدرسه بنام حضرت علی (ع) بنام

۱۱- زمین در محل اوقاف به مساحت ۴۰۰ متر مربع و در آنجا یک مدرسه بنام حضرت علی (ع) بنام

۱۲- زمین در محل اوقاف به مساحت ۴۰۰ متر مربع و در آنجا یک مدرسه بنام حضرت علی (ع) بنام

۱۳- زمین در محل اوقاف به مساحت ۴۰۰ متر مربع و در آنجا یک مدرسه بنام حضرت علی (ع) بنام

۱۴- زمین در محل اوقاف به مساحت ۴۰۰ متر مربع و در آنجا یک مدرسه بنام حضرت علی (ع) بنام

نموده ۱۴۱۸

خلاصه حساب کل درآمد هزینه مال ۸۹ و ۱۳۵۸ موقوفه
موقوفه خیریه

ردیف	نوع در آمد		شماره در وجه	مبلغ		نوع هزینه	مبلغ	
	د	ریال		د	ریال		د	ریال
۱		در آمد وصولی - سال جاری		۱۵۵۰۰		هزینه فصل اول بودجه		۵۷۰۰۰
۲		درآمد وصول نشده		—		هزینه فصل دوم بودجه		۵۷۰۰۰
۳		موجودی سال قبل طبق مقایسه حساب		۷۸۱۱۰		هزینه فصل سوم بودجه		۵۷۰۰۰
		شماره ۲۹۷ ۳۰۰۰۰۰۰۰ دفتر اسناد		۳۵۰۰۰		جمع هزینه		۲۰۷۷۸۰
		موجودی نقلیه اعتباری		۱۲۵۰		هزینه فصل چهارم بودجه		۲۵۰۰۰
		در وجه سرآمد				در وجه سرآمد		۱۷۰۰۰
						موجودی برای موازنه با در آمد		۳۹۰۰۰
						زبان اعتباری		۲۷۱۱۸۰
		جمع در آمد طبق بودجه سال جاری		۲۷۱۱۸۰		جمع طبق ستون در آمد		۲۷۱۱۸۰

[illegible]

رئيس اوقاف آذربايجان

دائیس حامدی

شماره ۲۴۲۰

تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۹۱

پیوست



وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی

اداره کل اصلاحات ارضی و تعاون روستایی فارس

بازرسی
بج
۴۹

فرمانداری قسم گشتان مری

عطف نامه شماره ۳۵۷ / ۴۹، ۳، ۳

ارامی، بر واقع در محدوده سرحد هزاره بر سیدیه فرمانداری گشتان مری
سرحد گشتان مری، جهت تأسیس ده بخشداری در اختیار عمده از اهالی گشتان مری
در سیدیه تقاضا دارد نسبت به امداد اعیان خانه مری در آن محل
ایجاد شده سرحد مری نسبت به امداد اعیان خانه مری در سیدیه
ملک مراتب موجود در آن فرمانداری جواب لازم به ذیفع داران شود
رئیس اداره اصلاحات ارضی و تعاون روستایی گشتان مری

درد
با توجه به آنکه در

۶۰۹
۴۹/۴/۳
۴/۵



نصرت وزیر

سازمان اوقاف

اداره اوقاف لارستان

تاریخ

پیوست

اداره مخبر تب استاذ وامدات لارستان

مخبراً به پیوست رونوشت استشهاد محلی مربوط به پدک شماره ۱۷۶۱ موقوفه مسجد حاج نوناد که فعلاً بهر شکیاب آهوزگاه مشهور به بازگانی ویش بایدگان بهسجه اوقات محلی است دستور فرمائید نسبت به ثبت آن اقدام لازم معمول فرمائید. ضمناً اداره اوقاف لارستان - سید جبروی

ع ۸

رونوشت جهت استحضار مدیریت و ضعه اوقاف فارس و نادر خلیج فارس تقدیم و محرز میسراند که متن سرگسی که پیوسته ایز در تاریخ ۱۷/۱/۱۱ بهض آمد مذکور گردید که محل دگان

شهر یزی موقوفه مسجد حاج نوناد محلی آن وسیله برادران بازگانی آهوزگاه احدات و در اختیار اداره آهوز و در آن قرار گرفته و متنی از آنهم پیش باب معاره احدات نمودند پس از بررسی و تحقیقات کامل مبادرت به تنسیم استشهاد محلی گردید که عدد اراغالی محل که مستمعین هیدارند ذیل استشهاد اعضاء که به نسخه از آنرا بهسجه تقدیم مبادرت و البته نتیجه افاضات بعدی عم مرتبا گزارش خواهد شد -

ضمناً اداره اوقاف لارستان - سید جبروی

ع ۸

رونوشت جهت استحضار اداره محترم کن امور فنی سازمان اوقاف تقدیم مبادرت

۱۳۰۷/۱۹

و سر اداره اوقاف لارستان

سید جبروی
۱۳۰۷/۱۹

۱۳۰۷/۱۹
۱۳۰۷

۱۳۰۷/۱۹
۱۳۰۷

۱۳۰۷/۱۹
۱۳۰۷

چاپ گنجینه



دایره

شماره ۳۸۱۹
تاریخ ۱۳۷۷/۷/۸
ضمیمه

شماره ۳۸۱۹
تاریخ ۱۳۷۷/۷/۸

قام محترم معاونت نخست وزیر و ریاست سازمان اوقاف

محترماً با استحضار میرساند = چون ماده ۱۱ از اساسنامه بودجه که در مبحث بودجه سکونت

دارند در حرم غری قنات دولت آباد موجوده محال است به خاطر تنگناهای بودجه

بودند و تطبیقات بهر برداری آنان موجب خشکیدن بودجه محال است

برای حفظ همین وضع موجوده با تنظیم و تسلیم دادخواست طلبه آنان جهت دسترسی

طرح دعوی نبوده و برای طلبه جهت از انان از طرف دادگستری ضرورتی ندارد

میرده شده است چون این موضوع برای این منظور اعتباری در اختیار نداشت و

موجوده هم در ادبی که تکلیف این منظور را تسلیم ندارد این شماره ۳۸۱۹-۳۰-۳۷

با اداره کل حقوق و تقاضای درخواست حواله اعتبار مبلغ ۳۰۰۰۰۰۰ ریال را نبوده -

است که تاکنون حواله مبلغی بهر ارسال نداشته اند طبقاً استعلام دارد همانطوریکه

در "ور" و "ده" ارسال مبلغ مورد بحث را از بودجه دستور فرمایند نسبت به درخواست ارسالی

اقدام نمایند تا بهر از این دادخواست های ارسالی در پیوند تاخیر قرار نگرفته و جلوگیری

و زمان وارد بهر موجوده گرفته شود

سرپرست اوقاف و خزانه های تابعه

مهر و امضاء

در استحضار
معاونت نخست وزیر
وزارت فرهنگ و معارف
تاریخ ۱۳۷۷/۷/۸
شماره ۳۸۱۹

شماره ۳۸۱۹
تاریخ ۱۳۷۷/۷/۸

در استحضار
معاونت نخست وزیر
وزارت فرهنگ و معارف
تاریخ ۱۳۷۷/۷/۸
شماره ۳۸۱۹



جناب آقای دکتر نصیری وزیر محترم مشاور

عطف بدستخط مورخ ۹۶/۲/۲۸ جناب عالی در صد رقاعای آقای

محمد حاج محمودی زحمت اشعاریدارد :

طبق گزارش مازرس حوزه سازمان اوقاف ، اصولاً آقای حاج محمودی

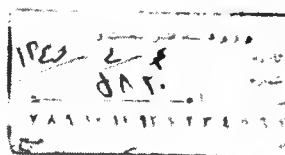
حقوق بگیر مدرسه مشیرالسلطنه نبیاشد بنابراین پرداخت هزینه تحصیلی

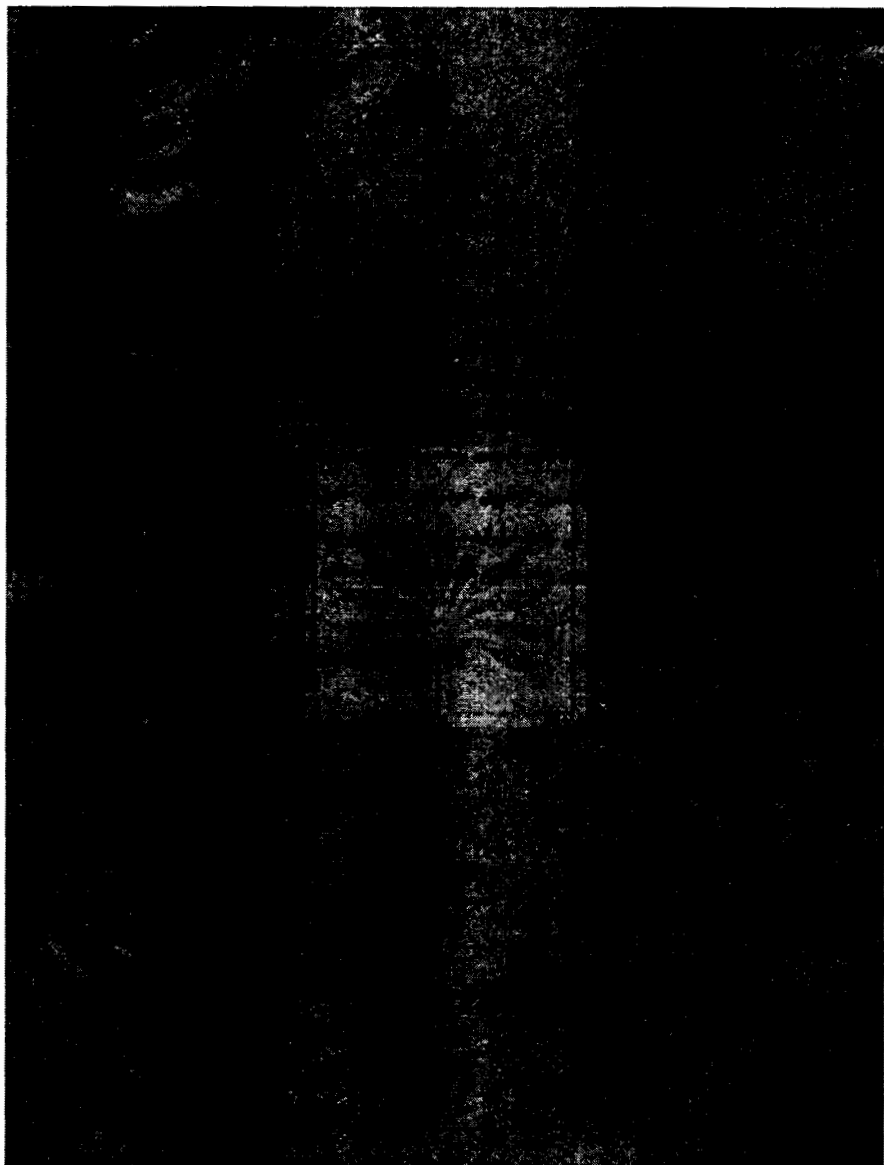
مستمر تا مجرده مقدور نیست . م

معاون نخست وزیر رئیس سازمان اوقاف . - عمار

معاون وزیر

(۱)





[illegible]

دو فرشت گناه آفاق را میبرد

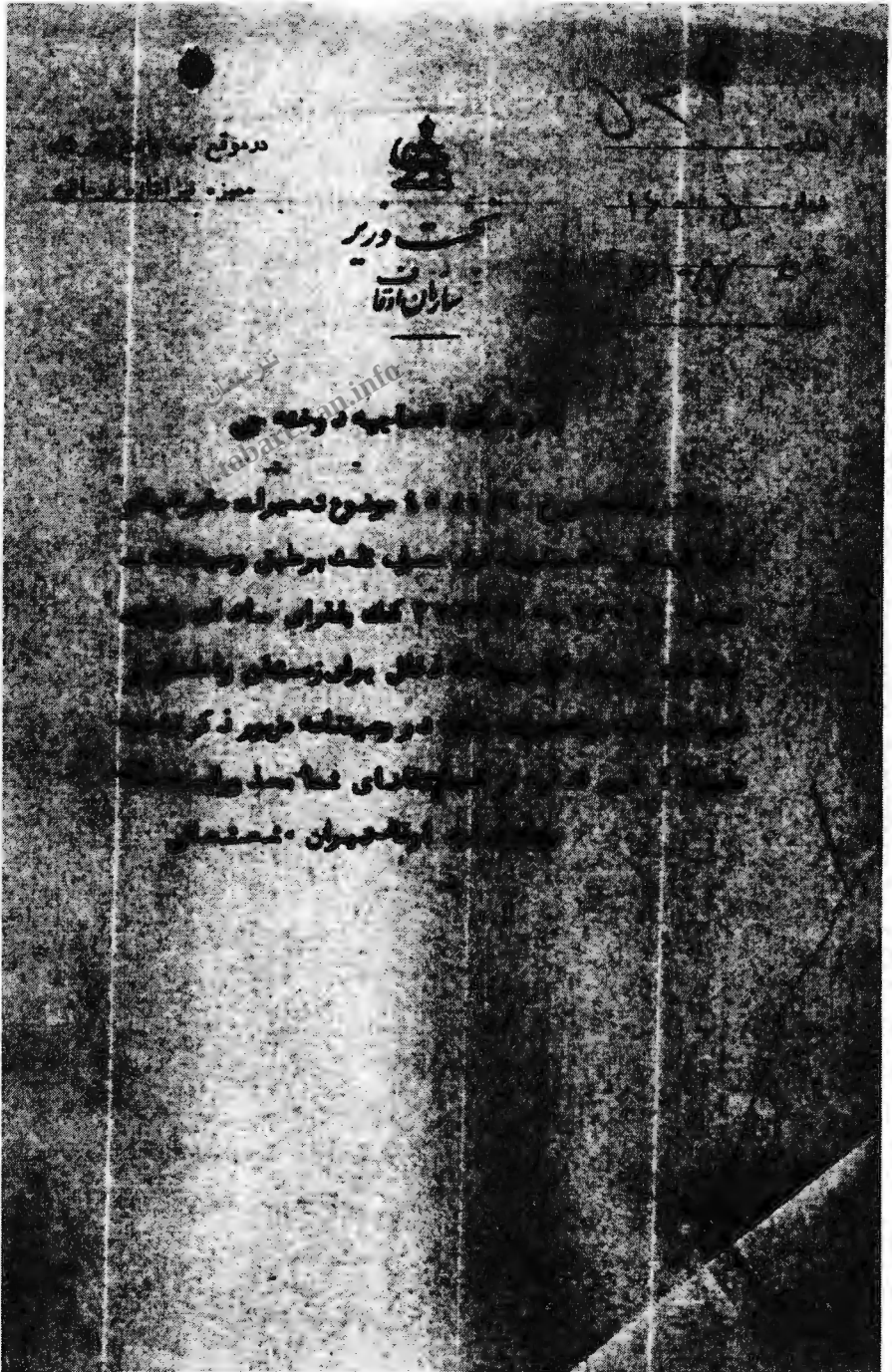
و با دست خرم مستوجب الطور که لدونش اینهاست اطلاع دارد و دست فرشته سفلی استخوان ملک

تحقیقی فرزند نام با نیایش گد فرایه با تقدیم اقسام امیه ۲۹/۷/۴۸ امصار
حسابدار از مجلس بلایان که میشود مساعدی بر قوف علم واقع میشود مبلغ هزار ریال بکند نماید

تبرستان

۲۹ مهر ۱۳۴۸. نیساراده

دو فرشت برابر اصل است و فرزند نام خرم آباد
ایمان خرم آباد در استان





نشان

سازمان اوقاف

اداره کل اوقاف منطقه فارس و بندر خلیج

دفتره

جناب آقای شماره اولیست محترم نخست وزیر است سازمان اوقاف

محترماً با استحضار میرساند *

مذکور بود که حوزه اوقاف فارس ستان زیر نظر سرپرست اداره آموزش و پرورش محصل اداره میدوید و بعد از عدم آشنائی کارکنان ذریعہ با حوزہ اوقاف و وضع اوقاف آنحوزه رعایت بخش نبود تا اینکه اخیراً با تراز کردن اوقاف مجهرم جبه سرپرست اوقاف در استان تعیین گردید که بتوان بنحویست ای اوقاف انحصار اداره نمایند و بر اثر مشکلات بی دردی اوقاف منسور لازم گردید مسافرتی بندر قه لارستان بنویس و این مسافرت انجام شد و در روز پنج روز قه بندر قه نصیه شهرستان لار، کراس، ایز، خنج، سرکشو گردید و اقدامات بعمل آمد و پس از اختتامی از اوضاع محلی را بدلا بعرض میرساند و استدعای رسیدگی و تهره شایسته موقوفات حوزہ میسر را در آن موارد که مربوط به سازمان اوقاف و صدور اوامر جنایعالی است دارد *

۱- در باب قیامت و سایر بخشها و قیامت لارستان و خود مرکز را راضی موقوفه زیاد موجود است که بهیچوجه قابل کشت و زرع نیست و دیناری عایدی برای موقوفه ندارد و برعکس برای حفظ این اراضی از دست رفتن و تخریبها و خسارتها و سایر اوقاف محلی همیشه اوقاف محلی وقت خود را صرف مراجعه و مکتبها میبایستند و امری و شهرت و ادالتی نمایند و شخص مخارجی کردند که شاید بتواند اراضی را حفظ نماید *

۲- اهانو محلی منطقه لارستان و توابع آن بیشتر از مردمانی تشکیل یافته که بر معادات و سنن دیرینه خود با اعتدال محلی بندر و میبایستند و برای چند سال ترتی بود اصل خود میبایستند و کثرت و فقر و سردی و سایر اینها در مسافرت میبایستند مقداری پول بدست آوردند با مراجعه به بعضی اعلی خود در بندر میبایستند تشکیل خانه و زندگی و خانواده دهند و در همین موقع است که قسمت باقیمانده ازار اوقاف موقوفه تبدیل به ساختمان سرد و اختصاص نمیداد و بعنوان مختلف از عدم اطلاع در اینگونه افراد بغایت میبایستند استفاده نموده و باطلی فراهم نموده و با ایجاد صحنه های غیر صحیح اراضی موقوفه را جهت ساختمان بناها و کاخها میبایستند و اینگونه انحصار هم فقط برای چند ماهی در بین آن مشغول و تشکیل ساختمان خانه داده و خانواده خود را در آن سکونت میدهند و بعد از مسافرت میبایستند و اینگونه اداره اوقاف هم بخواهد از طریق مراجع

۱۳۰۴/۱۲/۲۶

تاریخ ۱۳۰۴/۱۲/۲۶

بسمت سرکنسول

مهر و امضاء

رئیس اداره اوقاف

تعمیم

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

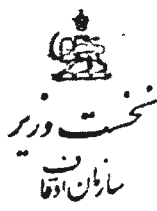
۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

۹۶۱۲۲۶

در موقع تهیه پاسخ بحروف
مبیزه نیز اشاره فرمائید



اداره
شماره
تاریخ
ضمیمه

آقای حسین حاجبها متعدی منوع المدخله موقوفه حضرت
کنفیا

تعقیب نامه شماره ۵۴۷-۱۰۰۱۰-۱۶/۶/۴۵ نامه

است هرچه زودتر نسبت به تحویل قبوض اقساطی مستاجرین موقوفه

که نزد شما میباشد به حسابداری این اداره اقدام نمائید آ.

رئیس اداره اوقاف تهران - شعبه حسابی

۶۲۸۵۷
۶۲۸۵۷
۶۲۸۵۷

رونوشت برای تعقیب بدایره حسابداری فرستاده میشود آ.

رئیس اداره اوقاف تهران - شعبه حسابی

۵
۶۲۸۵۷
۶۲۸۵۷
۶۲۸۵۷

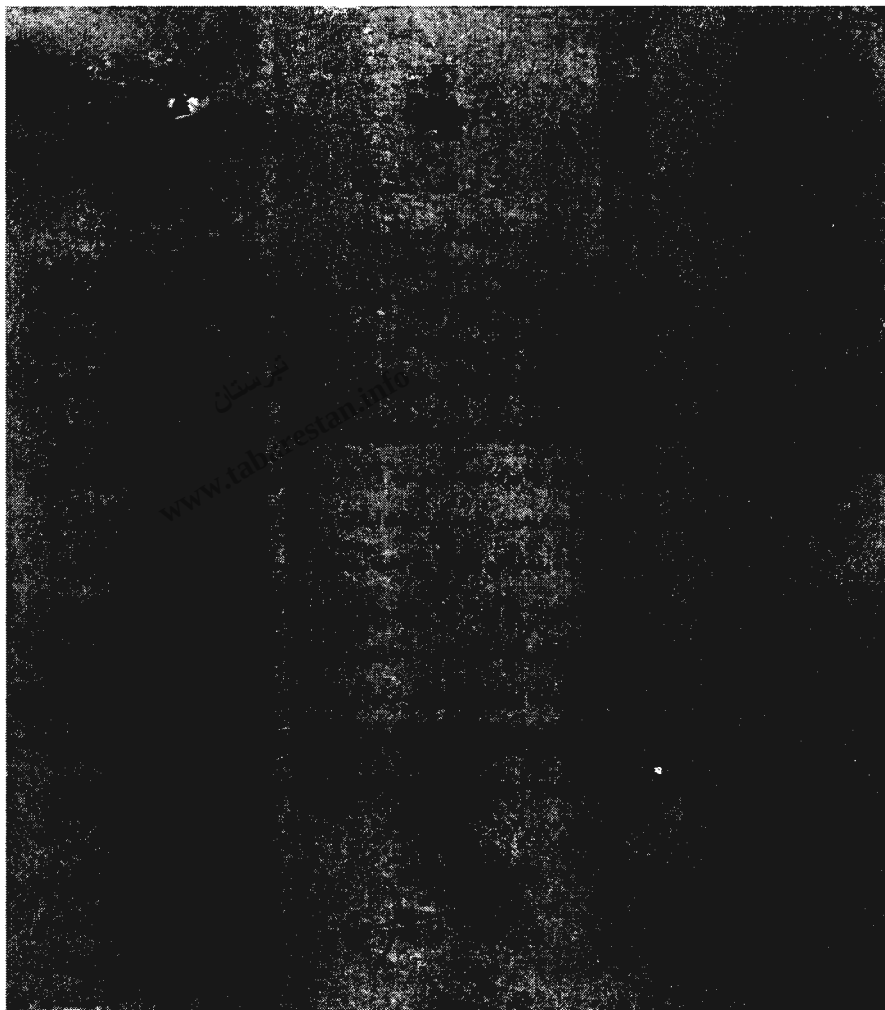
۴۵/۱۱۷

جناب آقای پیرنیا استاندار محبوب استان فارس

با تقدیم شایسته ترین احترامات عرض می‌دارم این جانب میرزا حسین حسینی متولی موقوفه حمد میرزا قاضیعلی
فرزداران طبق سوابق و پرونده موجود در اداره اوقاف داراب و استان فارس فردی برپیشتر از تعدادی مزرعه دهکوه -
داراب موقوفه حمد میرزا قاضیعلی متولی میباشم و مایستی قانوناً نظارت و دعالت تمام لیکن با توسل و تضرع فراوان
معمال معصود دیوان سرافراز بهیستنی فرزند قاضی میرزا که از افراده زادهان این شهرستان بوده و حاضر نیستند با قدرتها
جوده قبل از انتقال به و اراضی کثرت و هنوز سرخها نشان مرا آخرین بقیه ای بقیه الهم برود که چندین مرتبه مراحم این جانب
نده و بدین سان است که ادعای طلب بودن موقوفه مزبور داشته و محصول آن را به خود میرزا الحسن می بردند اما آن عاملی
و رئیس سابق دادگاه بصره داراب بواسطه فرابت با ناسیردان با توجه به مدارک و اصل و نقل و احوال جناب آقایان
حضور داده و کلیه دعاوی اوقاف استان را به یکدست و یکجمله به حکومت محترم و این فوق الذکر مامور خواهد شد بر این حفظ رابطه
خوشاوندی و تسخیر حقوق بنده پرونده را که بکلی حل و فصل گردد و متعلق بنده در پیش فعلی داده
داراب بر غرض عدالت و وجدان مقام قضاوت و بدین توجه با این موضوع که عرضا بر سرند اما مامور حاکم است و عرفا
با پذیر موازین قانونی حکومت گذارنا میردان طرفدار و این جانب داری با آن مرتبه از معصومانده که مدعی است -
چنین پرونده ای فرداگاه داراب موجود نیست چرا که هم اکنون هم کسارمان محترم احلا حاکم ارضی و اداره اوقاف -
داراب با تصدیق به وفایت ملک مزبور با جاریه همان داده اند تا میرده بعد از چندین سال حاضر برپا و اداری آن نیست
و بطریق مذکور سبب ناراحتی این جانب است و افرام میسازند که اذیتا دارم که امر محترم فرماید در تهیه داد موقوفه
که بدگاه عدالت این شهرستان نیز به مقام و هم آهنگ با رفیق اداری که ناشی از محو تا اخیر گذشت
مخصوصاً در قسمت اموال و اوقاف و چنانچه در وینام جانب داری از افسر اداری که هیچگونه خط عیبنا مزاحمت مردم بوده است
سید میرمردی را که پیشتر در غوغای زندگی کرده و طالب سرچو از مال مردم نبوده و انفاق اله در چندین بار عصر
هم نخواهد بود و شوقند تا بر من بهر مردم قایت خود که و افسر کردانندگان بدگاهها ان اداری مملکت و یکریا ندی ندارند
و رفیق بازی برآستانه محو تا ادعای مملکت جان خود را به حمایت از حق و قانون داده است -

با تقدیم احترامات فائده خفوی موقوفه حمد میرزا قاضیعلی - میرزا حسین حسینی

۲۸۸۴۵



فرمانه

استانداری

فرمانداریکل

۲/۸۴۰۷
 ۴۸/۱۱/۲۷

با توجه استندارد ارند در اجرای منویات اعلیحضرت شاهنشاه آریامهرو
 ایمان واقعی باعزل انقلاب کلیه سازمانهاست اورحما نکی با ۵۰ فای علی انقلاب
 و معازات سایر تحولات اجتماعی برای بشر رسانیدن این نهضت ملی بر حسب وظیفه ای که
 بعد آنها محول گردیده برنامه و فعالیت های بی تیری را در مقابل مینمایند .

اینست از سازمان اوقاف اعلام داشته اند که با استفاده از امکانات مادی و معنوی و
 جلب همکاری و تشریک مساعی عده ای از انقلاب و روحانیون کشور جهت تسویر افتار عمر مسی و
 تبلیغ صحیح نماز اسلامی و تشریح اصول انقلاب طرح های مقدماتی خود را در صلاح قسمتی
 از روستاهای کشوریاده نموده اند و عده ای از اسر و روحانیان با عنوان (مروجین مذہبی) با
 سازمان اوقاف همکاری مینمایند . با توجه باینکه ممکنست مروجین مذہبی با مشکلات و موانع
 مواجه شوند علیهذا ایجاب میکند برای بر طرف کردن عوائق مورد حمایت ریشتمانی ماموران
 مربوطه محلی قرار گیرند و از جهت حفظ شصیت روحانی به پیشنهاد آن آنان در محل تر
 اشرفی داده شود .

با ارسازیدن نامه دفتر ریاست مروجین مذہبی ، خواهشمند است دستور فرمائید
 نهایت همکاری را در پیشرفت و افاضات آنان بعمل آورده شما از نظر حفظ وجهه روحانی
 مروجین مذہبی در انظار عمومی اقدامات عام المنفعه ای که در روستاها وسیله مروجین مذہبی
 پیشنهاد و انجام مییابد در مذاکره مربوطه منعکس نموده و تلاش و کوشش آنان در انجام
 کارهای مفید مورد توجه مقامات مسئول قرار گیرد تا بدین طریق برای مروجین مذہبی کسب
 و احداث بیشتر و در انجام و افاضات مربوطه موفقیت بیشتری حاصل نمایند .

از طرف وزیر کشور

رئیس المسی

تبرای ارجاع است .

شماره

تاریخ

پیوست



وزارت کشور

فرمانداری شهرستان شاهرود

فرماندهایکل محترم

محرمات

بدانکه احتیاج دارند در احداث بناها یا تعمیرات آنها آریامهر و ایثار و اتم با سون انقلابیکه سازمانها بدینطور هم آهنگی با هدفهای ملی انقلابی و عوارث سایر تحولات گوناگونی برای به پیش رسانیدن این نهضت ملی بر حسب وظایفشان که محوله آنها محول گردیده و برنامه و فعالیتها را در این میان با اتمام این سازمان اوقاف اعلام داشته اند که با استفاده از امکانات مادی و معنوی و با کمک و تشویق و مساعدی مددکاران و خطای و روحانین کشور جهت ترویج افکار عمومی و تبلیغ صحیح شعار اسلام و تشریح اصول انقلابی - مقدساتی خود را در سطحی گسترده و گسترده پیاده نموده اند و مددکاران از خطای و روحانین با شوق و اشتیاق (روح مدد) با سازمان اوقاف همکاری می نمایند . با توجه با آنکه معکوس مروجین مدد می باشند که موافق مواجیه شوند علیه آنها ایستادگی برای بر طرف کردن موانع مردم حمایت و پشتیبانی سازمان مروجان محلی قرار گیرند و از جهت حفظ شخصیت و هویت به پیشنهاد آنان در حسن ترسیم اثر نبره داده شود . با ارسال پاسخده دفترچه وثاقت مروجین مدد می خواهند استند ستر فرماید نهایت همکاری را در بر طرف کردن وثاقت آنان بعمل آورده و خطای از نظر حفظ وجهه روحان مروجین مدد می دارند و در امور عمیق اقدامات عام الضمه آنکه در روستا ها وسیله مروجین مدد می باشند و انجام می باید در مذاکره مروجان شعاعی نبوده و تلاش و کوشش آنان در انجام کارهای مفید مورد توجه مقامات مسئول قرار گیرد تا بدین طریق برای مروجین مدد می گسیخته و جنبه ترویجی شده و در انجام وثاقت مروجان موفقیت بیشتری حاصل نمایند .

از طرف وزیر کشور رضا ماظمی

۱۳۴۰/۱۲/۲۴

روئیت با انعام پاسخده از وثاقت مروجین مدد می فرماندهان شهرستان شاهرود ارسال خواهند استند ستر فرماید اهتمام کامل در احداث و تعمیر معجز و مرا تیرا و نحو مقتضی با قایان بخفا را و نیز با ایستادگی .

امرج برهم فرماندار کل

۱۳۴۰

ارسال می شود .

رکام

فرماندار شهرستان شاهرود

۸۸۱
۲۸/۱۳/۱۸

مکاتبه داخلی سازمان اوقاف

موضوع:	شماره ۷۷۳ - ۳۳۳
از: حوزه اوقافی استان زنجان	تاریخ
به: مقام محترم معاونت نخست وزیر و سرپرست عزیز سازمان اوقاف	پیوست

احتراما* با استحضار میرساند طبق دستور مقام استانداری کمسیون در راستانداره با شرکت دهه ای از مدیران کل و رؤسای ادارات جهت نحوه بررسی مراسم و اسانامه حزب رستاخیز ملی ایران برگزار گردید و ترتیب اجتماع روحانیان پاینجان و اگدار - گردید بادعوتی که از طرف حوزه اوقافی استان زنجان از حضرات علما بعمل آمد روز پنجشنبه ساعت ۱۰ صبح ۵۴/۱/۲۸ در مسجد اعظم امامزاده ابراهیم - علیه السلام جلسه ای با شرکت ۸۵ نفر از روحانیان شهرستان زنجان تشکیل گردید ابتدا آقای یعقوبی کارمند روحانی این اداره در ترغیب روحانیان محترم در شرکت در مسائل و امور اجتماعی و سیاسی صحبت کردند سپس جناب آقای بهروز معاون محترم استانداری و فرماندار عزیز شهرستان زنجان در نتیجه و تحلیل سه اصل بنیادی مراسم و سواد اسانامه بهانات شهوائی ایراد فرمودند در خاتمه آقای شیخ اصغر موسوی اشعار را که در ستایش شاهنشاه آریامهر سروده بودند - قرائت کردند و جلسه با تائید کلی مراسم و اسانامه در ساعت ۱۲ ظهر پایان - پذیرفت سه قطعه عکس مربوطه به پیوست تقدیم میگردد .

بسم الله الرحمن الرحیم
رئیس حوزه اوقافی استان زنجان

گیرنده

رونوشت بمقام محترم استانداری جهت استحضار تقدیم میگردد .

۱۸
۱۱۵

دفتر استانداری زنجان
شماره ثبت ۱۴۴۵
تاریخ ۱۳۸۴/۲/۲۹

۱۴۴۵
۵۴/۱/۲۸

صورت برابر ۱/۱۵ از موقوفه و سه سیزده یکم برابر صورت اهدا در حق موقوفه ۱/۱۵

ردیف	نام سهدت	اطراف کل سال ۴۷	بقیه ابارد سال ۴۵	بقیه ابارد سال ۴۶	جمع کل اوقاف
۱	۵/ طایع ۱/۱۱ کمری	۱۲۳۴	پرداخته	پرداخته	۱۲۳۴
۲	۲/ کمری منورله و طایع	۱۰۰۰	"	"	۱۰۰۰
۳	۳/ طایع منورله	۵۶۷	"	"	۵۶۷
۴	۴/ ابرامی ماسیر	۳۶۷۶	"	"	۳۶۷۶
۵	۵/ مرصا دریا	۲۰۰	"	"	۲۰۰
۶	۶/ علیقلی حق یوزدر	۱۲۴	"	پرداخته	۱۲۴
۷	۷/ سلطان حنین یوز	۵۵۰	"	"	۵۵۰
۸	۸/ محمد مستار یوز	۷۷۵	"	"	۷۷۵
۹	۹/ مستطین حیدر یوز	۲۶۷	"	پرداخته	۲۶۷
۱۰	۱۰/ محمد علی حیدر یوز	۹۰۰	"	"	۹۰۰
۱۱	۱۱/ محمد مستطین حیدر	۱۰۷	"	"	۱۰۷
۱۲	۱۲/ محمد حنین یوز	۱۰۰۰	"	"	۱۰۰۰
۱۳	۱۳/ علی یوزدر	۱۳۰	"	پرداخته	۱۳۰
۱۴	۱۴/ حسن یوزدر	۷۰۰	"	پرداخته	۷۰۰
۱۵	۱۵/ ابرام یوزدر	۷۴۲	"	پرداخته	۷۴۲
۱۶	۱۶/ محمد یوزدر	۱۲۶۸	"	پرداخته	۱۲۶۸
۱۷	۱۷/ محمد یوزدر	۵۲۴	"	پرداخته	۵۲۴
۱۸	۱۸/ محمد یوزدر	۹۰۰	پرداخته	۹۰۰	۹۰۰
۱۹	۱۹/ محمد یوزدر	۳۲۴	پرداخته	۳۲۴	۳۲۴
۲۰	۲۰/ محمد یوزدر	۷۶۷	"	پرداخته	۷۶۷
۲۱	۲۱/ محمد یوزدر	۵۰۰	"	پرداخته	۵۰۰
۲۲	۲۲/ محمد یوزدر	۸۷۶	"	پرداخته	۸۷۶
۲۳	۲۳/ محمد یوزدر	۷۶۰	"	پرداخته	۷۶۰
۲۴	۲۴/ محمد یوزدر	۱۴۰	"	پرداخته	۱۴۰
۲۵	۲۵/ محمد یوزدر	۱۶۰	"	پرداخته	۱۶۰
۲۶	۲۶/ محمد یوزدر	۴۷۰	"	پرداخته	۴۷۰
۲۷	۲۷/ محمد یوزدر	۱۰۰	"	پرداخته	۱۰۰
۲۸	۲۸/ محمد یوزدر	۹۶۷	"	پرداخته	۹۶۷
۲۹	۲۹/ محمد یوزدر	۳۶۷	"	پرداخته	۳۶۷

شماره ۵۵۴
تاریخ ۱۳۲۷
پیوست ۹/۱۷



وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی
اداره کل اصلاحات ارضی و تعاون روستائی آذربایجان غربی

امان اوقاف مهستان مهاباد
پیش نه تمامه ۱۳۸۵ - ۴۷,۹۱۳
تبع به تصنیف مالی اداره زاری
تبع به مهربان در سال جاری و سال بعد
چون در این باره کلی حالت مهربان و دولت روستا ،
در سال جاری مهربان مصوبی کاملاً ناسته و موضوع از طرف لیست دولت
درجه ۴۷,۹۱۰ مریب از سرکار دار ، ضمیمه دولت زاری مهاباد
درایت اداره کل و موافقت این و تقاضای روستا آذربایجان غربی مورد بررسی
و تأیید قرار گرفته است در این مقرر گردید که زاری با ۲۵ تصنیف
مالی اداره خود را در حق اوقاف اکتفا مریب پرداخت نماید
کلیل اداره اصلاحات ارضی و تعاون روستائی مهاباد
در این

در ۱۳۲۷
تاریخ ۱۳۲۷
۱۵/۹/۱۸ = ۱۵/۹/۱۸

محمد علی
رستمی
۱۳۲۷



نخست وزیر

سازمان اوقاف

اداره اوقاف شهرستان کرج

شماره

تاریخ

پیوست

تبرستان

آقای بهمدار

نظر باینکه اداره اوقاف کسین تقاضا نموده که کد اقامت با نامودین
مربوطه تشریف ساهی نماید بنابراین دستور فرماید باینکه کد اقامت
ابلاغ شود در موقع مراجعه نامبرده گان نهایت همکاری را بنمایند %

فرماندار شهرستان کسین - روحانی

گمرده

اداره اوقاف کسین جهت اطلاع

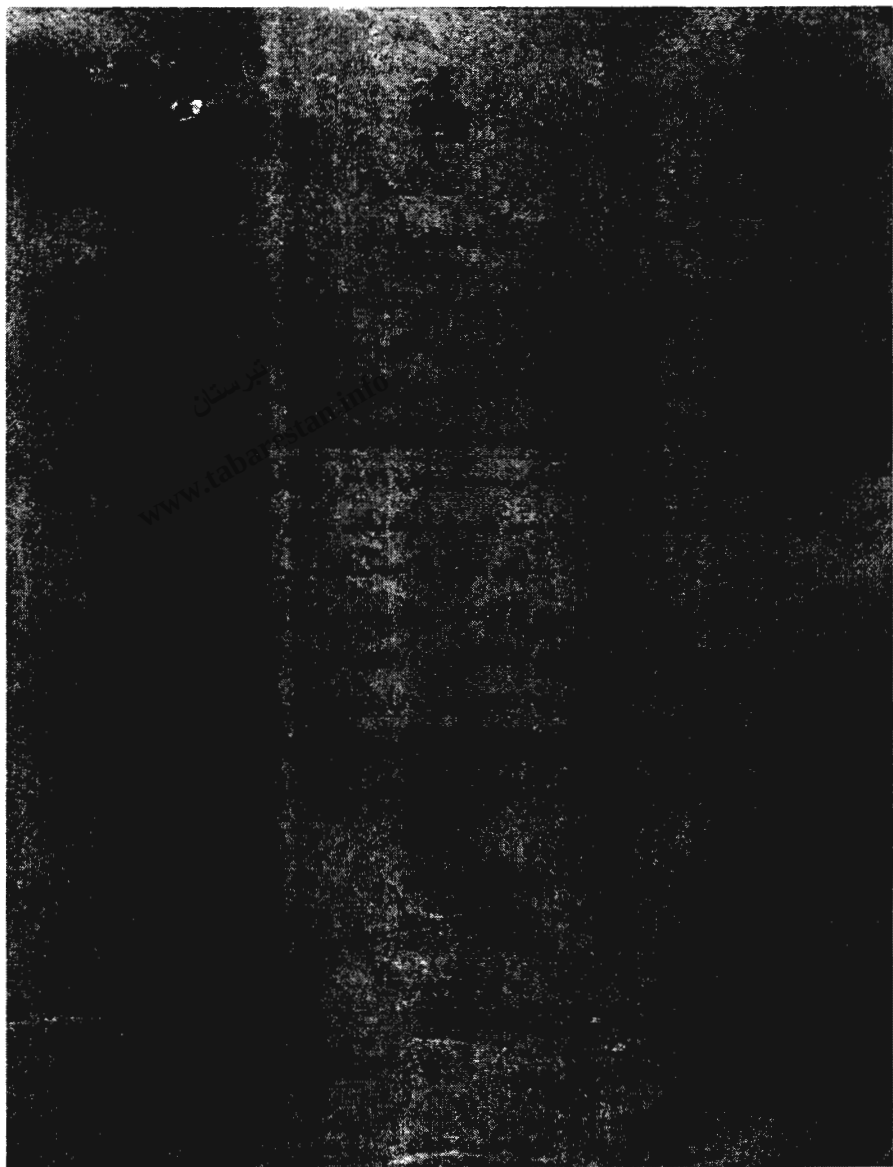
۲۰۸

بدونست جهت اطلاع باوقاف سرکار اوسال میگردید

کفیل اداره اوقاف شهرستان کسین - حیدر

ک

۱۳۶۳



بسم الله الرحمن الرحيم
 تاریخ: ۱۸/۱/۱۳۵۰
 از: آقای...

۱۸/۱/۱۳۵۰



مقام محترم معاونت مالی و اداری سازمان اوقاف

مختوماً " بازگشت بشماره ۱۸ (۲۱۵۲) ۱۰۵-۱۱ الف - ۱۲ مهرداد ۱۳۵۰
 موضوع: مأموریت پنجروزه اینجانب شهرستان شهریار منظور از اهدائی و انجا قدما
 امور پیش رقیب متوقفه حوزه اوقاف شهریار و شهریار است حضار میرسانند در منطقه
 شهریار و شهریار اساسی ترین شکلی که مانع انجام امور پیش رقیب شد مانع است
 کلیه املا عزیزی و ده ها تا بن منطقه در زمان سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر
 به اکتادار املا تا اختصاصی در آمد بود و زمانیکه با میربارت اعلیحضرت هما پیروز
 شاهنشاه آنجا مقرر گردید این قبیل املا تنها حق با اولیا آنها مسترد گردد و درخواست
 استرداد املا توقف بموقع تسلیم نشده و در نتیجه کثرت قریب با نفاق رقیب وقف که
 هم اکنون در تصرف موقوفه میباشد فاقد حکم استرداد است و اگر حکم استرداد می
 صادر گردد در ادا اوقاف ثبت سابقاً می نماید لکن اینطور رفعین مشکل نماید اگر آنیکه
 در محل با ادا اوقاف ثبت و در تهران در اداره حسابداری اختصاصی با آقای حضرت
 بعمل اند اقدامات ضروری است:

- ۱- اوقاف محل صورت دقیق از کلیه رقیب تکید در تصرف وقف است و فاقد حکم استرداد
 میباشد و ادا اوقاف ثبت سابقاً می نماید و اگر حکم استرداد ندارد باید ترکیدار محل وقوع ملک
 و شماره پلاک تهیه و ارسال دارد تا از طریق دفتر مخصوص شاهنشاهی از پیشگاه مبارک
 اعلیحضرت هما پیروز آنجا مستعد می گردد و در صورت قبول ثبت موقوفات و ابطال امتداد قلمی
 کتبنا اعلیحضرت رضا شاه کبیر صادر شد میسر.
- ۲- اوقاف محل مأموریتی محل وقوع رقیب توقف اعزام دارد تا باید اگر با اهاالس
 محل تحقیقات لازم در صورتی حکم استرداد املا توقف بنا باشد خاص صادر گردد و بعد از



دارنده حکم استرداد تقاضا نمود که با مراجعه بدفتر اسناد رسمی افزایشاتی بیتی بروقت
تنظیم و تسلیم آن بداراره ثبتوقف راجه ثبت برسانند *

۳- تعداد کمی از رقبای هم که دارای عرضان استرداد میباشد نسبت به تمسکین
مساحتان همسین اوقاف و اداره حسابداری اختطابی اختلاف وجود دارد برای مثال
بابت حصار میرسانند که عرصه قسمت همسین از شهر شهسوار و فاضل و حکم استرداد هم
از مراحل قضائی بروقت صادر و در مرحله قطعی نیز رسید ماست و با اینکه قد ارتقا
در حکم استرداد هشتصد جیب با متعلقا خوشنصرت آن ذکر شده و عدد و داره هم مشخص
میباشد مع الوصف اداره حسابداری اختصاصی اعلام داشتند که مقدار وقت بیتی
از هشتصد هزار متر نیست و در سند الکتاب همین علت میسر متعین افتاد ماست *

در خانجی مت حصار میرسانند در صورتی نسبت بموارد معروفه اند اهوری شود بکشت
در جریان تحقیقات محلی رقبای تجدیدی هفتاد و هفت کشف کردند و این هیل مسلمان در کلیه
منطقه و قانی شان کشف و قانون املاک و آگاهی بوده مفید خواهد بود و طاعت عدم
بیشترت کارهای بیتی اوقاف شهسوار موارد معروفه و الا با علاقه یکمائی محمدی رئیس
اوقاف شهسوار نسبت به بستر قیامت ابرار زود داشت و صحبت بیتی موقوفه تیلان تکلیف باقی نممانند
ضمناً "تعدادی از رقبای هم که در جریان ثبت و با تقاضای محمدی بداراره ثبتراجمه
و با مطالعه پرونده های منوطه راهنمایی لازم بنظر وادامه جریان بیتی بعمل آمد و نیز
صورتی از رقبای معروفه حوزه و قانی شهسوار و شهسوار که از اوقاف محل اخذ شده به پیوست
تقدیم میگردد تا در صورتی بنظر قانی میرسد از طریق دفتر مخصوص تقاضای صدور اجازه
قبول ثبت رقبای خانجی و شکار بارک اعلی حضرت هماکنون شاهنشاه آریا میسر عمل آید *

با تقدیم احتلام - هوشمند
۵۰ / ۸ / ۵



شماره ۱۳۹
تاریخ ۱۳۰۱/۲/۲۶
تلفن ۶۴۴۴

کانون متولیان موقوفات قاریس

شیراز - میدان و لبعهد

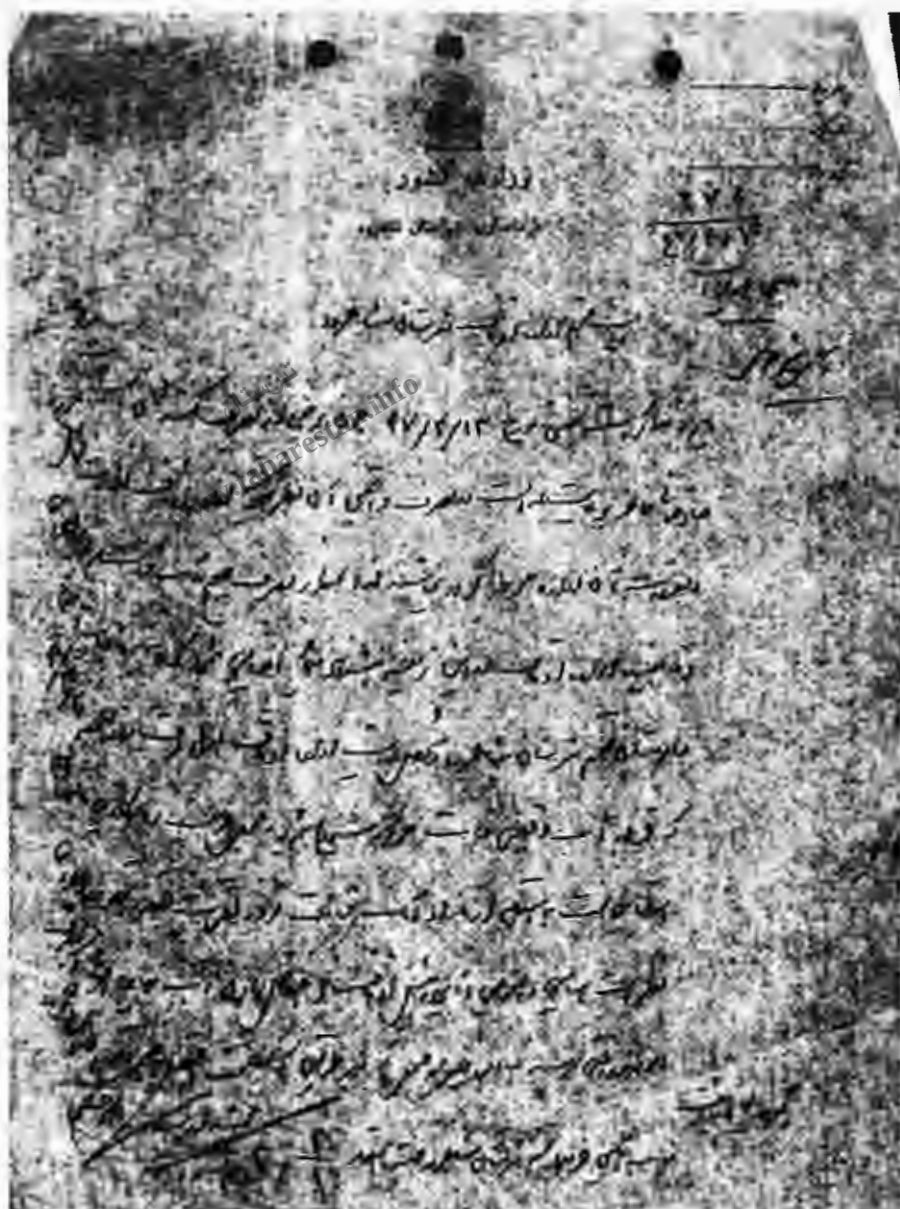
جناب آقای ازین معاونت محترم نخست وزیر سرپرست سازمان اوقاف گور

[illegible][illegible]

انديکس شد

CCV-7
01/11/19

01/1.5



581118

جناب آقاں پھرنا اسنادارحموب اسنان فارس

با تقدم چاپته ترمين احتسار مات محروم شداد راين جانب ميرزا حسين متولى موقوفه محمد ميرزا فتاحلى
فرداراب طبق سوابق ويرونده موجوده اداره اوقاف داراب و استان قسار قدوى بريتشم افتخادنگ متزعه ديكوبه -
داراب موقوفه محمد ميرزا فتاحلى متولى مباحث و بايضى قانونا نكارت و دعاات تمام ليكن با نوسلط استر فراز
عياال متعدد پوان سرفراز بيهيضى فرزندى محسوب سرفراز كه از اشرا زادگان اين شهرستان بوده و خارجي نكته بنا قدرهاى
خونده قبل از انسلاب و داع كشته و هنوز مخ غياالان مرآهرين مفاياي فتوا الهزم بپويان ميوزند در با مزام اين جانب
نده و بدني سان است كه ادعاي طلى بودن موقوفه مزبور داشته و معمول الاراب زيرو ويرا الحق مي برنداى عال لى
رئيس سابق دادگاه بخر داراب بواسطه قرابت با ناميردان با توجه به مدارك و اوراق و دفاع جناب آقاس
محرزاده و كبل دعاوى اوقاف استان و اينكه بلا غث حكيم به حكومت معجوزين فوق الذكر ما مرخواه خدا پوان حفظ رابطه
و عفا و ندى و توضيح معلق بنده بروند راكه بگذا سأطرح بويرا كه گذاشته و مشتغلند در تدريس فعلى دادگاه
داراب بر خلاف فعالت و وجان مقام تفاوت و بدوين توجه باين موضوع كه شرعا بر مستدام مادي ع حاكم است و عرفا
بايد بر سوازين قانوني حكومت كذا زنا ميردان طرفدارى و اين جانب دارى با آن مرجه از ممبران نده كه مدعى است -
چنين پرونده اى در دادگاه داراب موجود نيست مرچا ليكه هم اكنون هم كسانان حريم اعلا حاضرى و اداره اوقاف -
داراب با تصديق به و فقيت ملكت مزبور با جاها و معانان داده اند تا مرده بعد از بدني سال حاضر مي برادران آن نيت
و بطريق معتدله و سيله ناراحت اين جانب را فراهم ميانند لذا نفاعا دارم كه اسر مقرر فرمايد در هيى داده شود
كه نكته عدالت اين شهرستان نيز همگام و هم آهنگ با رفيدم ادارى كه ناشى از عولا تا مخر كند است
مخصوصا در قسمت امير و اوقاف پيلو و ديونام جانب دارى از افرادي كه هميشه خط معيشتان مزاحمت مردم بوده است
سيد بهر مردم را كه همسفر و عيشامى زندى کرده و طالب سرجوى ازال مردم نبوده و انشاء اله مرچند مياي عصر
هم نخواهد بود نتواند اين مير و هم قابيت خود كه واقعا كردانندگان دستهاى ادارى ملكت و كركيانى نفاوند
در فني بازى نر آستانه عولا تا اجتماعى ملكت جاى خود را به حيايت ارض و قانون داده است -



نخست وزیر

سازمان اوقاف

شماره ۷۲۹۰ - ۱۱/۱۱/۱۳۸۸

شماره ۳۱۰۵۷۴

تاریخ ۲۸/۳/۸۸

۴۸/۴/۲۵

ایچا رزمین

شهرداری محترم شهرستان شیراز

بازگشت به شماره ۸۷۹۰ - ۴۸/۴/۲۵ همانطور که تلافی از تعارضات ...
 ۱ - اداره اوقاف نمیتواند فقط برای احداث بنای مسکن اراضی با اثر منسوب منفعه
 فاقد زارع که مشمول مقررات اصلاحات ارضی نباشد و آنهم با موافقت شهرداری و پس از تصویب
 شورای اوقاف ... بنی موافقت ... ۱۰۲۰۸/۶ - ۱۰۲۰۸/۶ - ۱۰۲۰۸/۶
 ۴۷/۱۲/۱۱ تقاضای این وزارت کشور و سازمان اوقاف بعنوان اجازه و اکتفا بنابر این
 چنانچه شهرداری محترم شریعتنامه های ذخیره و عام المنفعه دیگری در دست اجرا داشته
 باشد اولاً خود مالک ملک میباشد و تراش ساحلی رودخانه خلیج است و ثانیاً اگر خواهند از تراش
 موقوفه استفاده نمایند برای هر قطعه باید حصص و قیمت تقاضای اجازه فرمایند تا با التفات بقانون
 اوقاف و منسوب نامه شماره ۱۳۶۱۲ - ۴۲/۷/۱۶ هیئت دولت ماده ۱۶ تصویب نامه ...
 ۴ خرداد ماه ۴۷ مستند ماده ۱۰ قانون اوقاف کارشناسی برای تعیین میزان اجازه اعزام پس از
 کسب موافقت متولی چنانچه اراضی غیر مزرعه باشد با اجازه و اکتفا گردد و در غیر اینصورت تصدیق
 خواهند فرمود که اداره اوقاف نمیتواند عمل خلاف قانون و مقررات جاری کشور که منجر به پیگرد
 قانونی است انجام دهد.

عزیزه صداتی
 مدیر کل مذاکره

گیرندگان

- ۱ - استانداری محترم استان فارس
 - ۲ - جناب آقای محترم معاونت محترم نخست وزیر ریاست سازمان اوقاف بنامیه رونویس نامه
- شماره ۸۷۹۰ - ۴۸/۴/۲۵ - شهرداری شیراز



شماره ۴۹

تاریخ ۱۳۰۴/۱۲/۱۴

پیوست

نایل تویه

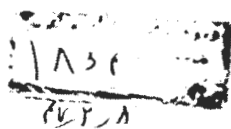
استانداری محترم استان فارس

محترماً به استحضار می‌رسانم که شماره ۳۰۳۸۶ - ۱۱۰/۱۱/۱۶ در اجرای اوامر جناب آقای
استاد اردشیر به اداره بان، تشریف‌بندیل آن به گردشگاه عمومی شهر استحصال می‌گردد.
با اینکه آقایان خاتمی و نایب‌الرؤسای اوقاف استان و شهرستان پنجاب آقایان استاد ارجمند
داشتند باغ مزبور را به عنوان تصرف اداره اوقاف بود مقرر است باغ مذکور را در میان
نه سال در اداره شهرداری قرار دهند و با مراجه‌مستریات این شهر می‌باشند و باغ
تسلیم خواهند شد. متأسفانه در خلال این وقت معالضات آقایان اقدامات دیگری صورت
بدین محلی که متولی جدیدی برای بان، مدتی در آن می‌گذشتند و بر این وجه نام اخیر اداره اوقاف
شهرستان گازیون که از سرین می‌باشد مستخدمین آن را به اطلاع کردید و رونویس تقدیم است. مهم
کردید که چون حکم تولیت باغ، مدتی در آن آقای علیقلی حسامی صادر شده و لذا باید موافقت متولی
جدید جلب شود. متأسفانه نامی از اداره اوقاف، رونویس تقدیم است. تا آنجا که
با این اقدام تصویربرداری در شهر برداری باغ، جریانی وجود داشته که اولیای اوقاف حاضر شدند
آن را در اداره شهرداری قرار دهند. علیهذا چون باغ مذکور که مشجر درختان مرکبات بوده در
داخل شهر قرار داشته و اطراف آن با دیوارهای گلی محصور و شهر را به مضرت نموده و به علاوه در نگهداری
آن هیچگونه توجهی نمی‌شود. لذا استدعا دارد اجازه فرمایند بر طبق ماده ۱۶ الحاقی قانون شهرداری
و تصمیمهای ذیل آن با استفاده از مقررات قانون توسعه معابر در تصرف باغ اقدام به گردشگاه عمومی
تبدیل گردد.

با احترام

شهردار گازیون عباسی

۱۳۰۴/۱۲/۱۴
۲۷/۸



د فسرکس حقوقی

بجزیره که از طالب، سردار مهاجر، جد اسناد اربابان شهرستانها بنام بنو بنه بودن، خرمستان
 های بنو که در اردن، عمان و در آنجا بنو بنه بنامند.

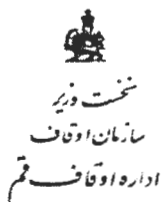
[illegible]

وزیر امور

$$(1, 2)$$

١٤٤٠
(١٩٠٩)

19



تاریخ ۹ مهر ۱۳۸۸
شماره ۲۰ (ج ۱) ۳۱-۵۰۷
پرینت

موضوع: • قبرستانهای وقفی

به: • اداره کل امور قس سازمان اوقاف

محترماً با استحضار میرساند: • شهرداری قم با استناد تبصره ۶ ماده ۵ قانون اصلاحیه شهرداریهای جمهوری اسلامی ایران، مالکیت کلیه قبرستانهای موقوفه شده را از حالت وقف و تصرف اوقاف ممانعت ننماید و از آن جهت احداث نیز در خواست نمود. سند مالکیت این قس موقوفات را بنام شهرداری صادر نمایند. •
لطفاً خواهشمند است دستور فرمایند با رعایت بهراتب بالا این اداره را آموزش، بفرمایند بچه نحوه باید اقدام نماید که شهرداری و اداره ثبت اسناد و املاک شهرداری با اداره اوقاف همکاری نمود و مزاحمت ایجاد ننمایند. •
ضمناً رونوشت نامه شماره ۲۵۷/۹۸/۱۰۸/۶ مورخ ۲۱/۳/۸۸ اداره شهرداری قم و آکه متضمن شرح — تبصره ۶ میباشد لفاً برای ملا حظه ایفاد میدارد. •

احمد اله سبطی

رئیس اداره اوقاف قم و سرپرست شهرستانهای تابعه

امضاء و مهر
۱۳۸۸
۲۴
۱
۱۳۸۸
۱۳۸۸
۱۳۸۸



سازمان اوقاف

اداره کل اوقاف منطقه فارس و بنادر خلیج

دائرة

جناب آقای مسارمه اوست محترم نخست وزیر ریاست سازمان اوقاف

محترما با احترام و بر سرانجام

مذکور بود که حوزه اوقاف در استان زیر نظر و سرپرستی اداره اوقاف و بنادر و بنادر محصل اداره می‌شد و به علت عدم انشائی نداشتن از بهر خط با امور اوقاف و بنادر اوقاف انحصار رعایت بخش نبود تا اینکه اخیراً بنا بر کارشده آن اوقاف به هم جهت سرپرستی اوقاف و بنادر تعیین گردید که بتوان به نحو ایستاده ای اوقاف انحصار را اداره نماید و بر اثر کمبودهای اوقاف و بنادر لازم گردید مسافرتی به بندر لارستان بنویسد و این مسافرت انجام شود و مدت پنج روز قه بدو سه شبه شهرستان دار، گراس، اوز، خنج، سرگشور گردید و اقامت بعمل آمد و ضمن مختصری از اوضاع محلی را ذیلاً به عرض میرساند و استعدادی رسیدگی و دره کشائی وضع آشفته موقوفات حوزه مزبور را در آن موارد که مربوط به سازمان اوقاف و بنادر و امور جاری اوقاف است دارد *

۱- در این قضایات و سایر بخشها و قضایات لارستان و خود مرکز (اراضی) موقوفه زیاد موجود است که به هیچ وجه قابل کشت و زرع نیست و دیناری عایدی برای موقوفه ندارد و برعکس برای حفظ این اراضی از دست رفتن و از دست دادن آنها باید هر هفته اوقاف محلی وقت خود را صرف مراجعه و نگاهداری آنها نمایند و همچنین و در این دستری نماید و متحمل مخارجی شود که شاید بتواند اراضی را حفظ نماید *

۲- اهالی محلی شده (رستان و توابع ادراف) آن بیشتر از مردم مانی تشکیل یافته به برسات و شن در برنه خود با عدل محلی بندر و میباشند و برای چند سال تری بودن اصلی خسود می نمایند و به گوشت و قفسه سود و سایرین در مسافرت می نمایند همینکه مقداری پول بدست آوردند

بما رجعه بعضی اصلی خود در بندر میباشند تشکیل خانه و زندگی و خانواد و مدت و در رهبن موقع است که قسمت باقیستهای اراضی موقوفه تدبیر ساختن سدر و دیوانه انجام میباید و بهناوین مختلف از عدم اطلاع در اینگونه افراد بقانون موجود سوءاستفاده نموده و سائل فراهم نموده و با ایجاد

صحنه های غیر صحیح اراضی موقوفه را جهت ساختن با آنها و از ارمینا میباید و اینگونه انجام هم بعد برای چند ماه در دین ساکن میشوند و برای تسکین ساختن و خانه داده و خانواد خود را در آن سکونت میدهند و مجدداً مسافرت میروند و زمانی که اداره اوقاف هم بخواهد از زمین مراجع قانونی اقدام برای رفع تصرف نماید و آنرا آنها را بدست در محض نیست که برای اوصاف و تسوی شود و امثال تخریب ساختن یا بیرون انداختن آنها و اینگونه اخصا هر چه به هیچ وجه میسر نیست و تشریف

شماره ۱۴۸۸

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

پیوست هر یک سه برگ

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷

تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۷



سازمان اوقاف

اداره کل اوقاف منطقه فارس و بادر خلیج

دائرة

شماره

تاریخ

پیوست

- ۱ -

این گونه اراضی برای اوقاف بسیار مشکل و حتی امکان پذیر هم نباشد اینست که بر حسب توجهات عالی شاهنشاه ایران و پیشرفت دستگاهها و سازمانهای دولتی در امر عمرانی و آبادی فرا و قصبیات یکنواخت و چرخه بر حسب ضروریات محلی چه با سرمایه شهر داری و چه با سرمایه تشکیل چند سرمایه کوچک و چه بوسیله پولهای خیره ای که از طرف متمسکین بند و محلو تأمین میگردد اقدامات عمرانی لازمی را در محض خود انجام میدهند که از جمله است، تهیه آب و برق، تنکیر ساختمانهای عمومی، مؤسسات دولتی، از قبیل جنددار، شهرداری، دبستان و دبیرستان، بهداشتی، بانک و امور دیگری از این قبیل و در این محضت بجز اراضی موقوفه که سابقاً با ثروتی بن مانده است اراضی دیگری نیست که اهالی برای تدبیر ساختمانهای مورد نیاز خود از آن استفاده نمایند لذا از زمینهای موقوفه را مورد استفاده قرار داده و تأسیسات خود را در آنها بنا نمایند و از هم اداره اوقاف متوجه نموده خواهند از اقدام عمرانی آنها اجتناب نمایند از طرفی حلاف اصول کشوری و نیات ترقیخواه شاهنشاه میبایست و از طرفی هم مواجه با مشاغل و تنگیات اهالی میبایست و شایسته هم نیست در کشوری که همه سازمانهای دولتی در عمران و آبادی میزنند سازمان اوقاف نخواهد از اقدامات عمرانی محلیای نمونه فستق جلودگی نماید.

۲ - اراضی که بدان اشاره شده اغلب مسهل آب انبارهای بوده که در فصل زمستان و بارندگی آبی که در این اراضی جمع میگردد آب انبارها را شرب نموده که اهالی بر آنند در موقع لزوم از آب این آب انبارها برای شرب خود استفاده نمایند که بر اثر خشکسالی و عدم بارندگی در این چند سانه انبار گنیه آب انبارها از بورد استفاده خالی شده و مخزیه گردیده و دست لاهیای دولتی محلو و خود مردم محریفکر افتاده اند نه از محضهای دیر بوسیله حفر چاه عمیق تأمین آب مورد لزوم را بنمایند و بر همین عقیده چون این اراضی را اوقاف بخاطر تأمین آب محض میدهند برای تصرف آنها محض و مسئولین شهر در آنها در موارد مخصوصه چندان توجهی به تشریفات قانونی اداره اوقاف ندارند و چه بسا که چنانکه از این اوقاف اداره اوقاف حق اخذ است مانع از اجاره ای هم نمیشوند این امر در نتیجه بخشها و قصبیات را از چنگل فداغ، صحرای باغ، دهنویه، بیرم، انکشان، بست، آرد، جوم، نیاریم، لارد، نایبندی و سایر قصبیات محومیت دارد و با ساقتهای زیادی که از مرزهای این بخشهای تابعه موجود است امکان حفر موقوفات حد افش میسر خواهد بود، در محضهای فرا و از و چون که باز بدین وضع اراضی بخلاف اوقاف الذکر بود که با ندادن این محض و بیانی ممکن در مورد چند نفعه اراضی که مورد تصرف قرار گرفته بود صورتجلسهائی



سازمان اوقاف

اداره کل اوقاف منطقه فارس و بنادر خلیج

دائرة

- ۲ -

با توجه به موقعیت محترم بنف اوقاف تنظیم شده که شرح مربوطه نیز ضمیمه تقدیم است .

در مورد بنو از این مورخه ها موقوفه کربلای معلی بوده که موقوفه بایشان بدون این چندان روشن نیست این اراضی و آثار الهی معنوی شهید ارجمند و کرامت در چندی قبل بعنوان مالکیت تقاضای ثبت نموده و بنسبت از اترام به بها ناز در اختیار اهل قرار داده است که در این میان مواجبه با انتشار اوقاف بحر خرید و پیرایه سلسله مکاتبات و شرح در دسترس در دادگستری اخیر اعدا می شده و مقتضای مستور عدم پذیرش تقاضای ثبت آثار معنوی صادر گردیده که اکنون چنانچه اوقاف بخواهد افرادی برای تصرف آن نماید بایست از مرحله بدوی دعوی حقوقی وارد شود به سبب آنکه آثار معنوی یا ارامه مدارت و ذاتی مغیر در این دعوا پیشرفت کند و اوقاف به نتیجه ای از این خود نگیرد ، در این خصوص با تشریت مساعی فرماندار و فرمانده هشتاد و نهم و چند نفر معتمد محلی تصمیمی اتخاذ گردیده که آثار معنوی اراضی را با اوقاف واگذار نماید بشرط آنکه این اراضی بنف اوقاف بفروشد و در اواخر فروش اراضی برای تأمین آب محلی یا سایر تأسیسات مورد نیاز استفاده گردد که مورخه مورخه محلی از جریان کار است و در سایر نقاط هم همین وضع برقرار میباشد لذا اسلح و اولی آنست که سازمان اوقاف برای حفظ منافع موقوفات ترتیبی بدهد تا قسمت از اراضی مشابه در بخشهای لرستان بفروشد و بهای فروش صرف تأسیسات عام المنفعه انتفاعی در همان محل گردد که هم منافع موقوفه تأمین شود و هم رفع نیازمندی عمومی گردد در گذشته اعمالی وسیله نمایند تا اوقاف با فرهنگ نسبت باینگونه اراضی صورت گرفته که انجام آن در اختیار قدرت و زیر فرهنگ هم نبوده و در نتیجه در مقابل منافع خصوصی عدم احتیاجی بر اعمردم و اوقاف فراهم شده است که بایست بابت بیروخیر اندیشی و توجه حفظ آثار وقف چاره جوئی نمود و توضیحات کتبی با شما هم هم نمیتواند تصور وضع نماید مزارندین بود بر سر قرار داده شود بهرحال ضمن تقاضای تصویب در مجلس بیست و نظرات کلی که در خصوص بخشهای لرستان فوقا اشاره کردید پیشنهاد مینماید که تحت ریاست فرماندار محلی و رئیس اوقاف و بنف و غیر از معتمدین محلی و بنف زمینهای موقوفه در هر محلی رسیدگی و مطالعه شود و پیشنهاد کمیسیون مزبور پس از تصویب اوقاف منطقه بهار بایست مقررات مورد اجراء آید شود .

مدیرکل منطقه اوقاف فارس و بنادر خلیج فارس - فتح اله سیمی



وزارت کشور

استانداری فارس

رونوشت

شماره	تاریخ	وزارت اداره	که اصل آن شماره	ثبت شد
-------	-------	----------------	-----------------	--------

محرمانه

۱۳۵۰ - ۲۲۳ - ۱۴ / ح ۲ تیر ۱۳۵۰

نیرستان

جناب آقای منوچهر پرویز استاندار محترم فارس

بازنشت بنامه شماره ۱۱۳ / م مورخ ۳۰ / ۳ / ۵۰ جهت صرفه جویی در هزینه های
اداری و استفاده از حد اکثر عواید اوقافی بموجب تشکیلات نوینی که از طرف سازمان امور
اداری و استخدام کشور سازمان اوقاف ایجاد گردیده است ۳۲ واحد اوقافی کم درآمد
در سراسر کشور منحل گردید و برای اینده هیچ گونه وقفه ای در کار اوقاف شهرستانها
پیدا نباید از روی و نمایندگان بسیار اوقاف که به تعداد هفتاد و پست ثابت سازمان نسبی
در مجموعه تشکیلاتی پیشتر بینی گردیده است استفاده خواهد شد . معدلت بخاطر
اعداد مرقومه جنابعالی دستور داده شد بررسی مجددی بشود که از نتیجه آن جنابه الو را
مذلل خواهد گرد . ج . نصیر عصار - معاون نخست وزیر و رئیس سازمان اوقاف

رونوشت همراه اصل است

شماره ۱۰۶۰۰-۱۳۴۵/۹/۲۰

فرمانداری

باستناد تصحیحات ۴۳/۸/۲۲۳۲۸۸۴ هیئت وزیران دستورفرماند برای تشکیل کمیسیون رسیدگی به صلاحیت داوطلبان زائران بیت‌المال الحرام بمشروح زیر اقدام نمایند *

۱- بمنظور تشخیص صلاحیت بهداشتی و سایر شرایط لازم داوطلبان زیارت بیت‌المال الحرام و صدور گواهی صلاحیت زائران از تاریخ اول دی‌ماه ۴۵ تا آخر وقت اداری روز ۲۰ بهمن ۴۵ کمیسیونی برپاست فرماندار وضعیت رئیس دارائی * رئیس بهداشتی * رئیس شهرتانی * رئیس بانک ملی بکفراز و جانچون در رجع‌اول یکفرم متحد محل به تمین فرماندار تشکیل میگردد *

۲- برای صدور گواهی نامزد کورآرا * اکتیو * حاضرین اعتبار مییابد رای رئیس بهداشتی در مورد توانائی جسمانی باید جزو اکتیو باشد *

۳- با تاکید آنکه سال گذشته در لزوم خودداری از صدور گواهی صلاحیت برای زنان بارد اربابان خاص پیرو طبع شده بود معذرتاً در ریاستان سعودی مشاهده شد که عده ای زنان باردار اربابان خاص پیرو طبعان بیماری قلبی و فشارخون بکثرت منور مسافرت نموده و مسافرت این عده علاوه بر انعکاس سوء بین حجاج سایر کشورها ناراحتیهائی برای خود آنان ایجاد نموده بود اصولاً طبق آمار اربابان مسافرت شاهنشاهی ایران در رجه اکثر از حجاج ایرانی متوفی در هنگام حج سال گذشته از مبتلایان فشارخون بیماری قلبی بوده اند * اینک برای جلوگیری از تکرار این موضوع مقرر شد که چنانچه در هنگام حج آینده در کشور عربستان سعودی مشاهده شود گواهی‌های صادره با حقیقت انطباق نداشته و یا برای زنان باردار اربابان مبتلا بفشارخون بیماری قلبی گواهی صادر گردد مقامات گواهی‌کننده مسئول خواهند بود * بطور کلی مقامات گواهی‌کننده مسئول کلیه خطراتی که در نتیجه صدور گواهی جهت افراد معلول و مبتلایان با امراض قلبی و فشارخون زنان باردار در کشور عربستان سعودی ایجاد گردد خواهند بود *



وزارت کشور

اداره

تاریخ ۱۳۴

شماره

پیوست

تاریخ
۱۳۴۵/۵/۱۶

شماره ۸۸۸-۴

تاریخ ۱۳۴۵/۵/۱۶

وزارت کشور

«بیت تهران در جلسه مور ۱۳۴۵/۵/۱۶ بنا به پیشنهاد شماره ۱۵۷۸/۵۰۷۸-۴۵/۵/۱۱ وزارت کشور
تصویب نمودند عده اعضای کمیسیون دانش حج که در تصویب نامه شماره ۲۲۸۸۴-۴۲/۸/۱۲ ده نفر
مقرر گشته است به چهارده نفر افزایش یافته و ۳ نفر از مستندین آشنا با روح پیغمبری انجمن شهریهک نفر
ناپایند به کمیته شریعت و عبادت سی ایران به هیئت کمیسیون زیر انتخاب گردند» اصل تصویب نامه در دفتر
نخستین ریاست و وزیر امور و دکتر محمود کشفیان

۱۳۴۵/۱۱/۱۶-۱۳۴۵/۱۱/۱۶

ایمان جگر د.د

فرزاد

روایت جهت اطلاع به وزارت کشور

۱۳۴۵/۵/۱۶

۱۳۴۵

۱۱
۲

تاریخ
۱۳۴۵/۵/۱۶

شماره ۱۰۴۰۰-۱۳۴۵/۱/۲۰

فرمانداری

با استناد تصویب نامه ۴۳/۸/۱۳۲۲۲۸۸۴ هیئت وزیران دستورفرمانید برای تشکیل کمیسیون رسیدگی

نبرستان

بملاحضت دواطلبان زائران بیت المال حرام بشرح زیر اقدام نمایند *

۱- بمنظور تشخیص صلاحیت بهداشتی و سایر شرایط لازم دواطلبان زیارت بیت المال الحرام و صدور گواهی

صلاحیت زائران از تاریخ اول دی ماه ۴۵ تا آخر وقت اداری روز ۲۰ بهمن ۴۵ کمیته پزشکی
۹ رمضان ۲۹ سوال

برپاست فرماندار عضویت رئیس دارائی * رئیس بهداشتی * رئیس شهرستانی * رئیس بانک ملی پیکفراز و خانجهر
درجه اول پیکفر متعدد محل به تمییز فرماندار تشکیل میگردد *

۲- برای صدور گواهی بامضای کور آرا اکتیبت عده حاضر منوط اعتبار میباشد رای رئیس بهداشتی در مورد

توانائی جسمانی باید جزو اکتیبت باشد *

۳- با تاخیر آنکه سال گذشته در لزوم خودداری از صدور گواهی صلاحیت برای زنان بارد اروا شخص

پیر و طبل شده بود معینا در ریستان سعودی مشاهده شد که عده ای زنان بارد اروا شخص پیر و طبله بان

بیمباری قلبی و فشارخون بکشور مزبور مسافرت نموده و مسافرت این عده علاوه بر انعکاس سوء بین حجاج سایر

کشورها ناراحتیهائی برای خود آنان ایجاد نموده بود اصولا طبق آمار ارسالی سفارت شاهنشاهی ایران

درجده اکثر حجاج ایرانی متوفی در هنگام حج سال گذشته از مبتلایان فشارخون و بیماری قلبی بوده اند *

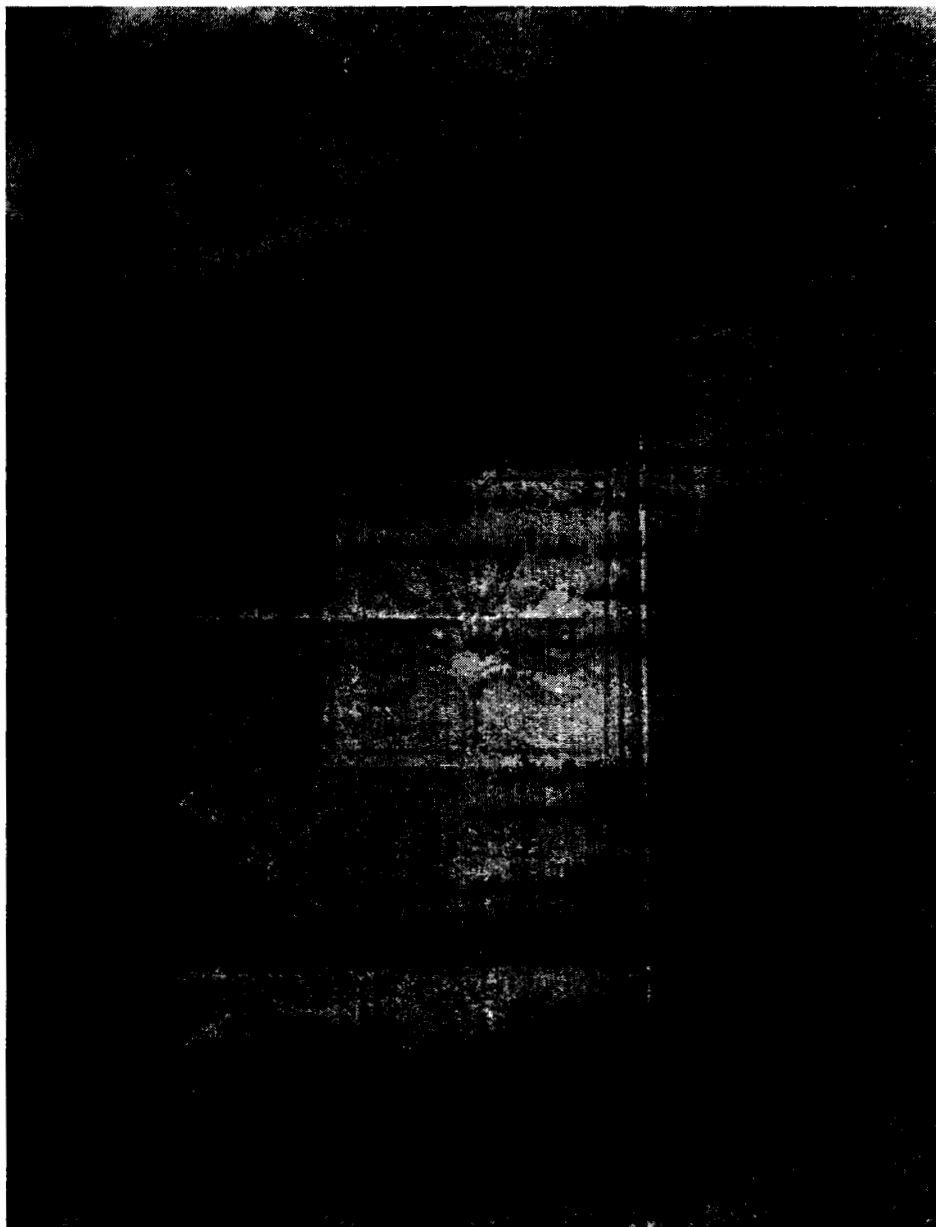
اینک برای جلوگیری از تکرار این موضوع مقرر شد که چنانچه در هنگام حج آینده در کشور عربستان

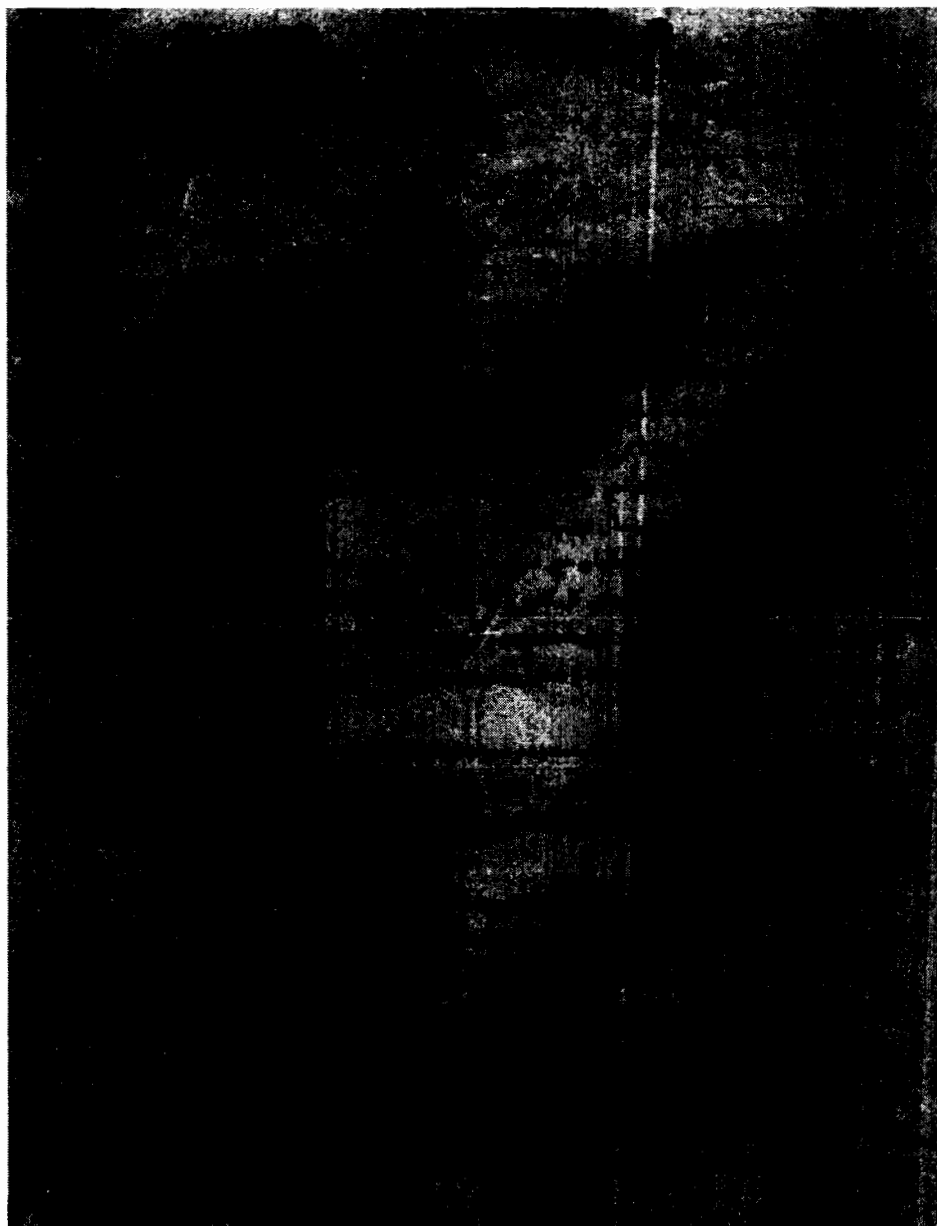
سعودی مشاهده شود گواهی های صادره با حقیقت انطباق نداشته و یا برای زنان بارد اروا افراد مبتلا

بفشار خون و بیماری قلبی گواهی صادر گردد مقامات گواهی کننده مسئول خواهند بود * و بطور کلی مقامات

گواهی کننده مسئول کلیه خطراتی که در نتیجه صدور و بکاربردن این افراد معلول و مبتلایان بر امارس قلبی و فشارخون

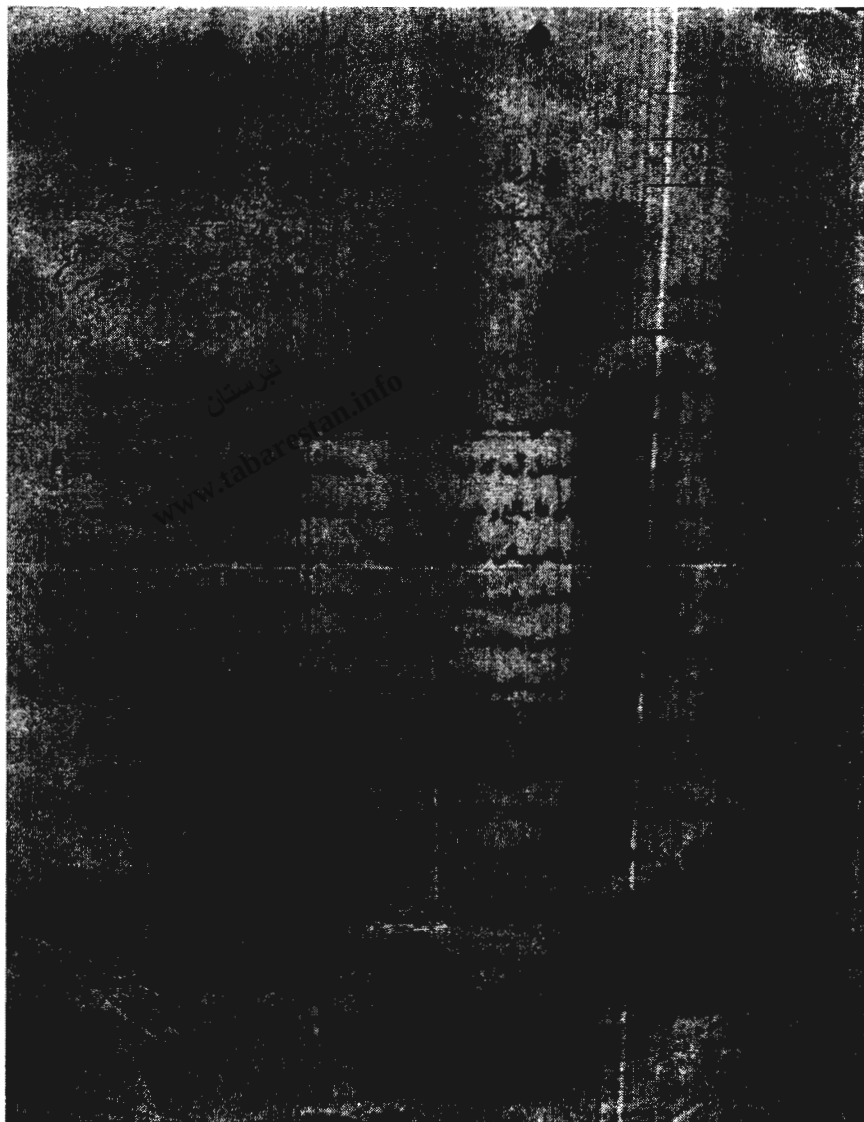
و زنان بارد اگر بکشور عربستان سعودی ایجاد گردد خواهند بود *

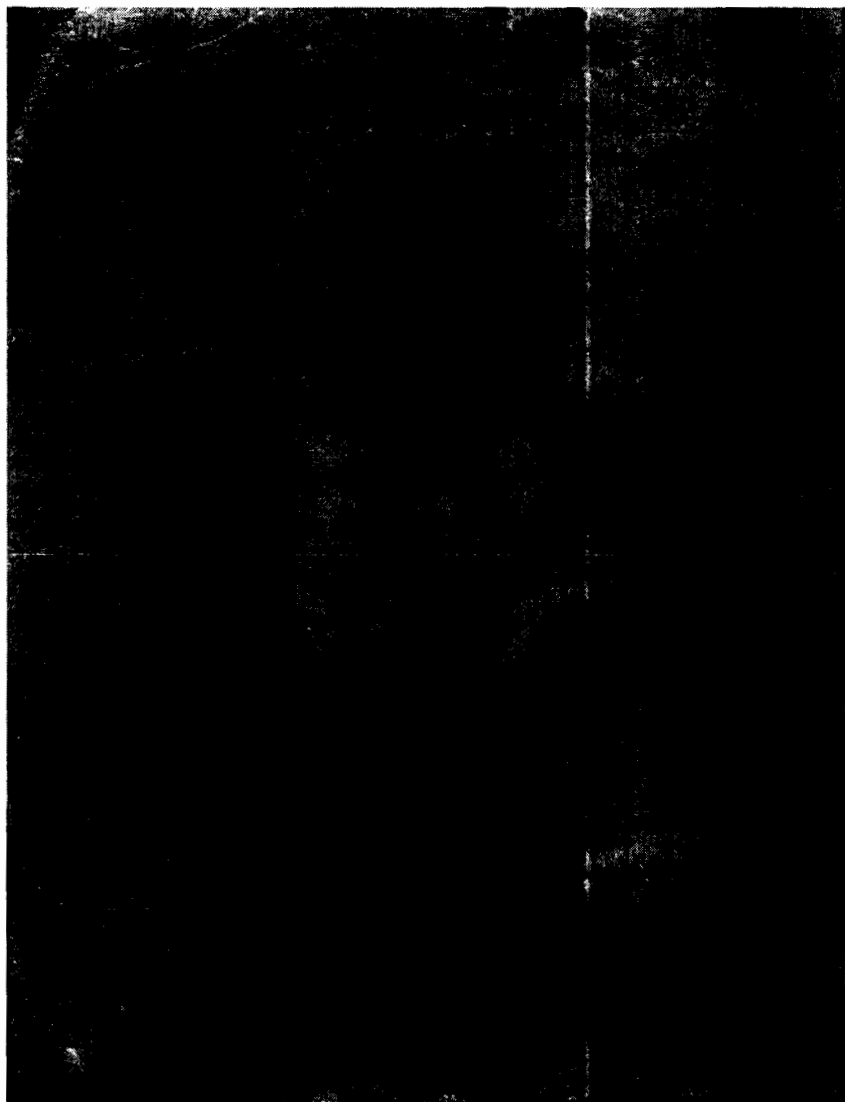


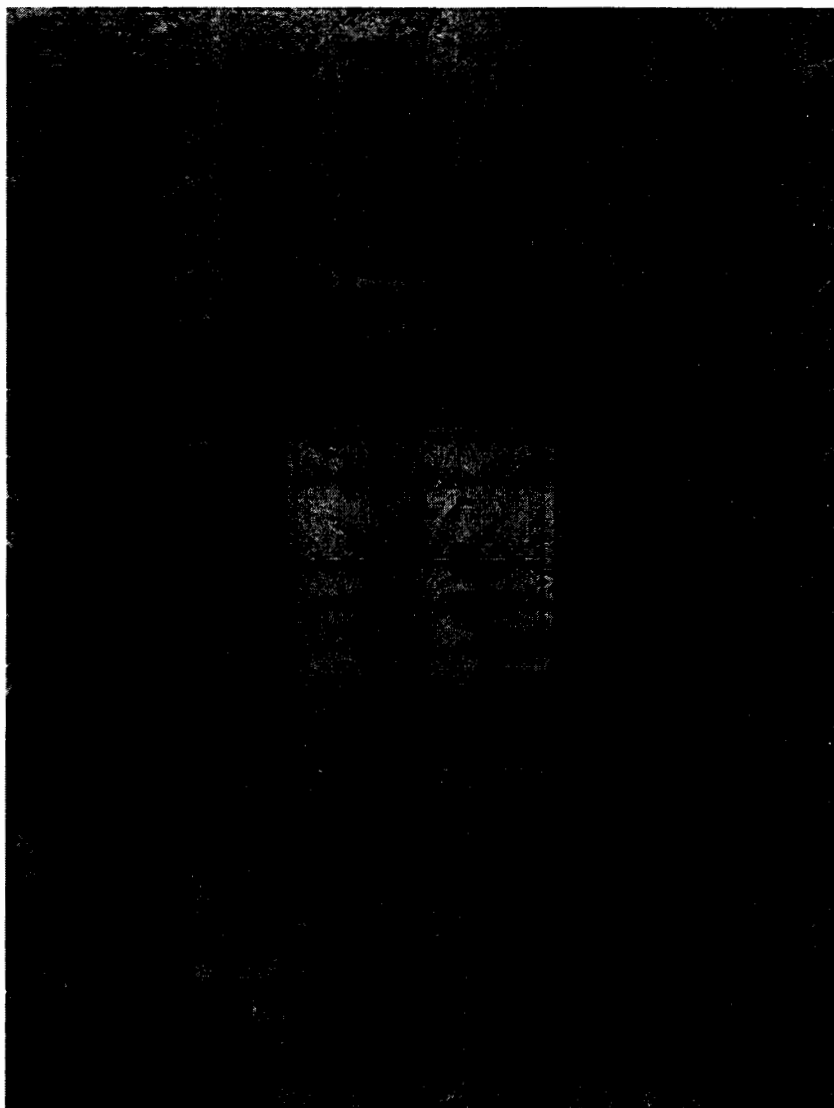


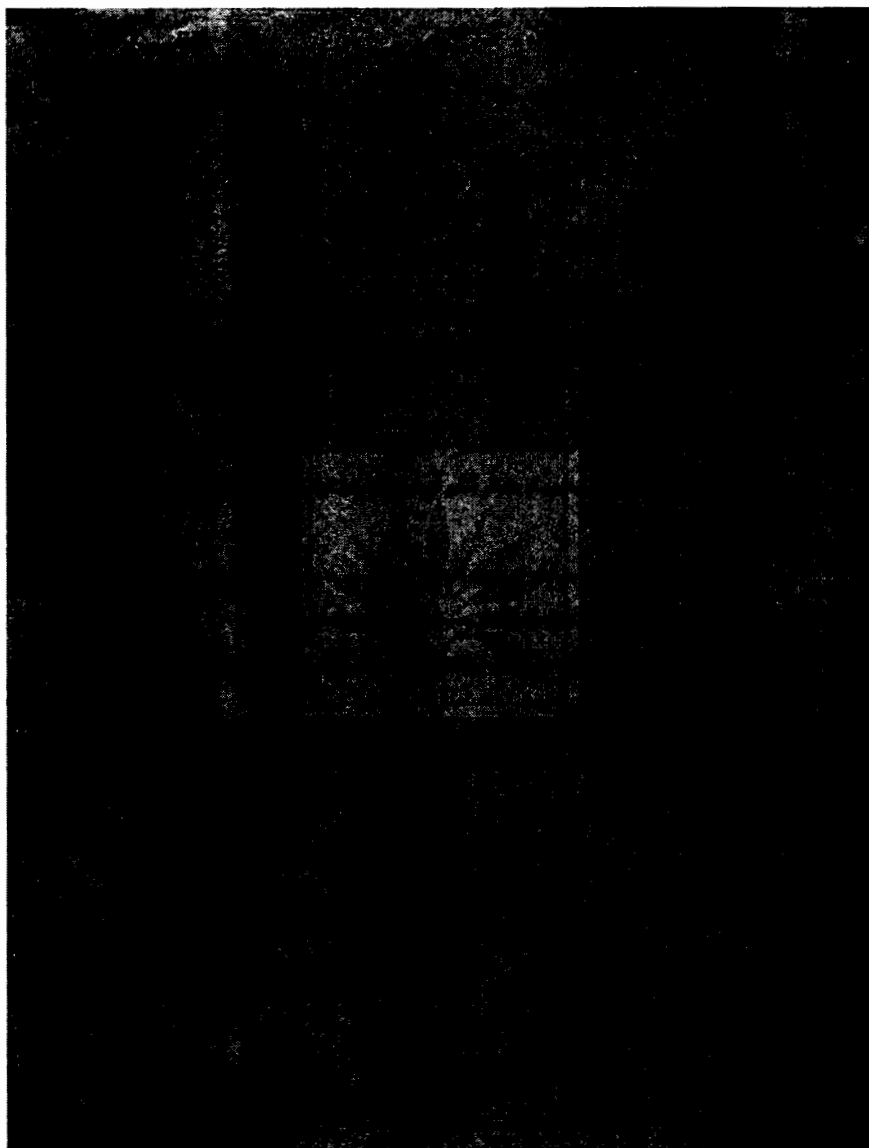


تبرستان
www.tabarestan.info









- صورت جلسه -

- کمیته انتخاب زائران حج تمتع استان مغان در سال ۲۵۳۶ -

بر اساس دستور العمل شماره ۵۱/۴۳۷۴ مورخ ۲۵۳۶/۳/۲ وزارت کشور منضم به يك نسخه طرح
اجرائی مربوط و طبق دعوت قبلی در ساعت ۹ صبح روز ۲۵۳۶/۳/۳ شاهدنهایی کمیته انتخاب زائران
حج تمتع استان مغان با حضور اعضاء کنندگان زیراعضای کمیته در استانداری تشکیل گردید و اقـــرار
منتخب و ذ خوه هر شهرستان برصنای ۲۹۵ نفر سهمیه تعیین شده برای استان کمتوسط کمیته با در نظر
گرفتن عامله جمعیت یتااعاهای وامله به تعداد مربوط بین شهرستانها و طبقه استان تخصیص
یافته بوده از میان جمعا ۲۷۴۱ نقاسا پراز قرعه کشی در حضور نمایان کمیته بشرح زیر تعیین
و انتخاب شدند :

الف : شهرستان مغان

ردیف	نام	نام خانوادگی	نام پدر	ردیف	نام	نام خانوادگی	نام پدر
۱	ام گلشوم	عائیزی	حاج بابا	۲۱	عبدالحسین	سپودی	ابراهیم
۲	سید کمال	حنانی	سید محمد	۲۲	شهه	خان محمد	ابراهیم حمراه ۲۱
۳	فاطمه نسا	قاسمی علائی	عابدین	۲۳	نوراله	پهلوان	رضا
۴	نصرت	موسوی	میرزا عمار ق	۲۴	صفرا	کاظم حقیقی	غلامرضا
۵	شوکت	محقق	حاجی لطف	۲۵	معدیه	شش	غلامرضا
۶	غلامعلی	طاهریان	رمضان	۲۶	رمدان	ضراب	حسن
۷	قنبر علی	شمسی	رحمت الله	۲۷	خدیجه	ناحی	غلامحسین
۸	خوالنسا	رضوان سید خن	محمد	۲۸	سیاوالقاسم	کها آقا	میرزین العابدین
۹	ام البنین	هفتی	محمد تقی	۲۹	علی اصغر	مکاری	حسین قلی
۱۰	مکینه خانم	نصرت	خلیل	۳۰	فاطمه زهرای	حدادیان	علی آقا حمراه ۲۹
۱۱	ناد علی	دوست محمد	علی اکبر	۳۱	کریم	کریم مراد ق	محمد
۱۲	تیر محمد	جوینی	محمد ابراهیم	۳۲	گلشوم	حقیقی	اسمعیل حمراه ۳۱
۱۳	علی اکبر	ادب	محمد	۳۳	زین العابدین	طاهریان	میرزا
۱۴	سید منصور	سیاداتی	شهدی آقا	۳۴	احترام	خرمان	محمد تقی حمراه ۳۳
۱۵	ترکین	بهرابی	حسین	۳۵	سید رضا	ساداتی	سید محمد
۱۶	علی اصغر	آلبویه	محمد علی	۳۶	محمد تقی	عبار نتاج	محمد اسماعیل
۱۷	محمد تقی	عبدوس	عاس	۳۷	حسینعلی	طیزی	محمد
۱۸	سید ابراهیم	سیادات	سید حسین	۳۸	فرنگیس	کیانی	محمود
۱۹	سکینه	عبدوس	حسین	۳۹	موسی	غامریان	غلامرضا
۲۰	بتول	شکها	اسمعیل	۴۰	شویا	قاسم پور	حاج بهار حمراه ۳۹

سروش آریامهر

انتخبین شهرستان دامنجان

مقام معظم فرمانداری شهرستان دامنجان

شماره ۱۹۴
تاریخ ۱۳۵۲/۶/۲۸
پیوست

حجرات معظمه برودت شماره ۱۴۴۱ - ۱۳۵۲/۴/۲۴ مسخ روز شنبه اداره اوقاف
دین بعضی مرت
در نامه شماره ۱۷۴/۱۰/۵۲/۱۰۰۰
خوارش از این نظر گرفته که اداره اوقاف روز شنبه آریامهر در اداره است
بلکه مقرر شده که موضوع به جلب بودقت شورای حج و بعضی است نام و قبول تعهد
برگردد و در صورت نتیجه عاید شده به رکنه اگر شورای حج با در وقت خوارش بودقت
کرده بود چرا عوارض سال گذشته لا و اصل سال جدید نیز در حدود مکاتبه و تعهد می باشد
پس نیست که تاکنون موضوعی از شورای حج و اداره محترم حج و زیارت سازمان
اوقاف در خصوص جلب و وام نهاده در صورتی است که مورد نظر اداره اوقاف
از قبیل رکنه موقوفه معضی شده و نتیجه مطلوب حاصل گردد اقدام قلمی را دنبال و نتیجه را
و اعلام در آن - با تقدیم احترام رئیس کجین شهرستان دامنجان - حاج محمد علی



۱۸۵۱
۵۵۲۴۴۰

۲/۱۹

مکاتبه داخلی سازمان اوقاف

موضوع	۹۹۲ شماره ۱۳-۱۱۱-۱۲
از	تاریخ ۱۳۰۲/۹/۱۲
به	فرمانداری دامغان پیوست

احتراماً صنف مرتومه شماره ۱۲۱۲ - بحضرت سرکار دربارت هر نوع وجه
۱۳۰۲/۹/۱۲

از زائران بیت الله الحرام خطوط موافقت اداره محترم کل حج و زیارت سازمان اوقاف -
میباشد در پیونده سال ماضی این اداره، موافقت شورای عالی حج مبنی بر دریافت
دو هزار ریال از هر زائر دیده نشده است بنا براین جنس است دستوراً به مقتضای
محترم شهرستان روشت موافقت شورای حج سال گذشته را باین اداره ارسال دارید
و اما در خصوص دریافت موارد سال جاری بحوزه اوقافی فرمانداریکل سلطان نشسته است
پس از وصول موافقت اقدام و مراتب را تائیداً باستحضار خواهد رسید

گرفته
۱۴۴۱
۱۳۰۲/۹/۱۲
رئیس اداره اوقاف دامغان

حوزه اوقافی فرمانداریکل سلطان پشمه روشت مرتومه شماره ۱۲۱۲ - فرمانداری
۰۲/۹/۱۲

محترم دامغان ضمن روشت انجمن شهرستان را جهت استحضار ایاد خواهند است
در مورد وصول مبلغ دو هزار ریال از داوطلب حج جهت پرداخت بانجمن شهرستان نظریه
آن حوزه محترم را اعلام فرمائید

۱۴۴۱
۱۳۰۲/۹/۱۲
رئیس اداره اوقاف دامغان



جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران

شهرستان دامغان

تاریخ: ۱۳۵۲/۳/۲۴

پیوست

شماره: ۱۹۷

خواهشمند است در پاسخ

باین شماره اشاره فرمائید

نیرستان

فرمانداری محترم شهرستان دامغان

احتراماً با توجه به نامه شماره ۳۱۲ اداره اوقاف

۵۲/۳/۲۰

دامغان تقاضا دارم مقرر نمایند به منظور جلب موافقت شورایعالی

حج از طریق آن فرمانداری محترم اقدام گردد.

از بذل توجهی که خواهند فرمود قبلاً سپاسگذارام.

مدیرعامل جمعیت شیرو خورشید سرخ دامغان - سرکرده ای

رئیس شورای عالی
وزیران فرهنگ و ارشاد اسلامی
۵۲/۳/۲۴

۵۲۲، ۱۴

۸/۱۹



سازمان اوقافی

اداره اوقاف شهر سنجان دامغان

فرمانداری محترم شهرستان دامغان

احتراماً عطف بدستور شماره ۲۵۱۶ مورخ ۵۳/۴/۲۶ تعداد ۵۸ برگ فتوکپی

نیشهای متقاضیان حج سال جاری که بابت عوارض بحساب ۱۱۱۴ انجمن شهرستان

دامغان و اربز نمود ۵ اند بهیوست تقدیم دستور فرمائید وصول آنرا اعلام دارند %

محمود منوچهری

رئيس اوقاف شهرستان دامغان

۵. داری

اقدام فوری

co ce

$$\frac{6}{14}$$

ارزاء و انوار شریعت

10-256-V10

2, 3, 4, 5

07/18

१०८०

Oct 1, 1900

دوسرے ۵۱ گر کر فرشتہ نجات سے معراہ ہو

آدم مراد، اور مراد کی فراموشی

1.18

تاریخ ۱۰/۲/۴۰ء ماہ ذی ۱۳۱

میسو

شماره ۱۴۸۸

خواهش مند است در پاسخ

باین شماره اشاره فرمائید



جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران

شهرستان و امغان

فرمانداری محترم شهرستان دامغان

احتراما همه ساله در كمسيون حج از هريك از حجاج جلفنى بعنوان كمك به جمعيت نير و خورشيد سرخ دريافت ميشود كه اينكه در سال قبل بوسيله آقاى معتمدى فرمائندار وقت هريك از آقاىيان كه قصد عزيمت به مكّه معظمه را داشتند پانصد ريال بحساب اين جمعيت كمك نموده اين است كه استدعا دارد در صورتيكه موافقت داريد ترتيبى اتخاذ فرمائيد كه در سال جارى نيز جلفنى از اين راه به بودجه اين جمعيت كمك شود مزيد تشكر و امتنان خواهد بود . با تقديم احترامات

مدیر عامل جمعیت - یزد انجمن

2

1-22

[illegible]

تاریخ ۵۳/۳/۱۷

شماره ۲۸۳۴

پیوست



وزارت معارف

فرمانداری گلستان

مقام فرماندار گلستان

مطابق بنامه شماره ۳۶۷۵-۵۳/۳/۱۲ با استحضار میسراند کلیه آزمایشات و معاینات مربوط به حجاج توسط پزشکان در شهرستانهای تابعه صورت میگیرد لیکن معلوم عدم وجود دستگاه و وسایل لازم آزمایشگاه فقط آزمایش مربوط به مواد خدیره در بهدارگلستان انجام میگردد و معیند اچنانچه انجام امور پزشکی مربوط به حجاج در روز آینده نیز معیند بهدارگل باشد حتی الامکان ترتیبی اتخاذ خواهد شد تا آزمایش مواد خدیره نیز در بهداری محل انجام شود - دکتر هوشمند - رئیس اداره بهدارگل گلستان

۴۴۱۹

۵۳/۳/۱۷

رونوشت بهرو نامه شماره ۳۶۷۵-۵۳/۳/۱۲ جهت اطلاع فرمانداری شاهسود

ارسال میگردد -

عبدالرضا امیر ابراهیمی

فرماندار گلستان

ورود بدین	تاریخ ۵۳/۳/۱۷
شماره ۲۰۷۸	
تاریخ ۵۳/۳/۱۷	

افزون
در این خصوص
تاریخ ۵۳/۳/۱۷
۱۵

۲۶۹۴
۵۳,۶۰۲



شهرستان گرام

زائران محترم خانه خدا و به شرف شاهرود
 بفرمان «اعمارك اطيح عتريت» حامين شاهنشاه آريامهر، «ابنتا» اي زائران بيت الله الحرام در كشور و
 مراقبتهاي كامل پزشكي در شهرستان سمودي بيمهده جمعيت شيرويه شاهرود، ايران محول گردیده است
 اينك به پيروي از ضوابط حمايتي بنابر رفاه حال زائران شاهرود و در سبب توافق جناب آقاي دكتور
 خدابخس بدريهت عامل محترم جمعيت مركزي كل، يكي از مراكز اين مهابيات شيرويه كرام جمعيت شيرويه شاهرود -
 سن شاهرود (انتخاب كه بدنيوسيله مراتب باغوشوتني كامل اعلام ميگردد .
 بنا بر اين از صوم زوار خانه خدا در حوزه اين شهرستان تقاضا ميشود مسئوليت خدا پرستگي اين جمعيت در
 فعال جمعيت شيرويه شاهرود، ايران توجه منمور مبدول تا با تحقق شرط اصلي (استقامت جسمي) كه
 يافته شرفي و تدخين حقايق نفوس و بهشت كشوري دران ارطك خان است تمام فرمائيد .
 مركز مهابيات پزشكي بهارستان امدادي جمعيت در خيابان رنانه شاه كير و ايام ساعات حمايت و نوبت
 مراجعه در دهرستانه هاي منه چي اداره اوقاف شاهرود تعيين خواهد شد .
 در خاتمه باستادار مبرساند كه هابت مهابيات و آرايشات پزشكي جمعيت به گونه و چي در نهايت نخواهد

شد ۱۰/۴/۸۰

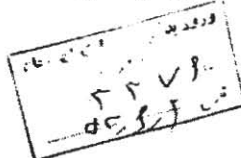


جمعيت شيرويه شاهرود، شهرستان شاهرود

گيرنده رضوت

جناب آقاي تاج پلشر فرماندار محترم شهرستان شاهرود

بسته
۱۲۵۸۸



۳
۵۳
۵

حوزة علمی عارفی ۳۷۱۱، ۳۷۱۳، ۸۹۴، ۴۲۷۵، ۴۲۷۷ و
 ۳۶/۳/۱۹، ۳۶/۳/۱۹، ۳۶/۳/۱۹، ۳۶/۳/۱۹
 ۴۲۷۸ به سازمان اوقاف و اداره کل حج و هماداری شمال ایران و کمیته
 ویژه هم ملاحظه انتخاب را تا شد و بر حسب اعتبارات کمیته و حق
 اولویت نفر دوم از بین منتخبین انتخاب شده نام و در صورت کل حج و در باب
 بر مبنای شماره ۱۳۹۸۷ هجری قمری تا شد نموده که انتخاب مدیران کرده و در باب
 صولط و سرالط معین که از طریق حوزة علمیه و باقیه یک نفر دیگر کمیته ویژه
 پنجم شده است و ضمن مراجعه به اداره کل که در باب راجع به شماره ۱۳۹۸۷ هجری قمری
 صورت گرفته آقای عباسی مدیر انتخاب می شد نموده. حاله اوقاف شمال
 شمال باستان افسر هیات مدیره هیات مدیره هیات مدیره هیات مدیره هیات مدیره
 مدیر گروه شمالی سراف شده در حالیکه نامبرده سال ۱۳۹۸ هجری قمری از
 حسب اعتبارات هم نفر پنجم و جزو اخره آلوده و حتی حسب اعتبارات
 هیات مدیره را از اوقاف شمالی هیات مدیره که او هم جزو اخره
 و نفر پنجم بوده که هیات مدیره نفر دوم و هیات مدیره شده و او نفر از مدیران
 اصلی از گروه خارج شده اند حال چرا سازمان اوقاف و اداره
 کل حج و عبادت نه تنها مردم بلکه دستگاههای اجرایی و قضایی
 کشور را که در کمیته ویژه شرکت داشته اند بیاد می گرفته باشد
 خود بزرگوار هیات مدیره و هیات مدیره هیات مدیره هیات مدیره هیات مدیره
 حج و عبادت هیات مدیره هیات مدیره هیات مدیره هیات مدیره هیات مدیره
 کشور است که هیات مدیره هیات مدیره هیات مدیره هیات مدیره هیات مدیره

این اسناد در کتاب
 «اوقاف و عبادت»
 به چاپ رسیده است

ع
 ۱
 بهایت و احترام یا ستودار میرانه طین اطمین در گذشته سیریه حج سال حج را بر طبق
 در صورت همگان را معلوم دارد در این ایام بقدره انتساب و حتی نمودار افراد ذخیره
 هم ششتر زدیم م این قبوله مکان و ذخیره ها در این ایام در این ایام در این ایام در این ایام
 را هم حج بر یک است طین اطمین و اصله بر از این ایام در این ایام در این ایام در این ایام
 ذخیره بقیت هر ششتر از (ساعت پیرانی و غیره) رد شده و معلوم باید بی زبان احوال
 دیگر انتخاب شده (البته بقدره) در این ایام در این ایام در این ایام در این ایام در این ایام
 اصول سیریه حج اراخ افرایش یافته م معلوم است سیریه این سیریه هم افرایش داده شده
 و با خواجه لیکن بیاد است م ادعای سیریه این سیریه را باید در این ایام در این ایام
 قانون که عدالت اجتماعی علم نماید خود مختارانه بقدره انتساب م باید م قبول این روش برای
 من م می که متعین مفرج بردام یا پسند است و چون صحبت سیریه این سیریه برای م معلوم
 نیست استعدا دارد و در گذشته در این ایام در این ایام در این ایام در این ایام در این ایام
 سببای ضابطه اخلاقی استعدا از این سیریه متعین م قبول م هملی بر دهنده در گذشته است دارند
 بقدره قمر انتساب یافت و در گذشته بر کسی باقی نماند

احوال
 به احترام داد اطمین حج سال حج را بر طبق
 ۱۲۰۲۲۶
 ۱

رفتن است حیت اطمین در این ایام در این ایام

۳۶،۶۲۲ تمام شیخ استندار محمد در تهران سنه

به هیأت اوقاف تبریز - اینجانب بنده خیر خواهان ساجده راه آهنگ ناره برادر فوجی
پسین که فرقی آن به دولت تعلیم است سه سال است در قریه کشی حج شرکت بنیم تا خدمت
در قریه کشی قبول نگردیم - استدعا داریم با توجه به بنده تمام نانی حج و اوقات گردید
در دفتر دیگر به مرز ایشان خانه خدا افاد گردد خرافتیم بی خطر خدا نام اینجانب را در دفتر
آنها منظور فرمایند تا بیکه بیاری خدا این دین را از گردنم بردارند

بعضی که دایب بنده خیر خواهان



۹ جانب اوقاف

با لایحه عن بنده خیر خواهان
به هیأت اوقاف تبریز
عذر غیبت بنده خیر خواهان
و لایحه عن بنده خیر خواهان

۱۹۱۵۹

تعمیرات
۱۲

شماره ۷۴۵۲ ع

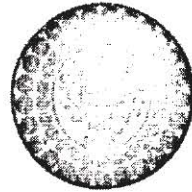
تاریخ ۱۷ / ۱ / ۱۴۰۰

پیوست



سازمان اوقاف

(اداره کل حج و زیارت)



آقای منوچهر خیرخواهان

تبرستان

باسخ نامه مورخ ۳۰ / ۱۰ / ۱۶ با اطلاع سیرخانه انتخاب

زائران خانه خدا در سال جاری بوسیله استانداری فرمانداران بها

انجام گردید و سازمان اوقاف هیچگونه دخالتی در این امر

نداشته است و در سال آینده نحوه انتخاب زائران در هر

اعلام خواهد شد . الف

لیدر حسین قاسمی نژاد

مدیرکل تشکیلات، بودجه و آموزش و سرپرست حج و زیارت

۲۵۳۶/۲/۱۸

جناب آقای علوی استاند ارعظم - منان

احتراما* باستحضار میرساند* چون همه ساله عده زیادی برای زیارت خانه خدا اعزام میباشند و این عده نیازمند به امرای میباشند که بر اعدادت و رسیدگی آنان آماده باشند لذا اینجانبان حیدر صفوی بعنوان آشپز و محمد فقی بعنوان اسبدار و خد متکار و آقای غنی اکبر عموزاده برای خدمه حاضریم تا در کاروان حضور اول انجام وظیفه باشیم. تا امری رایدها گوی تشخیص اول ملوک و ریاست محترم و حضور و حضور با شمیم و ضما* اینجانبان به هنگام تشریف فرمایی شهبانوی محبوب بسمان خدمت نمود ما هم

محرر
محمد



کر نمیشد

ع
۹

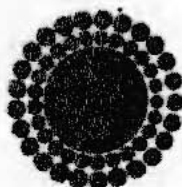
لایحه درخواست اعزام
۱۳۲۹/۱۲/۱۸

لایحه درخواست اعزام
۱۳۲۹/۱۲/۱۸

شماره ۱۴۰۰

تاریخ ۱۳۹۹/۰۳/۰۳

پیوست



تبرستان

www.tabarestan.info

جناب آقای حیدری

نایب و رئیس شورای ملی

خطوبه تلگرام مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۱۱

موضوع درخواست کمک برای احداث ساختمان مدرسه طبرستان

درمهاپاد یا اطلاع برساند:

احیاء امورانی سازمان اوقاف اختصاصی به تعمیر

و مرمت مساجد و اماکن مذهبی در سطح کشور دارد و تأمین مبلغ

۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال برای ساختمان و تأسیسات مدرسه مورد بحث از -

محل اعتبار ضرورت ندارد و نخواهد بود، لذا به درخواستی که ساختمان

مدرسه را گذار نماید این سازمان بینه خود حد اکثر تأیید مزار

ریال برای این امر تخصیص داده و اداره اوقاف محل حواله خواهد نمود

مهری

از طرف معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اوقاف



سازمان اوقاف
وزارت معارف و اوقاف



شماره ۱۹۸/ج
تاریخ ۲۵/۱/۱۳۵۳
پیوست —

ری

جناب آقای ضیاءالدین شادمان
وزیر مشاور و معاون پارلمانی نخست‌وزیر

عظیم‌رقمه شماره ۹۱۲۲۴-۱۱/۲۶/۲۵۳۵ د رمورد مجلس مدرسه علمی
دینی شهرستان مهاباد اشعار میدارد که:
گرچه مرد خیری بنام آقای صالح شاطری مقدار د هزار متر مربع زمین برای
احداث مدرسه مذکور اهداء نمود ولی طبق برآورد کارشناس شهرداری محل ایجا د
بنای لازم نیاز به ۲۵۰۰۰۰۰۰ ریال هزینه دارد که تدارک آن برای سازمان اوقاف
میسرنیست مگر آنکه تأمین و پرداخت آن از طرف دولت با زمان برنامه توصیه شود.
بادار اوقاف محل دستور داد شد فاست که با اخذ تماس با نیکوکاران محلی هند امکان
مساعدتهای مالی آنها را برای ایجاد چنین مرکز علمی دینی جلب نماید و اطمینان
دارد جناب آقای جعفر حیدری نماینده مجلس شورای ملی در این مورد از هرگز
معاذت و تشویق اهالی مضایقه نخواهند نمود.

محمد حسین احمدی

• منابع و مآخذ

- ۱- آدمیت، فریدون؛ افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، چاپ اول، تهران، آگاه
- ۲- آدمیت، فریدون؛ اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۱
- ۳- الموتی، مصطفی؛ ایران در عصر پهلوی (آریامهر در اوج قدرت)، برلین، ۱۹۹۰، بی نا
- ۴- پیرنیا، باقر؛ گذر عمر (خاطرات پیرنیا)، تهران، کویر، ۱۳۸۲
- ۵- باقی، عبدالعلی، کارنامه اوقاف، تهران، سازمان اوقاف، ۱۳۵۲
- ۶- بصیرت منش، حمید؛ علما و رژیم رضاشاه، تهران، عروج، ۱۳۸۵
- ۷- بهنود، مسعود؛ از سیدضیا تا بختیار، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹
- ۸- حکمت، علی اصغر؛ سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی، تهران، وحید، ۱۳۵۵
- ۹- حلاج، حسن؛ تاریخ تحولات سیاسی ایران در قرون معاصر، تهران، جعفری، ۱۳۳۵
- ۱۰- حسین بلاغی، عبدالحجت، گزیده تاریخ تهران، تهران، مازیار، ۱۳۸۶
- ۱۱- دلد، اسکندر؛ خاطرات هویدا، تهران، گلفام، ۱۳۸۱
- ۱۲- رازی، عبدالله، تاریخ ایران از ازمینه باستان تا سال ۱۳۱۶ش تهران کتابفروشی و چاپخانه اقبال، ۱۳۱۷
- ۱۳- شمیم، علی اصغر؛ ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، افکار، ۱۳۷۴
- ۱۴- عاقلی، باقر؛ خاطرات یک نخست وزیر متین دفتری، تهران، علمی، ۱۳۷۱
- ۱۵- کرزن، جورج؛ ایران و مسئله ایران، ترجمه علی جواهرکلام، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۷
- ۱۶- لمپتون، ا. ک. س؛ مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵
- ۱۶- فرخ، تاریخ سیاسی فرخ، تهران، جاویدان، بی تا
- ۱۷- صدر، محسن؛ خاطرات صدرالاشراف، تهران، وحید، ۱۳۶۴
- ۱۸- میرحیدر، حسین؛ از تیول تا انقلاب ارضی، تهران، امیرکبیر، ۲۵۳۵

- ۱۹- مجابی، جواد؛ ای قوم به حج رفته، تهران، موج، ۱۳۵۲
- ۲۰- مکی، حسین؛ تاریخ بیست ساله ایران، تهران، علمی، ۱۳۷۴، جلد ششم
- ۲۱- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی، تهران، زوار، ۱۳۷۷
- ۲۲- مسعودی، عبدالحسین؛ خاطرات سیاسی و اجتماعی، تهران، علمی، ۱۳۷۴
- ۲۳- پهلوان، کیوان، رضاشاه کبیر در آینه خاطرات، تهران، پیکان، ۱۳۷۷.
- ۲۴- مصطفی رجالی، مینو، وقف در ایران، بی جا، بی نا، بی تا
- ۲۵- میلانی، عباسغ معمای هویدا، تهران، آتیه، ۱۳۸۰
- ۲۶- نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی سیاسی معاصر ایران، تهران، بنیاد، ۱۳۷۲
- ۲۷- نجفی، محمدباقر؛ شاهنشاه و دینداری، تهران، چاپخانه رخ، ۲۵۳۵
- ۲۸- سمینار مروجین مذهبی، تهران، سازمان اوقاف، ۱۳۵۵
- ۲۹- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، رجال عصر پهلوی (پرویز خسروانی) تهران، اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۹
- ۳۰- بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، رجال پهلوی به روایت اسناد ساواک عبدالله ریاضی، اسناد وزارت اطلاعات، تهران
- ۳۱- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، هویدا، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، جلد دوم، ۱۳۸۲
- ۳۲- اصلاحات ارضی و نتایج مستقیم آن، بی جا، بی نا، بی تا
- ۳۳- کارنامه حج ۵۱، تهران، سازمان اوقاف، ۱۳۵۱
- ۳۴- کارنامه حج ۵۲، تهران، سازمان اوقاف، ۱۳۵۲
- ۳۵- مجموعه قوانین سال ۱۳۱۴
- ۳۶- مجموعه قوانین سال ۱۳۱۵
- ۳۷- مجموعه قوانین ۴۵ تا ۴۷
- ۳۸- مجموعه قوانین سال ۱۳۵۱
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۲
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی دوره ۲۳

نشریات

روزنامه جمهوری اسلامی، تدوینگر قوه قضائیه، ۱۳۸

مجله تعلیم و تربیت سال چهارم ش ۱۱ بهمن ۱۳۱۳.

نشریه معارف اسلامی، سال اول، شماره دوم

نشریه معارف اسلامی شماره ۱۴

نشریه معارف اسلامی، دوره جدید، آبان ۴۷

نشریه معارف اسلامی، شماره های سالهای ۴۵ به بعد

نشریه معارف اسلامی، شماره ۲۷، سال ۱۳۵۵.

اطلاعات ۱۸ خرداد ۲۵۳۷ شماره ۱۵۶۳۲

روزنامه اطلاعات ۲۱ خرداد ۲۵۳۷ شماره ۱۶۵۳۳

اسناد

اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی

اسناد مجلس شورای اسلامی، ص ۴۳۳ تا ۴۳۷.

در ایران بعد از تصمیم پادشاه قاجار برای منظم ساختن امور مملکت به این امر اندک توجهی شد. اما در دوره های حکومتی بعدی با ورود مجلس شورا نهاد اوقاف هم به عنوان زیر مجموعه ای از یک وزارتخانه قرار گرفت و نمایندگان دولت و مجلس برای جلوگیری از حیف و میل بی حد و حساب اوقاف در تلاش و تکاپو بودند. باید گفت سازمان مستقل اوقاف و اندیشه سازمان جداگانه برای این امر مردم نهاد در دوره پهلوی دوم بصورت جدی دنبال شد سازمان مستقل اوقاف و به دنبال آن تشکیل شورای عالی اوقاف متشکل از حقوقدانان و مجتهدین اولین قدم جدی برای یافتن مجرای قانونی و به حق در این زمان صورت گرفت.